

رنگین کمان مرز می شناسد



تهیه کننده: انجمن کائوس گ.ل.

جلد

اثر هنری به یادگار مانده از کارگاه «یک روز شاد» در اسکی شهیر _ ۲۰۱۸

ویراستار: سن گول کیلینچ

ویراستار حقوقی: حایریه کارا

ویراستار خدمات اجتماعی: کورای آرکاداش

صفحه هنری

شرمین، «هویت»

برنامه حقوق پناهندگان

حایریه کارا

محل مدیریت

کائوس گ.ل

کورای آرکاداش

Kaos GL

سن گول کیلینچ

Tunus PTT, PK 12,

Kavaklıdere/ ANKARA

Fax: +90 (312) 230 6277

E-mail: refugee@kaosgl.org

مشاوران حقوقی

اسامی وکلا: حایریه کارا، یاسمین اوز، کرم دیکمن

URL: <http://www.kaosgl.org>

طراحی گرافیک

جکت مدیا، ceketmedya@gmail.com

تاریخ انتشار

ژانویه ۲۰۲۰

شرکت کنندگان

چاپ

Ayrıntı Basımevi

İvedik Organize Sanayi Bölgesi

28.cad., 770. Sok., no: 105,

Ostim Ankara

Phone: 0 312 394 55 90

آرتین، بحری، بنیتد رایتر، دایان، دراکو، دونا، رامتین زیگورات، س.ق.، شایا، شرمین، فریمان کاشانی، کونین بیهانند بار، کنوین، ماریبل حداد، مدیریک، م.ژ.، میکا و نویسندگان ناشناس.

نوع نشر

کل مسئولیت نوشته ها و تصاویری که در این مجله جای گرفته اند بر عهده نویسندگان و هنرمندان آنها بوده و این فعالیت ها دیدگاه کائوس گ.ل. را منعکس نمی کند.

این مجله فروشی نیست.

«این مجله از طرف انجمن کائوس گ.ل. و با پشتیبانی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در چارچوب پروژه «توسعه حقوق بشر پناهندگان لژیبن، گی، دوجنس گرا، ترنس و بیناجنس (ال.جی.بی.تی)» تهیه شده است. بودجه این پروژه با کمک های سخاوتمندانه اهداکنندگان زیر تامین می شود:

آلمان، استرالیا، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، بریتانیا، جمهوری کره، دانمارک، ژاپن، سوئیس، سوئد، عملیات مدنی و کمک های بشردوستانه اروپا، فرانسه، فنلاند، کانادا، نروژ و هلند

محتوای این مجله دیدگاه های رسمی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) و اهداکنندگان مذکور را منعکس نکرده است. کل مسئولیت ها بر عهده نویسنده می باشد.»

اینکه در کدام کشور زندگی می‌کنیم، همگی به بودن ادامه خواهیم داد. به رسمیت نشناختن ما و یا هر عمل تبعیض‌آمیز دیگری این واقعیت را تغییر نخواهد داد.

البته زمانی که این شماره را آماده می‌کردیم، اصلی‌ترین مشکل ما ندانستن زبان‌های عربی و فارسی بود. با توجه به اینکه سیاست انتشاراتی ما عدم انتشار متون مبتنی بر تبعیض جنسیتی، همجنس‌گرا هراسی، دوجنس‌گرا هراسی، ترنس هراسی، نژادپرستانه و گونه‌پرستانه است، بنابراین عدم فهم متون نوشته شده به زبانی دیگر موجب دشواری می‌شود، به‌ویژه اگر با دغدغه‌ی عدم انتشار متونی ترکیب شود که با سیاست انتشاراتی نشریه‌ی ما در تناقض است. با این همه، به لطف تلاش‌های ارزنده‌ی مترجمان هم‌زمان عزیزمان از پس این مشکل برآمدیم.

دوستان عزیز می‌دانند که در این شماره سهم دارند، تجارب خود در زمینه‌های اکتیویسم، هنر، ورزش، آموزش و خانواده را همراه با شرایط گذشته و کنونی‌شان و نیز فرآیندهای توانمندسازی‌شان به اشتراک گذاشتند. کوئین بیپایند بارز در مورد مشاهدات خود پیرامون جنبش دگرباشان در عراق سخن گفت و سرخ‌هایی در مورد چگونگی برقراری پیوند بین دگرباشان پناهنده و غیرپناهنده در ترکیه داد. آرتین توضیح داد که به عنوان یک پناهنده‌ی جنسیت‌کوییر در زندگی کاری‌اش در ترکیه با چه مشکلاتی مواجه شده است و از تجربه‌ی رژه‌ی افتخار در استانبول گفت. بتیتید رایتر از تجربیات خود به عنوان یک گی‌خاورمیان‌های سخن به میان آورد. هنگام مصاحبه با دونا، او در رابطه با تجربه‌ی پناهنده‌ی جنسیت‌کوییر بودن علیرغم تاهل و بچه دار بودن حرف زد. فریمان کاشانی توصیه‌هایی برای پناهندگان دگرباش، در مورد دسترسی به آموزش داشت. کوئین به ارائه بخش‌هایی از زندگی خود در عراق پرداخت. دراگو در این شماره با دو ژانر ادبی مختلف یعنی داستان کوتاه و شعر سهیم شد. م.ژ. از سوریه، داستان پناهندگی خود به ترکیه را روایت کرد در حالی که رامتین زیگورات تجارب اکتیویسم خود در ترکیه و ایران را با ما سهیم شد. شایا در مورد گذشته

این شماره ویژه از مجله محصول فرآیندی بسیار دشوار اما آموزنده و مهیج است، همچنین نتیجه یک رویا و اعمال سیاستی خاص است. پیش از آنکه به تشریح این جمله بپردازیم، بهتر است داستان شکل‌گیری مجله کائوس گ.ل. را توضیح دهیم تا شاید بتواند به فهم این موضوع کمک کند. دلیل انتشار مجله کائوس گ.ل. که از سال ۱۹۹۴ بدین سو به طور پیوسته انتشار می‌یابد، نیاز گروهی از همجنس‌گرایان به نوشتن کلمات و احساساتشان بود که باعث ادامه این کار به مدت ۲۵ سال بطور متمادی شده است. طی این ۲۵ سال، مجله کائوس گ.ل. تبدیل به فضایی شد تا بسیاری از دگرباشان و همه کسانی که در برابر هنجارهای جنسیتی تحمیلی حرفی برای گفتن دارند، بتوانند نظرات خود را از طریق آن بیان کنند.

کائوس گ.ل. از سال ۲۰۰۷ بدین سو سعی دارد تا دگرباشان را نیز در رده پناهجویان داخل کند و هدفش از این کار ایجاد همبستگی بیشتر با پناهندگان دگرباش است، بدین منظور نیز از ابتدای سال ۲۰۱۷ با یک تیم سه نفره به فعالیت‌های خود تحت عنوان برنامه حقوق پناهندگان ادامه می‌دهد. این تیم سه نفره با طرح این سوال وارد عمل شدند: "چرا سخنان اشخاص خاص و پرجراتی که در شهرهای مختلف ترکیه با آنها گفتگو شده نباید در این مجله چاپ شود؟" و در پاسخ به این نتیجه رسیدند که به جای صحبت "در مورد اشخاص و به نمایندگی از طرف آنها"، بیایید همه "باهم بنویسیم".

هدف این نشریه مقابله با هنجارهایی است که افراد، دارای ویژگی‌ها و مهارت‌های متفاوت را نادیده می‌گیرند، مخصوصاً افرادی که با عنوان پناهنده شناخته شده‌اند و هویت آنها به رسمیت شناخته نمی‌شود. به عنوان کائوس گ.ل. بر این موضوع واقف هستیم که اشخاصی که با آنها ملاقات می‌کنیم بیش از یک "شماره پرونده" و "سوژه موقت" هستند که هم اکنون در انتظار رفتن به کشوری سوم در ترکیه ساکن شده‌اند. ما چیزی بیش از گذشته، آینده، تخصص، هنر، کشمکش‌ها، دلتنگی‌ها و عشق‌هایمان هستیم و صرف‌نظر از

و حال خود و نیز تجربه‌اش در مرکز پناهندگان اخراجی در ترکیه را نوشت. شرمین موقعیت خود به عنوان یک هنرمند ترنس ایرانی را به رشته تحریر درآورد، در حالی که س.ق. ماجرای وداعش با ایران را نقل کرد. میکا، بحری، مدریک و دایان تجارب خود به عنوان ورزشکاران حرفه‌ای و رابطه‌ای که با ورزش ایجاد کرده‌اند را با ما شریک شدند. نویسنده بی نام از رویاهایش برای خود و برای تمام دگرباشان صحبت کرد.

در عین حال، شما می‌توانید ستون‌های مربوط به سوالات متداول و اطلاعات نادرست در مورد سلامت جنسی، حقوق قانونی، فرآیند تغییر جنسیت، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل و اسکان مجدد در کشور سوم را نیز در مجله بیابید. همچنین شما می‌توانید خدمات مشاوره‌ای ارائه شده از طرف برنامه حقوق پناهندگان کائوس گ.ل. و نیز ماجرای فعالیت‌های کائوس گ.ل. در عرصه پناهندگی را در این مجله دنبال کنید. اطلاعاتی در مورد سازمان‌های حامی پناهندگان و سازمان‌های ارائه دهنده خدمات مشاوره‌ای در ترکیه هم موجود است. این شماره همچنین شامل منظومه‌ای از ترانه‌های زیبای عربی با مضامین کوییر است.

به عنوان کائوس گ.ل. طی دو سال گذشته در چارچوب پروژه‌ی "بهبود حقوق بشر پناهندگان دگرباش در ترکیه" و با همکاری کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به پنج شهر مختلف رفتیم و با پناهندگان دگرباش ملاقات کردیم. به مشکلات آن‌ها گوش دادیم و با دشواری‌هایی که در راه دسترسی به حقوق و خدمات تجربه کرده‌اند آشنا شدیم تا بتوانیم سازمان‌های مربوطه‌ی فعال در این حوزه، به‌ویژه کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل را مطلع سازیم و بتوانیم نقشی تسهیل‌کننده در میان نهادها داشته باشیم. علاوه بر این، در شهرهای دنیزلی، اسکی‌شهر، یالووا و استانبول در مورد "وظایف و حقوق قانونی، سلامت جنسی، روند تغییر جنسیت و نقش و مأموریت کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه" دوره‌هایی آموزشی برگزار کردیم. در شهرهای مذکور همچنین مسابقات ورزشی و پیک‌نیک‌های

همبستگی را ترتیب دادیم تا بگوییم "همجنس‌گرا هراسی، ترنس هراسی، دوجنس‌گرا هراسی را متوقف کنید؛ نه به تمام مرزها". ما همچنین کارگاه‌های داستان‌گویی دیجیتال را برگزار کردیم که در آن‌ها آثار زیبایی تولید شد و می‌توانید بخشی از آن‌ها را در این شماره از مجله بیابید.

برای ما گردهم آمدن در تمام این فعالیت‌ها، خوش گذراندن، مسابقه برگزار کردن، خندیدن، تولید جمعی و مهم‌تر از همه سهیم شدن در یک روز شاد بسیار ارزشمند بود.

مایلیم که از تمام مریانی که در طول این دوره‌های آموزشی و فعالیت‌ها در کنارمان بودند و حمایت، دانش، و تجارب ارزنده‌ی خود را با ما سهیم شدند، تشکر کنیم.

و مایلیم که از تمام رفقای عزیزمان، از مترجم مان محبوبه به خاطر حمایت محبت آمیز، انرژی و صمیمیتش در تمام زمان‌های چالش برانگیزمان قدردانی کنیم.

همچنین قصد داریم مراتب قدردانی خود را از همکارانمان در واحدهای محافظت و برنامه‌ی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل اعلام کنیم، کسانی که در طول آماده‌سازی این شماره حمایت و درک خود را از ما دریغ نکردند.

در نهایت، مایلیم مراتب قدردانی خود را از تمام پناهندگان دگرباشی که داستان‌های ارزشمندشان را با ما به اشتراک گذاشتند و امکان انتشار این شماره را فراهم آوردند، اعلام کنیم. کسانی که در معیت آنها چیزهای زیادی آموختیم. بر این باور هستیم که این همبستگی ما را نیرومندتر کرده و در راستای سیاست برنامه حقوق پناهندگان است.

اگر همبستگی نبود، این مجله وجود نداشت.

مطالعه‌ی خوبی را برایتان آرزومندیم

برنامه حقوق پناهندگان کائوس گ.ل.



"ترس چیزی نیست که به خودی خود وجود داشته باشد، بلکه حاصل یک فکر معیوب و بی‌سواد است. مهم‌ترین عامل ایجاد ترس، ناآگاهی و نادانی است، هر چه آگاهی خودمان را درباره مسائل بیشتر کنیم، قطع ترس کمتری در وجودمان احساس میکنیم. بیایید با نادانی مبارزه کنیم."

فریمان کاشانی

دلیل گرایش جنسی متفاوت از دانشگاه اخراج شدم. مهم‌ترین هدف من در زندگی همیشه یادگیری و تحصیل بوده و در ایران به دلیل دگرباش بودن حق تحصیل را از من گرفتند اما اجازه ندادم که دگرباش بودن حق تحصیل را از من بگیرد.

به نظر من بچه‌های دگرباش همیشه به خاطر متفاوت بودن در مدارس گوشه گیر می‌شوند، کسی نیست به آن‌ها گوشزد کند که نرمال هستند و لازم نیست خجالت بکشند

من فریمان هستم و در ترکیه مشغول به فعالیت‌های اجتماعی در زمینه حقوق پناهندگان و دگرباشان هستم. حدود دو سال پیش به صورت داوطلبانه با کمیساریای عالی پناهندگان شروع به فعالیت کردم و به عنوان نماینده پناهجویان جوان سعی کردم تا در راستای فراهم سازی حق تحصیل برای تمام جوانان پناهجو قدم بردارم.

من دانشجوی ترم آخر مهندسی عمران در ایران بودم که به

که عاشق همکلاسی همجنس خود شدند. به همین دلیل معمولن مدرسه جای مورد علاقه بچه‌های دگرباش نیست. هر بچه‌ای حق داشتن یک محیط آزاد و سالم برای تحصیل را دارد اما متأسفانه این حق پامال شده.

من در ترکیه شروع به پیدا کردن راهکار هایی برای تحصیل کردم و در جلسات و دوره‌های مختلف نظراتم را به اطرافیانم انتقال دادم. خوشبختانه بعد از جلسات، تعدادی به دانشگاه راه پیدا کردند و بسیاری شروع به تحصیل آنلاین کردند. من خودم هم برنده بورسیه برنامه نویسی از گوگل شدم و به صورت آنلاین مشغول به ادامه تحصیل و کار هستم. در کلاس‌های آنلاین و فروم‌های گفت و گو برای کسی مهم نیست که گرایش جنسی و جنسیت من چیست، بلکه مهارت و سختکوشی من چیز است که بقیه همکلاسی‌ها من را با آن تعریف می‌کنند.

خیلی از پناهجویان به خاطر خروج اجباری و با عجله موفق نشدند که مدارک تحصیل خودشان را به همراه بیاورند. خوشبختانه آموزش و پرورش ترکیه قبول می‌کند که این دوستان با رد کردن یک سری امتحان مدرک دیپلم خودشان را دریافت کنند اما متأسفانه دوستانی که مدارک بالاتر از قبیل لیسانس، فوق لیسانس و دکتری خود را همراه ندارند نمی‌توانند برابری برای مدرک خود در ترکیه دریافت کنند. روزانه معیار در بازار کار بیشتر و بیشتر به سمت مهارت و دانش پیش می‌رود، اما متأسفانه هنوز هم بسیاری از موقعیت‌های کاری نیاز به مدرک دانشگاهی دارند.

برخلاف تصور مردم باید عنوان کنم که جمعیت افراد تحصیل کرده جامعه ما بسیار است. البته که به نظر من تحصیلات، حتمن مدرک دانشگاهی و مدرسه نیست. من سعی می‌کنم هر روز چیز تازه‌ای یاد بگیرم. با مردم صحبت می‌کنم، کتاب می‌خوانم و در اینترنت گشت می‌زنم. اما هیچوقت حرف یا نوشته‌ای را بدون دلیل یا مدرک باور نمی‌کنم.

هموفوبیا از دو کلمه هموسکشوال و فوبیا به معنی همجنس‌گرا و ترس تشکیل شده. ترس از همجنس‌گرایان و پیش‌داوری و تعصب نسبت به انسان‌هایی که به همجنس خود گرایش دارند و بی‌میلی برای به دست آوردن شناخت درست و علمی درباره پدیده همجنس‌گرایی و پا فشاری بر تعصبات و پیش‌داوری‌های به ارث رسیده! ترس چیزی نیست که به خودی خود وجود داشته باشد، بلکه حاصل یک فکر معیوب و بی‌سواد است. مهم‌ترین عامل ایجاد ترس، ناآگاهی و نادانی است، هر چه آگاهی خودمان را درباره

مسائل بیشتر کنیم، قطع ترس کمتری در وجودمان احساس می‌کنیم. بیایید با نادانی مبارزه کنیم. سخت اما شدنی:

یکی از مشکلات یا بهتر است بگویم بزرگترین مشکل پناهجویان در ترکیه نداشتن اجازه کار است. بسیاری از پناهجویان مشغول به کارهای سخت و طاقت‌فرسا و همین‌طور غیرقانونی هستند و در بین آن‌ها پناهجویان دگرباش به دلیل ظاهر متفاوت حتی شانس کمتری برای این قبیل موقعیت‌های کاری دارند.^۱

ساعت کاری طولانی مدت و حقوق حداقل است. در نتیجه زمان و هزینه برای تحصیل بسیار سخت به دست می‌آید. سازمان‌هایی مانند آسام و کمیساریای عالی پناهندگان برای تحصیل، کمک هزینه‌هایی فراهم کرده‌اند که پناهجویان می‌توانند پس از ثبت نام در دانشگاه از آن‌ها استفاده کنند. نتوسید:

ورود به دانشگاه‌های ترکیه آنقدر هم که پناهجویان فکر می‌کنند سخت نیست. من همیشه به دوستانم پیشنهاد می‌کنم که لیست دانشگاه‌ها را گوگل کنند و از طریق وبسایت آن‌ها اطلاعات مورد نیاز برای ثبت نام را پیدا کنند، به دانشگاه بروند و با دانشجویان و اساتید صحبت کنند، نگران معدل و نمرات کم خود نباشند و از آزمون‌هایی مثل YOS و SAT کمک بگیرند تا شانس بیشتری برای قبولی داشته باشند.

دانشگاهی که دانشگاه نباشد دانشگاه نیست!

سایت KIRON.ngo برای پناهجویان تحصیلات رایگان و آنلاین فراهم کرده. به پناهجویانی که در فکر تحصیل یا در حال تحصیل هستند، پیشنهاد می‌کنم که حتمن سری به این وبسایت بزنند. این سایت به شما کمک می‌کند تا ابتدا زبان مورد نیاز برای تحصیل را یاد بگیرید و در قدم بعد دروس پیش نیاز را پشت سر بگذارید، پس اگر درسی را فراموش کرده‌اید یا می‌خواهید از صفر شروع کنید، اصلن نگران نباشید چون این سایت فکر همه جا را کرده. از پیدا کردن یار درسی و مشاوره تحصیلی تا پیدا کردن یک دانشگاه مناسب برای ادامه تحصیل در خارج کشور.

امیدوارم روزی تحصیلات و اطلاعات، برای همه قابل دسترس باشد.

۱ برای اطلاعات بیشتر در مورد اجازه کار، لطفاً قسمت "حقوق قانونی، سوالات متداول" مجله را مطالعه فرمایید.



ترانه‌های عربی در مورد همجنس‌گرایی، چند عشقی و جنسیت

ماریل حداد

شبهه ریتم‌های ملودی‌های کولیان بود به گوش می‌رسید. ترانه در مورد یک داستان عشقی پر حرارت است و سلیمان با حسی سرشار از نوستالژی یادآور بارانی است که رایحه‌ی بدن یک زن را در خود دارد.

«زمانی که دستا‌مان بهم برسند، لبانم بر لبانش نقش بندد، چه چیز باقی خواهد ماند به جز جهان، به جز زمستان، زمستان، زمستان...»

سلیمان در آخرین آلبوم خود مضمون مشابهی را با «شهریار در عربی کلاسیک» تکرار می‌کند، چیزی که برانگیزاننده‌ی لحنی مشابه در ستایش از عشق و زنان است.

ترانه‌ی «شَمّ الیاسمین» از گروه مشروع لیلی

گروه مشروع لیلی به سطح بالایی از محبوبیت به خاطر ترانه‌ها و آهنگ‌های عصیانگرانه‌ی خود رسیده است. آن‌ها اغلب خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق اقلیت‌ها و آزادی بیان هستند. در آهنگ «شَمّ الیاسمین»، خواننده‌ی اصلی گروه، حامد سنو،

در گفتگوی اجتماعی موجود میان دیدگاه‌های محافظه‌کار و لیبرال در جهان عرب، مباحث گوناگون، استدلال‌ها و تأثیرات متقابلی در تمام محورها و عرصه‌های مختلف زندگی ظاهر شده و پرورش می‌یابند. ظرف چند سال اخیر، حقوق و آزادی‌های فردی در جهان عرب مورد توجه عموم قرار گرفته‌اند، پدیده‌ای که در صحنه‌های موسیقی مختلف، از طریق ترانه‌هایی که جامعه و تمام اجزا و گروه‌های آن را هدف قرار می‌دهند، انعکاس یافته است. متعاقباً شماری از هنرمندان موسیقی را به مثابه‌ی فضایی مشارکتی برای پرتو افکندن بر داستان‌هایی استفاده کرده‌اند که راوی مسائل مربوط به همجنس‌گرایی، جنسیت و آزادی‌های فردی‌اند. در ادامه، شاهد برخی از محبوب‌ترین نمونه‌های این ترانه‌ها خواهید بود.

ترانه‌ی «شهرزاد» از تریز سلیمان

شاید مشهورترین ترانه‌ی هنرمند فلسطینی، ترز سلیمان، آهنگ «شهرزاد» است. او به روی صحنه رفت و به صورت پابره‌نه شروع به رقصیدن کرد در حالی که صدای جرنج جرنج خلخالش که

رابطه‌ی پیشین بین یک مرد جوان و دوست‌پسرش را تصویر می‌کند که پا پس می‌کشد و او را تنها می‌گذارد. متن آهنگ سرشار از میل مشوش زو ج برای زیستن یک زندگی معمولی در جامعه‌ای است که با هم‌جنس‌گرایی مخالفت و هم‌جنس‌گرایان را مجازات می‌کند. او به نحوی نوستالژیک یاد آن رابطه را زنده می‌کند و با اندوه از معشوق پیشینش تقاضا می‌کند که «یادت باشد که به یاد بیاوری» و «هرگز من را فراموش نکن».

ترانه‌ی «ام الجاکیت» از گروه مشروع لیلی

در یکی دیگر از ترانه‌های گروه مشروع لیلی، آهنگی در مورد دختری با موهای کوتاه است که کلاهی بر سر دارد و بدون آرایش از منزل خارج می‌شود، چیزی که در تقابل آشکار سبک رایج در میان زنان تمام جوامع است. دختر ظاهراً به قدری متفاوت به نظر می‌آید که او را به عنوان یک مرد اشتباه می‌گیرند، به‌ویژه از آن رو که دختر صاحب هر آن چیزی است که خود می‌خواهد. بدون آنکه توجهی به نظر دیگران بکند. نوعی از آزادی که اغلب امتیاز خاص مردان محسوب می‌شود. ترانه به تجلیل از این ایده می‌پردازد که هر انسانی آزاد است تا هر طور که دلش می‌خواهد ظاهر شود و رفتار کند.

ترانه‌ی «بُحْبُک» از جمع تکسیر و رولی عازر

به عنوان بخشی از یک ابتکارعمل از جانب سازمان فلسطینی «رنگین‌کمانی برای تنوع جنسی و جنسیتی»، در حمایت از چندعشقی و حقوق دگرباشان جنسی است. پروژه‌ی «ترانه‌خوانی درباره‌ی تمایلات جنسی» شامل ترانه‌هایی پیرامون زندگی هم‌جنس‌گرایان و افراد ترنسی است که در اجتماعاتی به سر می‌برند که نسبت به تغییر انزجار دارند. «بُحْبُک» ترانه‌ای در مورد زن جوانی است که عشق خود را به زنی دیگر اعلام می‌کند. ترانه رابطه‌ی آن دو را توصیف می‌کند، رابطه‌ای که از زمان کودکی آن‌ها سرشار از شور و اشتیاق بود. دختر عمیقاً عاشق است، او در نزدیکی دیوار حائل بین اسرائیل و فلسطین با صدای بلند فریاد می‌کشد بدون آنکه بتسد یا شرم کند.

ترانه‌ی «القصیده الشریه» از جمع تکسیر

پرداختی از شعر شاعر شهیر سوری، نزار قبانی است. ترانه در مورد رابطه‌ی هم‌جنس‌گرایانه بین دو زن است. متن ترانه توصیف‌کننده‌ی رابطه‌ی آن‌ها و شور و اشتیاقی است که برای در میان گذاشتن موقعیتی است که دارند.

ترانه‌ی «زمزم» از جمع تکسیر

متن ترانه داستان مرد جوانی است که رفتار، ظاهر و سبک زندگی‌اش «متفاوت» است، در چارچوب تعریف سنتی از «مردانگی» از او انتظار می‌رود که مثل سایر مردان باشد. مرد جوان افسرده می‌شود و هیچ حس تعلقی را در خود پرورش نمی‌دهد. دست

آخر، او با فردی آشنا می‌شود که شخصیت منحصر به فردش را ارج می‌نهد و تشویقش می‌کند تا همان کسی باشد که می‌خواهد و خودش را مطیع معیارهای تمثیلی از سوی جامعه نکند.

ترانه‌ی «انا حزه بحالی» از میساء ضو

ترانه در مورد دختری است که در هنگام آشنایی با یک دختر دیگر که صاحب احساسات مشابهی است، جامعه بر او تبعیض روا می‌دارد. این دو دختر، جهان‌بینی‌هایشان با یکدیگر تغییر می‌کند و برای نخستین بار احساس عاشقی می‌کنند. متن ترانه عنوان می‌کند که گرایش‌های جنسی گوناگون افراد آن‌ها را نسبت به یکدیگر کم‌تر «انسانی» می‌کند.

ترانه‌ی «مناکره» از هیا زعاتره

ترانه تصورات قالبی تحمیل‌شده بر تمام بخش‌های جامعه و مسیرهای محدود قابل دسترس برای کسانی که می‌خواهند متفاوت باشند را توصیف می‌کند. قهرمان زن علیه این تصورات قالبی تحمیلی بر او عصیان می‌کند و از هم‌رنگ جماعت شدن خودداری می‌ورزد.

پروژه‌ی «ترانه‌خوانی درباره‌ی تمایلات جنسی» همچنین شامل ترانه‌ای است به نام «سه قصیده» که شعر آن متعلق به شهید عیساوی است و ریاض سلیمان اجراش کرده است. شعر الهام‌گرفته از فلسفه‌ی فیلسوف یونانی افلاطون در مورد عشق است.



ترانه‌ی «طیف» از گروه مشروع لیلی

ترانه‌ی «طیف» از آلبوم «ابن اللیل» گروه مشروع لیلی یادآور یک کلوپ شبانه است که به خاطر جنسیت مشتریان تعطیل شد. متن آهنگ حکایت از موقعیت افراد گی و ترنس در اجتماعات بسته دارد، و نیز میزان تحقیر و خشونت که علیه آن‌ها از جانب نیروهای امنیتی اعمال می‌شود. همچنین متن ترانه در مورد حاشیه‌ای شدن و آزار و اذیتی است که این افراد از طرف جامعه‌ی پیرامون خود با آن مواجه هستند. متن ترانه از طرد هم‌جنس‌گرایی از روایت‌های تاریخی رسمی انتقاد می‌کند و در یکی از قوی‌ترین بخش‌های ترانه - به این اشاره می‌شود که صرف‌نظر از اینکه چه میزان انحطاط فکری و اخلاقی تکثیر می‌شود، همچنان افرادی وجود خواهند داشت که برای حق متفاوت بودن و آزاد بودن خود مبارزه خواهند کرد.

ترانه‌ی «جنت الی اهلی» از آهنگ‌هایی در مورد جنسیت

این ترانه درباره‌ی مرد گی ای است که از پستو خارج می‌شود و خانواده‌ی خود را با گرایش جنسی‌اش مواجه می‌سازد اما آن‌ها وی را نمی‌پذیرند. مرد گی مجبور می‌شود زادگاه خود را ترک گوید و با دل‌تنگی برای خانواده‌اش به زندگی ادامه دهد. این آهنگ حزن‌انگیز بیان بیگانگی ای است که بسیاری از هم‌جنس‌گرایان با آن مواجه می‌شوند زمانی که گرایش خود را به خانواده‌هایشان اعلام می‌کنند، اما از جانب آن‌ها پذیرفته نمی‌شوند.

ترانه‌ی «الحرام» از دینا الودیدی

زن مصری جوان در مورد مفهوم عشق و زندگی‌های زنان در جهان عرب، به‌ویژه در اجتماعاتی که زنان نمی‌توانند مطابق میل خود زندگی کنند، آهنگ می‌خواند. دینا الودیدی آن اندیشه‌های منفی را با شعرهایی در مورد زیبایی عشق و هنر مواجه می‌کند که نه شرم‌آورند و نه گناه‌آلود.

ترانه‌ی «هیمنتی» از غالیه بنعلی

خواننده‌ی تونسسی، غالیه بن علی به خاطر آهنگ‌هایش برای و در مورد زنان مشهور است. اگرچه آهنگ‌ها مستقیماً به یک جنس یا جنسیت مشخص نمی‌پردازند اما بن علی در میان اجتماعات دگرباشان به سبب ترانه‌هایش در حمایت از عشق در تمام اشکال آن بسیار محبوب است، به‌ویژه اینکه در بسیاری از ترانه‌ها زنان را خطاب قرار می‌دهد. برجسته‌ترین این ترانه‌ها عبارتند از «هیمنتی»، «لامونی اللی غاروا منی» و «اود».

این ترانه‌ها نشانگر وجوه گوناگون آزادی فردی و نیز درباره‌ی زندگی‌های لژیون‌ها، گی‌ها، دو جنس‌گرایان و ترنس‌ها و همچنین اجتماعات کوئیر است. بن علی از طریق ترانه‌های خود فضایی را برای بازاندیشی موقعیت اجتماعات دگرباشان در خاورمیانه فراهم می‌کند و قدمی به سمت تغییر قوانینی برمی‌دارد که حقوق و آزادی‌های آنان را محدود می‌سازند. ترانه‌های بن علی شامل داستان‌ها و پیام‌های متفاوتی است اما مضمون پربسامد آن‌ها احترام به تفاوت‌ها و گسترش طیف آزادی‌هاست.





"همش در حال کار بودم تا زیاد نتوانم فکر کنم اما کم کم فهمیدم این روش اشتباه است و سعی کردم من هم همراه بقیه خانواده ال جی بی تی بشم و از زندانی که برای خودم ساخته بودم بیایم بیرون..."

آرتین

سلام

من آرتین هستم

یک non binary آرتین اسمی که خانوادم برایم انتخاب کردند نیست، وقتی وارد ترکیه شدم برای من دوره جدیدی از زندگی شروع شد و من برای زندگی جدیدم اسم جدیدی میخواستم اسمی که دوستش داشته باشم .

میخواهم راجع به تجربه زندگی خودم در ترکیه مقداری توضیح بدهم

مدت ۴ سال هست که در ترکیه پناهنده هستم

آرتین به معنی، پایکی و تقدس هست و به نظر خیلی ها یک اسم پسرانه هست اما از نظر من که خودم را خارج از جنسیت مرد و زن میبینم اینطور نیست. من یک همجنسگرم که با جنسیت دخترانه بدنیا آمدم اما دوست ندارم زن، مرد خطابم کنند. فقط آرتین. من میتوانم یک کویر باشم یا

زندگی‌مون رو در حالت درجا زدن در آورده، اما با همه این سختی‌های پناهندگی در ترکیه من احساس خوبی دارم و این باعث خوشحالی من هست چون اینجا توانستم خودم باشم و بدون ترس اعلام کنم من یک همجنس‌گرا. آرامشی که اینجا دارم خیلی بیشتر از ایران هستش من داخل ایران هیچوقت نتوانستم خودم باشم ترس از دولت، ترس از مردم یک طرف بود و ترس از خانواده طرف دیگر. سعی کردم به خانوادم گرایشم رو توضیح بدم اما آزار و اذیتی که بعد از اون آشکار سازی کشیدم باعث شد ۱۲ سال با نقاب زندگی کنم و پشت اون نقاب خود واقعیم و پنهان کنم، اینجا سخت میگذره اینجا هم اذیت میشم اینجا هم خیلی‌ها قبول ندارند اما من جرعت برداشتن نقابمو دارم اینجا می‌گم همجنس‌گرا هستم. اونطور که دوست دارم رفتار میکنم و مجبور نیستم خودم و زندگی‌مو حتی لباس پوشیدنم را از ترس اینکه کسی گرایشمو بفهمه و تهدیدم کنه تغییر بدم. خیلی‌ها مخالفم هستند اما خیلی‌ها هم قبول دارند این برای منی که حتی عزیزترین کسانم سعی نکردن درکم کنند و یا حتی فقط باعث آزارم نشوند خیلی ارزش دارد. پدرم وقتی که من ترکیه بودم فوت کرد و بزرگترین حسرت من این هست که چرا هیچوقت حتی تا لحظه مرگش نخواست به حرفهای بچه اش گوش بدهد و بچه اش را آنطوری که هست قبول کند، چرا گناه من چه بوده؟

خیلی دلم میخواست که میتونستم یک روزی از خودم از سختی‌هایی که کشیدم و میکشم برام خانواده ام بگم که حس کنم تنها نیستم اما من و خیلی‌های مثل من

شروع زندگی‌م در دوره پناهندگی خیلی سخت بود. کار یا نبود یا بود و به خارجی‌ها کار نمیدادند چون ما اجازه کار نداشتیم اگر کار هم نمی‌کردیم هیچ کمک مالی برای یه زندگی اولیه وجود نداشت خودمون بودیم و خودمون، زبان ترکی بلد نبودم و بالاخره به کمک ایرانی‌هایی که زودتر از من وارد ترکیه شده بودند و کمی زبان ترکی یاد گرفته بودند توی یک تکستیل حوله کار پیدا کردم روزی ۱۲ ساعت کار سخت، پول کم، استراحت کم، دلتنگی و احساس غربت و تنهایی برای آدمی مثل من که تجربه این مدل زندگی را نداشتیم خیلی سخت میگذشت اما از همه اینها سختتر سوال، تو دختری یا پسر و جواب دادن من به این سوال بود جواب من این بود، آرتینم جنسیت من چه فرقی به حال شما داره این جواب در دسر‌هایی هم برای من داشت وقتی که کارهای سنگین زیاد بود من رو صدا میکردند که به آقایون کمک کنم و اگه اعتراض میکردم میگفتند تو اگر دختری بگو من دخترم و کارهای دخترانه انجام بده اما چاره‌ای نبود جز تحمل کردن، کم کم به این مدل زندگی عادت کردم، الان بعد از ۴ سال بلا تکلیفی گاهی کم میارم از نظر فکری و جسمی بدنم دیگه طاقت کارهای سخت اینجا رو نداره اما چاره‌ای جز تحمل ندارم چون راه دیگه‌ای جلوی پاهام نیست و همه امیدم به اینه که هر چه زودتر تکلیف زندگی‌م معلوم بشه چون بخاطر شرایط پناهندگی نمی‌تونم یک برنامه بلند مدت برای زندگی داشته باشم هیچ چیز از آینده برایم معلوم نیست ممکنه ۱روز، ۱ماه، ۱سال یا ۱۰سال دیگه اینجا باشم اما اینکه نمی‌دونم این زمان چقدر هست



سختی زیاد اینبارموفق به گرفتن اجازه رفتن به استانبول شدم هفته پرآید بود و من در استانبول، شاید برای بعضی ها این آرزوی کوچکی باشد اما برای من آرزوی بزرگی بود و میتوانم بگویم بهترین هفته من در ترکیه بود هفته ای که مال ال جی بی تی هاست و خیلی ال جی بی تی از سر تا سر ترکیه برای حضور در اون به استانبول آمده بودند. درسته که دولت ترکیه اجازه برگزاری جشن پرآید رو نداد اما بچه های ال جی بی تی تمام سعی خودشون رو برای برگزاری هر چه بهتر مراسم پرآید انجام داده بودن از برگزاری نمایشگاه و کارگاههای آموزشی در مورد همجنسگرایی تا دوره‌می و پارتی های مخصوص به خودمون. تو این شرایط سخت که دولت هیچ همکاری با ال جی بی تی ها نمی کند این پشتکار بچه ها خیلی من رو تحت تاثیر قرار داد. بالاخره روز برگزاری جشن پرآید رسید میدان تکسیم و خیابان استقلال و کوچه های اطرافش هر طرف را نگاه میکردیم پر از پلیس بود اما بچه ها هم اومده بودند بالاخره پلیس با پافشاری ما اجازه داد داخل یک کوچه کوچک تجمع کنیم و جشن خودمون رو برگزار کنیم هر چند که اجازه راهپیمایی ندادند اما اینکه این همه ال جی بی تی تحت این شرایط سخت آمده بودند و یک صدا شعار میدادند و شادی میکردند حس خیلی زیبایی بود. سرو ته کوچه توسط پلیس محاصره شده بود و بعد از نزدیک به یک ساعت پلیس اعلام کرد که کوچه را خلوت کنید و متفرق بشید کم بود اما خوب بود و من امیدارم یک روزی بتوانم بدون ترس دوباره این تجربه زیبا را در روزی که مخصوص به خودمون و جشن ما ال جی بی تی هاست داشته باشم .

تنهاییم چون اونی نیستیم که خانواده هامون انتظار دارند باشیم. پس تصمیم من این شد که سعی کنم قوی باشم و خانواده خودم را داشته باشم یعنی خانواده ال جی بی تی. ما میتوانیم به کمک هم و در کنار هم با تمام سختی ها و مخالفت ها مبارزه کنیم و زندگی قشنگی برای خودمان بسازیم. من دیر فهمیدم اما خوشحالم که فهمیدم ، چون من گوشه گیر شده بودم و توی خیلی از جمع های ال جی بی تی شرکت نمی کردم زندگی من خلاصه کرده بودم توی کار، همش در حال کار بودم تا زیاد نتوانم فکر کنم اما کم کم فهمیدم این روش اشتباه است و سعی کردم من هم همراه بقیه خانواده ال جی بی تی بشم و از زندانی که برای خودم ساخته بودم بیایم بیرون ، پس شروع کردم به شرکت در جمع ها و جلسه های ال جی بی تی ، دوستان زیادی پیدا کردم و امید و انگیزه بیشتری برای زندگی پیدا کردم ، اولین بار روز کارگر ۲۰۱۸ با پرچم رنگین کمان همراه دوستان ال جی بی تی رفتم تو خیابان های شهری در ترکیه که زندگی میکنم، چهار سال من در این شهر زندگی کردم اما هیچوقت همچین تجربه ای رو نداشتم که بدون ترس با خانواده ال جی بی تی ام همراه با پرچم رنگین کمان راهپیمایی کنم و بتوانم اعلام کنم که ما هستیم ما رو ببینید و کسی باعث آزارمان نشود و حتی بعضی ها هم حمایتان کنند.

همیشه میخواستم که بتوانم در جشن پرآید شرکت کنم اما جشن پرآید معمولا در استانبول برگزار میشد و پلیس شهر من اجازه خارج شدن از شهر را یا نمی داد یا خیلی به سختی میداد که خوشبختانه به کمک دوست ترکم و با





گفت و گو با ورزشکاران اسکی شهیر

مصاحبه گران: کورآی آرکاداش، سن گول کیلینچ

ولی خب میگم متاسفانه بضاعت مالی نداشتم و کسی هم نبود که از من حمایت کند. بخاطر گرایش جنسیم از طرف خانواده هم حمایت نمیشدم، به همین دلیل متاسفانه نتوانستم کارم را آنطوری که باید ادامه بدم.

با اینکه بچه هایی بودند که سالها با مربی کار میکردند و میتوانستند بیان توی تیم ولی من خودم توانسته بودم خودم را به حدی برسانم که کارم از طرف مربیان قابل قبول باشه.

قبل از آن توی رشته شنا کار میکردم. به دلیل مشکلاتی که آنجا پیش آمد همان اوایل گذاشتم کنار و بخاطر همین زیاد درباره اش صحبت نمیکنم. برای اینکه بتوانم به آرزوهایم برسیم مجبور شدم از ایران خارج بشم حداقل بخاطر رشته ورزشی که دوست دارم. و خب الان که توی پناهندگی در ترکیه بسر می

آیا می توانید برای ما از تجربه های ورزشی خود در ایران و ترکیه صحبت کنید؟

میکا: سلام، من قبلا توی ایران بسکتبال کار می کردم. بچه ها من را به اسم میکا می شناسن. بسکتبال را از دوران راهنمایی، وقتی که مدرسه میرفتم شروع کردم. توی دوره ی هنرستان به طور حرفه ای شروع کردم و ورودی تیم شهرم را گرفتم. که خب اگه بخوام به صورت بازتر مسئله را بگم اینجوری بود که به دلیل اینکه من بضاعت مالی این را نداشتم که بتوانم برای من مربی بگیرند و حرفه ای کار را شروع کنم خودم به صورت خود آموز بسکتبال را کار کردم. چهار سال از همان دوره راهنمایی کار کردم تا اینکه یک روز وقتی توی پارک شهر مشغول تمرین بودم، با یکی آشنا شدم که اون من را با یکی از مربی های خود شهر آشنا کرد و ورودی تیم ... را گرفتم.

برم با بچه ها جمع شدیم داریم به تیم تشکیل میدیم. با هم دیگه پول گذاشتیم توپ خریدیم. بهمون زمین دادند داریم بازی میکنیم.

امیدوارم که با تمام این شرایط سختی که توی ترکیه داریم حداقل ورزش بتواند روحیه مان را بهتر کند و امیدوارم تمام بچه هایی که دارند تلاش می کنند به آرزوهایشان برسند و موفق بشوند و هر چه که دوست دارند همان بشود.

بحری: من بحری هستم ۲۸ ساله، از سال ۷۹ در باشگاه بانوان بسکتبال بازی میکردم. بخاطر موهای کوتاه و مشکلاتی که داشتم یعنی تیپم پسرانه بود و مانتوو... تنم نمیکردم، بخاطر همین به خیلی مشکلات برمیخوردم. سال ۸۵ وارد سوپرلیگ استان... باشگاه... شدم. بخاطر اینکه یکی از بهترین گاردهای بانوان بودم و دور موهایم سفید بود و چون من متولد ۶۸ هستم خیلی آبدیت نبودم و خیلی راحت نمیدانستم در مورد مثلاً به کسی که تیپ پسرانه میزند چه مشکلاتی دارد روحش با جسمش نمیخواند رد اصل دارد دو تا جسم را در یک روح می گذراند؛ سر همین من را از بسکتبال بیرون انداختند چون قبول نداشتند که من یک ترنسکشوال هستم درحالی که من به این قضیه افتخار هم میکنم.

تا اینکه از آنجا بیرون آمدم و از طریق یکی از دوستانم به راگی بانوان رفتم که حتی اسمم هم در گوگل هست، که اسم قدیمم در گوگل هست که میتوانید سرچ کنید. برای مسابقات کره جنوبی رفتم، لئوس بازی کردم و سنگاپور و پونا، بهترین ترانزیت و بهترین اسکراب ۱ بودم ولی به دلیل اینکه همسر یکی از مربی های ایرانی، خانم... -اسمشان را هم میبرم چون واقعا در حق من خیلی بد کرد- فهمید که من عمل جراحی کردم مثلاً چون سینه ام را تخلیه کرده بودم. ولی چون ورزش را دوست داشتم نیم تنه استفاده میکردم و توی آن جوراب میگذاشتم. حالت اینکه سینه هام معلوم بشود چون واقعا ورزش را دوست داشتم؛ سر همین دیگه کامل منو از باشگاه بیرون انداختند و در سازمان تربیت بدنی کل استان تهران اسمم در بلیک لیست قرار گرفت که در هیچ گونه باشگاه ورزشی به عنوان استایل دختر نمیتوانم بازی کنم. متأسفانه بعد از آن کلا از ورزش کناره گیری کردم و سپس هم برای درآوردن خرج عملم مجبور شدم در ایران کار کنم.

اینجا هم که آمدم بخاطر نداشتن حامی مالی و لباس ورزشی و حتی نداشتن یک توپ ساده که با بچه ها جمع بشیم، نمی توانستیم توی زمین بسکتبال و فوتبال بازی کنیم.

اولین باری که من به ترکیه آمدم کائوس گل لطف کرد یک زمین فوتبال گرفت برای همه مان، داور گی بود اسمش خلیل ابراهیم دینچداغ بود، خیلی خوش گذشت. همه مان با هم دیگه به روز خیلی خوبی داشتیم، بازی کردیم. واقعا یعنی تمام غم و غصه هایمان در طول آن روز رفت. من به هر کسی که صدای من یا امثال من را میشنود، می خوام بگم که ما واقعا به ورزش علاقه داریم و ورزش را دوست داریم. ورزش برای روحمان، برای جسممان، برای همه چیز خیلی خوب است یعنی برای اینکه ما هم بتوانیم قدرت بدنیمان را به رخ بکشیم، واقعا یک امتیاز مثبت است. خیلی ممنونم واقعا از تمام دوستانی که در کائوس گل هستند تشکر می کنم و امیدوارم این صدای من مثل همیشه به گوش هر کسی که باید برسد، برسد و بتواند در حق ما خیلی کارهای خوب انجام بدهد.

هر ال جی بی تی به نظر من میتواند در یک پارک ساده با تمامی وسایل هایی که در اختیار هست بتواند آن انرژی را خالی کند و بتواند یک زندگی را داشته باشد. ولی متأسفانه ما داریم اینجا زندگی میکنیم و نسبت به مشکلات و شرایط سختی که داریم همه مان از لحاظ خورد و خوراک و ویتامین خیلی ضعیف هستیم.

ما چند نفر از بچه های ال جی بی تی: - همه بچه هایی که اینجا هستیم روی هم پول گذاشتیم یک عدد توپ خریدیم. بعضی مواقع دور هم جمع میشویم و بسکتبال بازی میکنیم و امیدوارم بچه ها هم پشت هم باشند و بتوانند یک روز خوب را بسازند.

مدریک: من مدریک هستم ۲۶ ساله و ایرانی؛ ورزش اصلیم یا هنر اصلیم رقص است. در واقع در ایران بخاطر مشکلاتی که داشتم توی پارک کار میکردم. توی اون پارک پلیس چندین بار با من برخورد داشت و من را کتک زد. ما برای ادامه دادن این نوع ورزش جایی را گرفتیم ولی باز هم متأسفانه ما را گرفتند و به جرم ایجاد مکان فحشا تقریباً میشه گفت برای ما سند و مدرکی درست کردند که بتوانند از ما بازپرسی کنند و ما را راهی زندان کنند. هنر من این بود و بخاطر همچنین مسائلی به ترکیه آمدم. با این وجود باز هم تلاش کردم که هنرم را پیگیری کنم. به خیلی از کلابها و همچنین جاهایی توی استانبول رفتم. چون کمک هزینه مالی نداشتم و هیچ کمک کننده ای نبود مجبور بودم برای پیدا کردن کار به کلابها بروم. و حتی چند جایی به من اجازه اجرا داد و خوشبختانه اجرا کردم. ولی وقتی که شما رقصنده ای یا یک کسی به عنوان هنرمند هستی برای کلابها، مخصوصاً گی کلابها میروی، تمام آدم های آنجا یک طوری بهت

مدتها یعنی حدود ۶-۷ ماه بعد خیلی خوب و سرگرم کننده بود و توانستیم زمان شادی را با هم بگذرانیم. چیز مورد علاقه من نبود ولی حداقل توانستیم مقداری تفریح داشته باشیم و شاد باشیم، ممنون.

دایان: سلام من دایان هستم یک ترانسکشوال اف تو ام؛ از سن پایین یعنی از دبستان شنا می کردم در مسابقات کشوری شرکت و مقام کسب کردم ولی بعدها به دلیل مشکلاتی که داشتم نمیتوانستم با بانوان کار کنم و حتی به دلیل تغییر قیافه ای که داشتم نمیتوانستم زیاد بین خانم ها بروم حالا موی کوتاه و مشکلات دیگر و همیشه از این بابت از من شکایت می شد و من بعدها به تیم غواصی رفتم و مدرک غواصی دو ستاره ایتالیا را دارم اما هیچ وقت در کشورم نتوانستم از آنها استفاده کنم و به صورت حرفه ای کار را شروع کنم.

مرسی از اینکه توانستم دردهایم را اینجا اعلام کنم و امیدوارم که رسیدگی بشود و از دوستان خیلی متشکرم.

از وقتی که به ترکیه آمدم به ورزش بیشتر میتوانم حس خوبی داشته باشم و منتظرم که اتفاقات خوب برایم بیافتد و عمل هایم را با موفقیت انجام بدم و بتوانم مثل بقیه افراد به صورت حرفه ای ورزشم را ادامه بدهم و پیشرفت خوبی را داشته باشم.

نظر دارند و تو را می خواهند و به ازای اینکه تو را میخوانند در مقابل اجازه ی اجرا می دهند. برای اینکه بتونی هزینه خورد و خوارکت رو دربیاری باید به چشم اونها باشی که تو را بخوانند و دوست داشته باشند. خوشبختانه باز هم از این طریق سعی کردم یک جوری هزینه هایم را پاسخگو باشم ولی باز هم به مشکل برخوردیم. مشکل اصلی اینجاست که وقتی رفتم به شهرم بخاطر اینکه مسئولان کلاب چیزهای بیشتری از من میخواستند و من نتوانستم برآورده کنم، مجبور شدم آن کار را کنار بذارم و به شهر خودم که بغل استانبول بود بروم. باز هم به مشکل خوردیم و مشکل اصلی اینجاست بود که همه مردم آن شهر و همه آدمهایی که با استانبول رفت و آمد داشتند و مخصوصا بچه های ال جی بی تی میدونستند که من رقصنده گی کلاب هستم.

یک هم خانه ای داشتم بخاطر اینکه چیزهای بیشتری از من می خواست باهم درگیر شدیم. من را کتک زد و سر و بینی من را شکاند؛ علاوه بر آن با چند تا ترک هم درگیر شدم.

همه اینها را به پلیس گزارش دادم هیچ گونه پیگیری نشد و درخواست تغییر شهر دادم و اینکه امروز در کنار بچه ها در این شهر هستم و بسکتبال بازی کردم. بعد





مرثیه‌ای برای یک پرنده

کلاغ مادر به جوجه‌اش نگریست
جوجه ای کوچک با بال‌هایی ضعیف
روزها می‌گذشت و جوجه می‌شد بزرگ
لیکن خبری نبود از بال قوی
مادر می‌دانست که جوجه‌اش هرگز نخواهد کرد پرواز
بنابراین طفل جوجه را حذر می‌کرد از فراز
عادلانه نبود! بچه کلاغ بود ناراحت
چرا باید او این‌گونه به دنیا می‌آمد؟
خود را می‌دانست و بال مادر در لانه
پس برفت و ایستاد بر لبه‌ی آشیانه
مادر خروشید: تو نداری بالی برای پرواز!
پاسخ آمد: نیازی به بال نیست چون کنی به سوی مرگ پرواز
پرواز کن
پرواز کن

دراکو

ما هم نیاز داریم تبدیل به یک اجتماع شده و از همبستگی بین خودمان لذت ببریم. نیاز داریم که احساس کنیم در جامعه تنها نیستیم ...

مصاحبه با دونا

مصاحبه‌گر: سن گول کیلینچ، کورآی آرکاداش

• شما چه نوعی زندگی‌ای را برای افراد دگرباش تصور می‌کنید؟

اگر ما در جامعه مشهودتر باشیم به لحاظ اجتماعی می‌توانند قبولمان کنند. با این حال، این امر برای ما که در جوامع خاورمیانه زندگی می‌کنیم بسیار دشوار است.

• مایلید چه چیزی در مورد دگرباشان و جنبش LGBTI در عراق بگویید؟

کسی که هویتش به عنوان یک دگرباش آشکار می‌شود نمی‌تواند بیش از سه ماه در عراق زنده بماند. اگر جامعه از میل جنسی دگرباشان آگاه شود سریعاً حکم مرگ آنها را صادر می‌کند. آنها افرادی مقبول نیستند. نمی‌توانند خارج از محدوده‌های خانه‌هاشان رفت و آمد اجتماعی داشته باشند؛ همواره باید درون خانه بمانند. دگرباشان باید خود را مخفی نگه دارند. با این وجود، آنها ظرف دو-سه ماه گذشته از طریق اینترنت شروع به اجتماعی‌شدن کرده‌اند. هرچند این قضیه تقریباً محدود است.

• سلام دوناجان. دگرباش بودن، ازدواج کردن و بچه داشتن چه حسی دارد؟ مایلید در این رابطه چیزی بگویید؟

من ازدواجم را که ازدواجی بین یک ترنس لزبین و سیس‌لزبین (cislesbian) است، ارزشمند می‌شمارم اما به سختی می‌توانم گفت که جامعه هم همین حس را دارد. جامعه چنین ازدواجی را قبول نمی‌کند. اما برای من و همسرم این ازدواج فوق‌العاده است. ما هیچ مشکلی نداریم. فرزندان من با مفهوم دگرباشی مشکلی ندارند، آنها عاشق ما به عنوان والدین خود هستند. در این مورد آنها هیچ احساس متفاوتی از سایر کودکان ندارند.

مایلم به دگرباشان پیشنهاد دهم که ازدواج کنند و صاحب فرزند شوند چرا که ما هم نیاز داریم تبدیل به یک اجتماع شده و از همبستگی بین خودمان لذت ببریم. نیاز داریم که احساس کنیم در جامعه تنها نیستیم و مطمئناً نیازمند آنیم که بخشی از جامعه باشیم. ما به یک هدف نیاز داریم، هدفی که در زندگی به آن متوسل شویم. انسان نمی‌تواند بی‌هدف زندگی کند.



"با این حال، من همان‌طور که هستم خودم را می‌پذیرم زیرا مسئله بر سر «بودن یا نبودن» است."

لطفا توجه داشته باشید: این متن ممکن است برای اشخاصی که قربانی رفتارهای خشونت آمیز شده اند، سبب بروز ناراحتی های روحی شود.

م.ز.

دو ماه بعد، یک بار دیگر شانسم را امتحان کردم ولی مجددا پلیس ترکیه دستگیرم کرد.

مجددا بعد از سومین تلاش باز هم دستگیر شدم. آخرین تلاشم از طریق فلان شهر در تاریخ فلان بود که مجددا دستگیر شدم. این بار مأمور پلیس بهم گفت که اگر یک بار دیگر اقدام به فرار کنم آن‌ها من را به سوریه بخواهند گردانند. من سعی کردم به سازمان ملل دسترسی پیدا کنم تا داستانم را برایشان بازگو کنم اما متاسفانه موفق نشدم چرا که از رفتن به هر جایی می‌ترسیدم.

به دوستم در آلمان زنگ زدم و گفتم که تلاش دوباره برای فرار غیرممکن است چرا که آن‌ها من را به سوریه بخواهند گردانند که این برای من به معنای مرگ خواهد بود.

جامعه‌ی سوریه من را طرد کرده و جامعه‌ی ترکیه هم گی‌ها را قبول نمی‌کند. من از بحران‌های روان‌شناختی رنج می‌برم اما توانسته‌ام که بر آنها به لطف دوستم در آلمان غلبه کنم که هرگز بیخیال من نشد هرچند دیدار ما ناممکن شده است.

با این حال، من همان‌طور که هستم خودم را می‌پذیرم زیرا مسئله بر سر



Serpil Odabaşı • Yurtsuz

«بودن یا نبودن» است.

توصیه‌ام به کسانی که این نوشته را می‌خوانند این است که انسان‌ها را همان‌طوری که هستند، بپذیرند. چه گی باشند چه چیز دیگر. چرا که آنها می‌توانند فرزند شما باشند، می‌توانند پدر شما، دوست یا برادرتان باشند اما آنها از بازگو کردن می‌ترسند. ما افراد تحصیل کرده و مطلعی هستیم. بعضی از ما دکتر یا وکیل هستند. پیروزی از آن ماست.

سلام، داستان من به طور خلاصه از این قرار است:

۲۴ سال دارم، فارغ‌التحصیل یکی از دانشگاه‌های سوریه هستم.

چندسال قبل خانواده ام متوجه گرایش جنسی و گی بودن من شدند. خیلی ترسیده بودم و بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودم.

پس از کتک خوردن از خانه خارج شدم و به خاطر اینکه پلیس نگه‌م داشت خیلی تعجب کردم، پلیس مدارک من را خواست و سپس دستگیرم کرد.

چیزی که خیلی باعث تعجبم شده بود این بود که به مدت یک روز در زندان از طرف بازجویی که هیچ سوالی از من نپرسیده بود مورد ضرب و شتم قرار گرفتم. ۱۴ روز در بازداشت بودم.

از طریق یک اپلیکیشن دوست‌یابی برای گی‌ها با فردی آشنا شدم که به من کمک کرد تا به ترکیه فرار کنم و پول فرارم را نیز پرداخت.

وقتی به شهر مورد نظر رسیدم برایم یک خانه اجاره کرد. او با من خیلی عالی رفتار می‌کرد، مثل یک دوست، برادر، فرزند و معشوق.

ما زیباترین سه ماهمان را با هم زندگی کردیم. پس از آن تصمیم گرفتیم که از طریق دریا به آلمان برویم. اما هزینه‌ی آن بسیار زیاد بود بنابراین او قبل از من حرکت کرد و به آلمان رسید.

پس از یک ماه برایم مقداری پول فرستاد و من هم پول ذخیره کردم. سعی کردم از طریق دریا بروم اما پلیس ترکیه دستگیرم کرد.



"اما هنوز هم من را بیگانه می خوانید. انگاری که اینجا شهر من نیست. انگار که هنوز به هوایش. آب و خاکش و آفتابش عادت نکرده ام."

شایا

درمان نیاورد. اما زندگی اینجا هم مرا به حال خود رها نکرد تا دمی نفسی آسوده بکشم.

اینجا تنهایم. خودم و زندگی و برزخی که میدانم مرا در نهایت به کجا می برد...

روزهای سختی را کار کرده ام که خانه ای داشته باشم و سقفی و نانی...

کار کردن در ترکیه بسیار سخت است. هرگز تجربه اش نکرده بودم. ساعت های طولانی کار سخت و گاهی با حداقل درآمد ممکن. اما خودم را امیدوار نگه می داشتم برای ساختن آینده ای که آرزویم بود و هست.

اما انگار زندگی همیشه مثل قطار بر روی یک ریل حرکت نمی کند. گاهی قطار زندگی انسان در لحظه ای واژگون میشود...

به دلیل نداشتن اجازه کار توسط پلیس ترکیه دستگیر شدم و زندگیم بهم ریخت

شب دستگیری به کلانتری منتقل شدم. آنجا چند نفر دیگری هم بودند. هوا چقدر سرد بود. زمان می گذشت و صبح نمی شد. فکر می کردم صبح، صبح رهایی است. اما انگار ماجرا چیز دیگری بود.

سه روز آنجا بودم. روز سوم در عین ناباوری خبر دیپورتم از خاک ترکیه به گوشم رسید. انگاری می خواستند به خاطر اینکه زندگی می کردم مجازاتم کنند. احساس بی گناهی می کردم و بی پناهی. به یاد می آوردم روزهای اولی را که به امید یاری دستم را به سویشان دراز کرده بودم که شاید آینده ام مثل گذشته تلخم در ایران نباشد اما حالا اینها هم با من سر دشمنی داشتند.

چشمانم سیاه شد و دنیا دور سرم چرخید. چشم که باز کردم روی تخت بیمارستان بودم. سنگینی دستبندی که به دستم زده بودند آزارم می داد. شاید کسی را کشته بودم و خودم خبر نداشتم.

من شایا هستم. ترنس ایرانی. فارق از تمام تعلقات و تعصبات دنیای پیرامونم. جنسیتم را پس زده ام و پا فراتر گذاشته ام از آن. حالا یک زنم. آرزوهایم در دستانم است و از اندوه هایم گریزان نیستم. از گذشته ام و آنچه که بوده ام. از کودکیم. از همه ترس هایم. از ترس رفتن به مدرسه و بچه هایی که مدام مسخره ام می کردند. از سرزنش های پدر و مادرم. از احساس تفاوت وحشتناکی که با دیگران داشتم. ترس از روزهایی که به دانشگاه می رفتم. ترس زمانی که خود را شناختم. ترس شب هایی که راجع به خودم با خانواده ام حرف می زدم. ترس از طرد شدن و تنهایی. ترس از دادگاه و پزشکی قانونی. ترس از اتاق عمل و درد...

ترس یک زندگی جدید و یا یک رابطه عاشقانه...

ترس از فرهنگ و تعصبات جامعه ناآگاه که هرگز مرا درک نمی کرد...

ترس از جمع کردن زندگیم در یک چمدان. ترس از خداحافظی. فرودگاه. غربت...

سوار هواپیما شدم و با سرزمین مادریم خداحافظی کردم. هواپیما در فرودگاه استانبول به زمین نشست. خاک ترکیه در زمستان آن سال سردتر از هر زمان دیگه ای بود انگاری. مهر ورود به پاسپورتم زده شد ۲۰۱۶/۰۲/۰۸

از آن روز زمان زیادی می گذرد. وحشت از تنهایی و سرنوشتی نا معلوم را در هر ثانیه به خاطر می آورم.

حالا یک غربت نشین هستم. در اعتراض به خودم، خانواده ام، جامعه و ناملایمات زندگی سرزمینم را ترک کردم

حالا دیگر اینگونه مانند شما لباس می پوشم. رفتار می کنم. زبانتان را می دانم و حرف می زنم. اما هنوز هم من را بیگانه می خوانید. انگاری که اینجا شهر من نیست. انگار که هنوز به هوایش. آب و خاکش و آفتابش عادت نکرده ام.

ترکیه نیز برای من پر از خاطرات تلخ و شیرین بوده است. دوستانی زیادی اینجا دارم که بخشی از زندگیم هستند. از همدیگر برای هم خانواده ساخته ایم که بی خانمانی از پا

وقتی که برگشتیم جلوی کلانتری پر از انسانهایی بود که برای کمک به من آمده بودند. کسانی که می شناختم و یا هرگز ندیده بودم. دوستانم و ایرانیان ساکن اینجا و چندین وکیل برای کمک به من. اما من فقط ترسیده بودم. سوار ماشینم که می کردند تصویر مبهمی از دوستانم را به خاطر می آورم که اشک می ریختند و اسم مرا فریاد می زدند. و من به این فکر می کردم که چقدر دلم برایشان تنگ می شود. ماشین به سمت فرودگاه می رفت و من بودم با لباسی که به تن داشتم و کیفی در دستم و زندگی که برای ساختنش زحمت کشیده بودم اینجا جا می گذاشتم.

احساس می کردم که خوابی وحشتناک می بینم. اما چرا بیدار نمی شدم؟ درون ماشین فقط اشک می ریختم و به ماموران التماس می کردم...

با تلاش وکلا و سازمان هایی که حالا خبردار شده بودند ناباورانه از راه فرودگاه به کلانتری برگشتیم. باور نمی کردم. تا صبح پلک بر هم نمی زدم که شاید دوباره کابوس ببینم

دوستانم تا صبح بیرون کلانتری انتظارم را کشیدند فردا توانستم وکیل را ببینم. کمی دلگرم شدم. قول داد که هر کاری که بتواند برایم انجام بدهد تا مرا بازنگردانند. نیمه های شب ماشین برای انتقال به کمپ آمد. اما فکر نمی کردم که مرا به استانبول منتقل می کنند. این همه دور. آنجا دستم از همه کوتاه می ماند

هیچ کس جواب درستی نمی داد که مرا کجا می برند. در آن ساعت شب هم از دست کسی کاری ساخته نبود تا ببینم فردا چه می شود...

صبح به استانبول رسیدیم. شهری که همیشه برای دیدنش هیجان داشتم حالا برایم وحشتناک بود. خارج از شهر به ساختمانی رسیدیم بزرگ و نزدیک به دریا. اما به نظرم این سکوت و خلوت ترسناک بود. مات و مبهوت بودم و اشک می ریختم. می خواستند با من چه کار کنند؟

از روزی که وارد آنجا شدم تا روزی که آزادم کردند نوزده روز طول کشید. اما انگاری برایم سالها گذشته بود. نه می دانستم چه می شود نه اینکه با من چه می کنند. دلم خانه ام را می خواست. دوستانم را و قدم زدن در خیابانهای شهرم. اما حالا اینجا بودم ساعتها روی تختم می نشستم و از پشت میله های پنجره دریا را نگاه می کردم و قایق ها را که رها بودند و آزاد. من هم برای آزادی آمده بودم. آمده بودم که پرواز کنم از قفسی که سالها اسیرش بودم. حالا باز هم در قفس دیگری اسیرم کرده بودند. ترس لحظه ای رهایم نمی کرد. خوابهایم آشفته بود. هنوز هم کابوسش را می بینم و روزهایم پر از اشک و اضطراب. انسان های زیادی را دیدم.

با زبان ها و رنگ های مختلف. همه با هم یکجا بودیم. هرچند دردهای متفاوتی داشتیم اما حالا همدرد بودیم با هم در این حبس. زندگی چه درس تازه ای به من می داد؟ هنوز چه چیزهایی را یاد نگرفته بودم؟ هنوز بر زندگی چه ها نگذشته بود که باید می گذشت؟ به خدایم شکوه می کردم که چرا با من اینگونه می کنی؟ من از زندگی که چیز زیادی نمی خواستم...

دل تنگ مادرم بودم و پدرم و خواهرانم. نمی خواستم کسی از این حال با خبر شود...

انسان های خوب زیادی را آنجا شناختم که کمکم کردن. درس های زیادی یاد گرفتم از هر کسی که هم کلامم شد. و تا جایی که توانستم به دیگران کمک کردم. خودم سراسر آشوب بودم اما سعی کردم مایه آرامش باشم برای اطرافیانی که به من تکیه می کردند آنجا.

بالاخره روزها گذشت و مرا آزاد کردند که به شهرم برگردم. باور نمی کردم که در خیابان راه می روم. دوستانم را می بینم. در خانه ام می نشینم. هوایی نفس می کشم...

اما همه چیز به اینجا ختم نمی شد. بخشی از مشکلات تازه شروع می شد انگاری. چند باری برای امضا زدن به استانبول رفتم و بعد از انتقال امضا به شهر خودم، پلیس شهر مرا هر روز مجبور به امضا کرد. تا به امروز که بیشتر از یکسال از این اتفاق می گذرد هر روز برای امضا به پلیس می روم. کار نمی کنم و زندگی سخت می گذرد. سرنوشتم در ترکیه نامعلوم است و نمی دانم تا کی اینجا می بمانم. بعد از ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا همه پرونده ها متوقف شده و ما در بلا تکلیفی عذاب آوری به سر می بریم. شرایط هم هر روز در ترکیه از هر نظر سخت تر می شود برای حجم زیادی از انسان هایی که از کشورهایشان به اینجا آمده اند و سرگردانند

روزها خودم را سرگرم می کنم. می نویسم. می خوانم. به انسان هایی مثل خودم کمک می کنم و به انسان هایی دیگر هم آگاهی می دهم که ما را نیز مانند خودشان ببینند ما هم انسانیم و حق زندگی داریم

امیدوارم به آینده ام. می دانم روزهای خوبی در راه است و من به انتظارش می نشینم. دلم می خواهد درسهایی که در این سالها گرفته ام را فراموش نکنم. و با خاطرات خوب از این شهر و از شما خداحافظی کنم.



Shermin • Let Our Dreams Blossom

"همه احتمالاً با موانع زندگی ما به عنوان پناهندگان و غیرشهروندان در ترکیه آشنایی دارند. اما وقتی مسئله بر سر هویت ما و حقوق دگرباشان است، هیچ کس اطلاعی ندارد!"

شرمین



Shermin • Giving Birth

من انتظارات بالایی از ترکیه به نسبت کشور خودم نداشتم. بنابراین اینجا مواجهه‌ی من با مشکلات می‌تواند کمی آسان‌تر باشد. من آدم قدرناشناسی نیستم اما وقتی پای حقوق وسط باشد، چیز درخشانی مطرح نیست.

گاهی می‌توانم دوستانی پیدا کنم، اما وقتی پایم را به خیابان می‌گذارم حتی کوچک‌ترین سلام و احوال‌پرسی ساده با افرادی که ممکن است دفعه‌ی بعد مسیره‌ایمان با هم تلاقی کند اتفاق نمی‌افتد.

آن‌ها در ذهن خود چه می‌اندیشند؟ می‌دانم. من آن‌ها را سرزنش نمی‌کنم. من دولت و خودمان را سرزنش می‌کنم. کسانی که در قدرت هستند اما ناتوان از ایجاد تغییرند. و همچنین ما به عنوان سرسپردگان. کسانی که با رنج‌های ما آشنایی دارند اما همچنان تلاش می‌کنند که ساکت بمانند. و ما، کسانی که نمی‌توانیم راه دیگری برای اتحاد و ایجاد تغییر پیدا کنیم. کسانی که راه پیمایی افتخار (Pride) استانبول را سال‌ها ممنوع کردند و ما کسانی که تمایل داریم سرمان را زیر برف کنیم.

من یک پناهنده‌ی ترنس ایرانی در ترکیه هستم. ۳۰ سال دارم، عکاس و نقاش هستم. زندگی در ترکیه بسیار بهتر از زندگی در کشور خودم است اما وقتی بحث بر سر کمال باشد، نه این‌طور نیست!

همه احتمالاً با موانع زندگی ما به عنوان پناهندگان و غیرشهروندان در ترکیه آشنایی دارند. اما وقتی مسئله بر سر هویت ما و حقوق دگرباشان است، هیچ کس اطلاعی ندارد!

هر فرد داستان خاص خود را دارد. هر فرد از خطرات متفاوتی گریخته است، بنابراین داستان‌های متفاوت زیادی وجود دارند.

اما با تمام این‌ها، همه‌ی ما در کشور واحدی زندگی می‌کنیم که ترکیه نام دارد!

ما چیزهای مشترک زیادی داریم، مسلمانیم، فرهنگ مشابهی داریم و گاهی اوقات محدودیت‌هایمان هم یکسان است.

چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم تا شهروندان عادی با ما ارتباط برقرار کنند زمانی که دولت کنش متقابل ما را منفصل می‌کند؟ و چگونه می‌توانیم بدون هیچ گونه پیوند و حمایتی موجب تصویب حقوق‌مان شویم؟ من بر این باورم که تغییر ایجاد می‌شود اگر آن را از خودمان شروع نکنیم.

زمانی که در ایران بودم شروع به انجام تغییرات کردم. در جایی که هم‌جنس‌گرایی یک جرم است. شروع به نقاشی کردن و ترسیم جهان و هویت خاص خودم کردم. یک مجموعه آماده کردم و سپس تصمیم به نمایش آن گرفتم، پس از ارائه‌ی درخواست هیچ یک از صاحبان گالری‌ها با آن موافقت نکردند. سلف‌پرتوهای من با موضوع‌شان (هویت من) مشکلی جدی برای آن‌ها بود. من تسلیم نشدم. هرچند آن‌ها به من گفتند که نقاشی‌هایم دارای خصوصیات اسلامی نیست اما من شروع کردم به نمایش آنلاین آثارم. برایش جنگیدم، این بدن من بود و فقط من خودم حق داشتم که در موردش خودم تصمیم بگیرم. پس از مدتی، شروع به عکاسی با موضوعات هم‌جنس‌گرایی کردم. از آنجایی که این کار جرم بود و من نتوانستم فیگورهای گی‌عریان برای عکاسی پیدا کنم شروع به گرفتن عکس‌هایی از یکی از دوستانم کردم. بنابراین از تکنیک فوتومونتاژ بهره بردم. مجدداً نتوانستم برای نمایشگاهم مجوز بگیرم. و این با عزمم به ترکیه مصادف شد.

در طول آن روزهای وحشتناک در ایران، من به شدت نقاشی و عکاسی می‌کردم. هرچند آن‌ها هنر من را ممنوع کردند اما نتوانستند جلوی ذهنم را بگیرند. من راه دیگری

برای بیان خودم یافتم. من تماشاچیان زیادی نداشتم اما برای من ارتباط با برخی افراد و مطلع کردن آنها در مورد اقلیت‌های دگرباش در ایران کافی بود. پیام من این است: ما نباید تسلیم خواسته‌های آن‌ها شویم، ما باید روی مقاومت خودمان حساب کنیم.

به عنوان یک زن ترنس، هر کس ممکن است با مشکلات ما در هر کجا آشنا باشد. تعرض جنسی، حمله، قضاوت و تهدید واژگانی آشنایی برای هر یک از ما هستند. اگرچه این واژگان کلمات وحشتناکی برای ما هستند اما می‌توانند موضوعی برای آثار هنری من هم باشند.

یک سال است که بر روی پروژه‌ی دیگری کار می‌کنم. تصمیم گرفتم عکس‌هایی مخفی از کسانی بگیرم که مورد تعرض جنسی، حمله و قضاوت قرار می‌گیرند و همچنین عکس‌هایی از مبارزه با ترنس‌ها در ترکیه بگیرم تا بتوانم یک مجموعه‌ی عکاسی مستند ایجاد کنم. آن‌ها به خود حق می‌دهند که با روح یا بدن ما چنین کنند، بنابراین من هم به خودم حق می‌دهم که آن لحظات را ثبت کنم و آن را به شکلی هنری در معرض دید جهان بگذارم.

مطمئن نیستم که بتوانم یک نمایشگاه رسمی در ترکیه بر پا کنم اما روزی آن را در اروپا یا آمریکای شمالی بر پا خواهم کرد.



Shermin • Identity



دراکو

من به فقدان وجود عدالت در جهان پی بردم زمانی که می‌بینم او خانه‌ای ۵۰۰ متری دارد و من خانه‌ای ۵۰ متری اجاره کرده‌ام. هزینه‌ی آرایشگاه او ۳۰ دلار است اما من موهایم را بلند می‌کنم تا پول آرایشگاه ندهم!

او به موهای خود به شکل جدی می‌رسد، محلول موهایی دارد که بیش از ۱۰۰ دلار پولشان می‌شود، غذاهای لذیذ ویژه‌ای می‌خورد و رژیم غذایی خاصی دارد! اما من چه؟ هیچ!

بسیار خوب، شاید بگویید که او بیشتر از من کار می‌کند، اما واقعیت این است که نه او و نه حتی هیچ یک از اعضای خانواده‌اش تا به حال کار نکرده‌اند!

مسئله این است،

او یک سگ است!

دراکو

هتل - زن - مرد - کوهستانی - گارسون - سگ - مدیر
زن - برف

زن در حالی که دندان هایش به هم می خورد رو به مرد کرد: «دنی، هیچ امیدی نیست تو این کولاک حتی دو متر هم نمی بینیم. ما می میریم.» دنی با شگفتی به ساختمان محوی درون کولاک اشاره کرد: «انقدر بد بین نباش بت! نگاه کن! به نظریه ساختمون میاد!» ساختمان دور نبود. فقط به دلیل وجود برف و کولاک از ۲ الی ۴ متری جاده ای که محو شده بود خود نمایی می کرد.

بند کوله پستی هایشان را محکم تر بستند و با قدم های سریع تر و امیدی تازه راه افتادند. هنگامی که نزدیک در ورودی شدند، بت چشم هایش را ریز کرد تا بالای در را بهتر ببیند: «هتل پیچک» با خوشحالی رو به دنی کرد و جیب کوتاهی زد. دنی می خندید. اما با صدای سگ که خود را به پشت در کوباند و پارس کرد ساکت شدند ولی بعد به ترس خودشان خندیدند. کمی بعد سایه ای از شیار زیر در نمایان شد و در باز شد. بت و دنی به مردی بلند قامت با موهای کوتاه قرمز که لباس گارسون ها را پوشیده بود خیره شدند. معلوم نبود برای خوشحالی یا برای زخم گونه ی مرد!

گارسون لبخند زد: «تو این فصل فقط چند نفری که راهشون رو گم کردن، سر و کلشون تو این هتل پیدا می شه! گم شدید!» بت و دنی داخل رفتند و به سگ دوبرمنی که سمت راست گارسون به آنها خیره شده بود و غرغر میکرد، نگاهی انداختند. دنی خندید: «باز هم خوبه که هستید وگرنه مرده بودیم!» گارسون خندید: «به هر حال خوش آمدید! این جا ۸ تا اتاق خالی داریم که میتونید هر کدومو خواستید انتخاب کنید. فعلا خودتونو کنار شومینه گرم کنید تا من براتون قهوه گرم بیارم.» سپس از در ته راهرو خارج شد. بت گفت: «متشکرم!» و کوله پستی اش را در آورد و کنار شومینه گذاشت. دنی هم همین کار را کرد: «چند دقیقه پیش فکرش رو هم می کردی که الان قهوه گرم بخوریم؟» بت گفت: «حتی فکر نمی کردم که زنده بمونیم!» با هم خندیدند.

در آخر راهرو باز شد: «رابیبیین؟» سگ به سمت در رفت و داخل شد. گارسون ظرف غذای سگ را روی زمین گذاشت و به سمت آنها آمد. پشت سرش زنی میان سال با موهایی به همان رنگ قرمز در حالی که سینی

در دست داشت، داخل شد. گارسون گفت: «این خواهرم جین است مدیر و صاحب این هتل بالای تپه!» جین رو به روی آن ها روی مبل مخملی قرمز نشست: «خوشبختم، خوش آمدید، چی شد که از این جا سر در آوردید؟» سینی قهوه را جلوی آنان روی میز گذاشت. دنی فنجان را برداشت: «راستش داستان طولانیه و ما خسته.» جین گفت: «می فهمم، می فهمم، چه طوره فردا صبح راجع بهش صحبت کنیم؟ این هم کلید اتاقتون. رو به منظره کوهستان! البته که تا بند اومدن کولاک نمی تونید ازش بهره ای ببرید.» خندید.

گارسون به آن دو لبخند زد و فنجان های خالی را درون سینی گذاشت: «شب خوبی داشته باشید. وسایلتون می تونه اینجا بمونه تا خشک شه.» دنی و بت کاپشن های کلفت شمعی خود را در آوردند و روی دسته مبل کنار شومینه گذاشتند. تکان خوردن سگ ته راهرو نظر بت را جلب کرد. سگ به او خیره شده بود. دنی گفت: «پلیور ها خشک هستند.» گارسون گفت: «داخل اتاق ها هم بخاری هست هم پتو.» بت نگاهش را از سگ زد و با هم به طبقه بالا، اتاق ۳۵ رفتند. اتاق سرد و تاریک بود. دنی چراغ را روشن کرد و بعد سراغ بخاری رفت و با کبریت کنار بخاری آن را روشن کرد سپس متوجه نگاه نگران و خیره بت به کف اتاق شد: «اتفاقی افتاده؟» بت سرش را تکان داد: «نه! ولی اون سگه یه جوریه بود!» دنی نق زد: «خواهش می کنم بس کن. دیدی بدبین بودی؟»

بت نفس عمیقی کشید: «انگار داشت هشدار می داد!» دنی گفت: «سرما مغزت رو فریز کرده! این بوی چیه؟» بو کشید. بت: «نمی دونم... سرم... احساس سرگیجه و حالت تهوع کرد. اتاق دور سرش می چرخید. دنی سعی کرد در را باز کند. سینه خیز و نفس زنان خود را به در رساند و سعی کرد دستش را به دستگیره برساند. اما سرش روی زمین افتاد و دیگر توان حرکت نداشت. سگ پشت در پارس کرد. دنی صدای بالا آمدن از پله ها را شنید. حتما نجاتش میدادند. صدای گارسون آمد: «باشه، باشه، آروم باش رابیین.» چشم های دنی دیگر تاب نیورد. اما گوش هایش می شنید. در باز شد. صدای جین پرسید: «امروز چندمه آنتوان؟» بعد از اندکی فکر جواب داد: «۳ یا ۴ فوریه؟» جین اندکی محاسبه کرد: «پس تا آخر زمستون گوشت داریم!»



"هزاران بار با خودم گفتم که نرم... یهو همه چیو خراب کنم بزخم زیر قول و قرارهام..."

س. ق.

میگفتم: این انتخاب خودت بود و باید قوی باشی. استانبول زیبا بود. ترانزیت استانبول ام خوب بود. به تماس با مامانم گرفتم و بقیه حرفا را گذاشتم برای وقتی که رسیدم. از استانبول مستقیم رفتم به آنکارا. لحظه رسیدنم رو خوب یادم میاد. یکی ازدوستانم که چند وقت قبل از من اومده بود در فرودگاه منتظرم بود. یکی دو روپیش اون دوستم موندم.

از ثبت نام سازمان ملل خیلی بد شنیده بودم. با ترس و لرز رفتم و ثبت نام کردم و قرار شد در فلان شهر اقامت کنم. هر روز ظهر و شب با مامانم حرف میزدیم. تلفن خیلی گرون بود و از طریق وایبر باهاش صحبت میکردم تا براش آی پدگرفتن و از طریق اسکایپ باهاش حرف میزدیم و هر از گاهی میدیدمش.

خوب و بد، سرد و گرم، شاد و غم چند سال از اون شب گذشت. دوباره مامانم را به آغوش کشیدم. امروز خوشحالم که اومدم، با تمام خوب و بدش خوشحالم... دلتنگی هام کم نشده ولی یاد گرفتم روی پای خودم مومونم و برای لحظه های شاد زندگی سختی بکشم و زندگی را بسازم.

امروز که اینجام آرزو دارم روزی همسر و خانواده ای داشته باشم و یک فرزند دخترکه همه زندگی باشه و به خودم قول میدم که در همه شرایط ازش حمایت کنم تا اون هم زندگیه سختی مثل من رو تجربه نکنه.

وقتی تصمیم گرفتم از ایران بیام بیرون ۲۷ سالم بود. از دانشگاه فارغ التحصیل شده بودم و قرار بود دنیا را عوض کنم به خیال خودم. هفته های آخر وقتی وسایلم رو جم میکردم حسم بیشتر شبیه کسی بود که برای همیشه میرفت. اون روزا ازآشنایان ما هیچ کسی خارج از ایران نبود به جز پسر خالم که روزی که رفت هرگزبرای زندگی بر نگشت.

هزاران بار با خودم گفتم که نرم... یهو همه چیو خراب کنم بزخم زیر قول و قرارهام... هرگز اون شب رو یادم نمیره، ۳۰ آذر ۱۳۹۳ (۲۲ دسامبر ۲۰۱۴) لحظه دل کندن اصلا آسون نبود، خصوصا وقتی حتی نمیدونستم اونور چی در انتظارمه. هیچ تصویری از ترکیه نداشتم. خداحافظی از مامانم سختترین لحظه ممکن بود. بوسیدم و بوییدمش ولی حتی نمی دونستم آیا باز هم میبینمش یا نه. همه گریه می کردند درآغوششون گرفتم و بوسیدمشون. مامانم از همه مقاوم تر بود و بهش حسودیم میشد. بعدها شنیدم وقتی مطمئن شد دیگه برمیگردم آنچنان بی تاب شده که دراتاقم را برای همیشه قفل کرده. لعنت به جدایی....

یه روزی راجب خودم با مادرم حرف زدم و بهش گفتم که یه لژیون هستم. باوجودی که پذیرش این موضوع براش بسیار سخت بود اما بهم گفت دخترم درس بخون و تحصیلاتت رو ادامه بده تا بتونی هر چه هستی یه آدم موفق هم باشی...

در نهایت خداحافظی کردم و اومدم. حالا دیگه باید به خودم

"باور دارم که مردای همجنسگرا مثل منشورن! کافیه بذاری به زندگی ات وارد شن و به اونا یکم نور بدی تا تموم زندگی ات رو پر از رنگین کمان کنن...!"

بئیتید رایتر

مرد نباید رنگای دخترونه دوست داشته باشه، من رنگ مورد علاقه م صورته!

به قول یک هم حسم که میگفت: «نه یک نقطه م که پایانی داشته باشم و نه سه نقطه ای که ادامه داشته باشد! دو نقطه هستم روی هم پادروها و معلق...»

همجنسگرا های خاورمیانه برخلاف بقیه ی انسان ها که انسان هایی شاد هستند که گاهی دچار افسردگی میشوند، ما مردای افسرده ای هستیم که گاهی دچار شادی

میشیم!!!

یه بار سر کلاس اسپیکینگ انگلیسی از شاگردای ترکم پرسیدم، آخرین باری که ناراحت شدی کی بود و چی باعثش شد؟ همه جواب دادند و بعد یکی از شاگردای دخترم که دوستم شده بود گفت پس هُجام شما چی؟! منم رفتم تو یه فکر عمیق و بعد از ۱۰ ثانیه ای گفتم

این سوال برای من نباید اینجوری باشه! باید در اصل از من پرسیده شه که آخرین باری که خوشحال شدی کی بود و چی باعثش شد...

تنها چیزی که تو ترکیه آروم میکنه یک دوست صمیمی دختره که خیلی سرش شلوغه و ماهی یک بار میتونم بینمش یا باهاش برم بیرون، ولی واقعا منو دوست داره و بهم احترام میزازه و پیش اون تا حد زیادی دردآمو فراموش میکنم...

دقیقا مثل مسکن! لعنتی مثل مسکنه، ولی مسکن که دوا نیست فقط سرت میکنه بعد که اثرش رفت یک آوار درد و تنهایی میریزه روت...!

من به عنوان یک همجنسگرا در زندگیم دردهای زیادی، تنهایی، بی کسی، دل شکستگی و... کشیدم و به عنوان یک همجنسگرا باور دارم بزرگترین دشمن ما دینه.

دین مردم رو بی رحم و متعصب میکنه در حالی که دین باید از مردم انسانی نرم تر، مهربان تر، صبورتر، و باشعور تر بسازه...

امیدوارم روزی برسه که دین تو دنیا نمونه و مردم همه به انسانیت باور بیاورند و بدانند و قبول کنند که اگر نمی تونن درست رو از غلط تشخیص بدن نشانه ی کمبود عقل و شعوره نه دین...

در طول زندگی اسف بارم ضربه های بی شماری از مردم خوردم هم از خودی و هم از غریبه، اما...

مردم خاورمیانه مردمی ژنتیکی دیکتاتورن، مردمی که عقلشون تو چشماشونه و الا هرکسی که من رو قبول کرد به عنوان کسی که هستم و به من فرصت دوست شدن داد از من خیلی خوشش اومد! باور دارم که مردای همجنسگرا مثل منشورن! کافیه بذاری به زندگی ات وارد شن و به اونا یکم نور بدی تا تموم زندگی ات رو پر از رنگین کمان کنن...!

یک بار با تنها دوست مذکر ترکم (دخترها رو برای دوستی ترجیح میدم چون معمولا قضاوت نمیکنن و احساسات من رو بهتر میفهمن) رفته بودیم بیرون و در یک کافه ای دنج نشسته بودیم و من به حالت شوخی گفتم فلانی سردمه بغلم میکنی؟! و اونم میدونست که من زیاد از این جور شوخیا باهاش

میکنم اونم خندید گفت کاپشتو بپوش و بعد از چند دقیقه گفت واقعا خداروشکر که من همجنسگرا نیستم!

خیلی ناراحت شدم وقتی اینو گفت و گفتم فلانی منظورت چیه از این حرف؟! همجنسگرایی یک نعمته که به عده ی خیلی کمی این شانس داده میشه که این حس رو تجربه کنن، بعد اونم گفت چطور منظورت چیه؟! این کجاش نعمته؟! منم گفتم من یه مرد کاملم ریش و سیبیل از سنم خیلی بیشتره ۱۹ سالمه با ریش و سیبیل مردم همیشه میگن ۲۵ به بالا بهت میاد و خودت منو میشناسی چطور آدمی هستم، اما احساسی تر و نرم تر از یک دخترم با تفاوت های کوچک البته! یک نسخه ی بهبود یافته ی یک زن و یک نسخه ی تغییر یافته و احساسی تر شده ی یک مرد رو باهم ترکیب کنی میشه من! اونم خندید و هیچی نگفت...

من جدیدا تلاشم فقط در این جهته که این قید و بند هایی که جامعه برای مردا گذاشتن رو بشکنم و به مردم بفهمونم ما بیشتر از ۲ جنسیت داریم فقط زن و مرد نیست!

میگن مرد نباید گریه کنه، من گریه میکنم! میگن مرد نباید احساسی باشه، من خیلی هم احساسی هستم! میگن مرد نباید سرشو رنگ کنه، من رنگ کردم! میگن مرد نباید گوشواره و پیرسینگ و اینا بزنه، من زدم! میگن مرد نباید آرایش کنه، من آرایشم کردم! میگن



"به تازگی از زندان آزاد شده بودم و از شر فشارهای بی‌امان خلاصی یافته بودم، اما دوباره به زندگی برگشتم!"

مصاحبه‌کننده: بیلدیز تار

یک سلول کوچک انداختند. گاهی اوقات از سلول بیرونم آورده و در میان جانیان می‌انداختند. مجبورم می‌کردند به قرآن گوش دهم و درست در گوشم اذان پخش می‌کردند. هم به صورت فیزیکی و هم روانی خشونت‌ورزی کردند. هرگز نتوانستم آن روزها را فراموش کنم. تا حدی موفق شدم به کمک روان‌شناسم از آن روزها فاصله بگیرم اما همچنان وقتی که کسی در خیابان از پشت سرم حرکت می‌کرد دچار وحشت می‌شدم.»

رامتین پس از آنکه از آن فشار خلاص شد به ترکیه آمد و از آن پس به صورت داوطلبانه در چندین سازمان دگرباشان

رامتین زیگورات یک پناهنده‌ی گی ایرانی است که در یالووا زندگی می‌کند. او در ایران دستگیر شد و مورد آزار و اذیت قرار گرفت و سپس به ترکیه آمد. رامتین در جهت تقویت حقوق دگرباشان در ایران و ترکیه فعالیت می‌کند. ما با او در مورد مبارزه‌اش در ایران و ترکیه گفتگو کردیم.

رامتین می‌گوید که در ایران در روز ۱۷ می برنامه‌ای برای تجلیل از روز جهانی منع خشونت علیه هم‌جنس‌گرایی، هموفوبی، ترنس‌هراسی و دوجنس‌گراهراسی برگزار کردند. او در حالی که اعلامیه‌های برنامه را پخش می‌کرد، دستگیر شد. « وحشتناک بود... بازداشت و دستگیر شدم... مرا داخل

در راستای تقویت حقوق پناهندگان و نیز حقوق دگرباشان فعالیت کرده است. او چگونه به ترکیه رسید؟

«زمانی که به ترکیه آمدم با زلیش فعال حوزه‌ی دگرباشان آشنا شدم، کسی که در ۲۰۱۵ در یک تصادف رانندگی جان خود را از دست داد. من تنها بودم و کسی را نمی‌شناختم. به تنهایی وارد ترکیه شدم. دوستی ایرانی داشتم. در استانبول بودم و حال و روز خیلی بدی داشتم. وقتی در جایی هستی که هیچ‌کس را نمی‌شناسی حوصله‌تان سر می‌رود. در مترو با خانمی آشنا شدم، به یکدیگر خیره شده بودیم. از من پرسید که آیا سیگار دارم یا نه. جا خوردم. سپس گفتم «بله». خانم نزدیکم آمد و کنارم نشست و پرسید که اهل کجا

هستم. شروع به صحبت کردیم. در مورد خودش به من گفت و من هم در مورد خودم به او گفتم.»

رامتین ملاقاتش با زلیش را به عنوان «بازگشتش به زندگی» توصیف می‌کند. او بدین ترتیب به سوالات ما پاسخ داد:

زندگی در ایران چگونه بود؟ زمانت را چگونه در آنجا می‌گذراندی؟

من ۱۲ سال است که در این حوزه فعال هستم، هشت سال آن در ایران سپری شد. من عضو تیمی بودم که فعالیت‌ها و نشست‌های گرامی‌داشت روز جهانی منع خشونت و فعالیت علیه هموفوبی، ترنس‌هراسی و دوجنس‌گراهراسی را در ۱۷ می انجام می‌داد. ما روز ملی دگرباشان را برگزار کردیم. افراد دگرباش را برای فعالیت‌هایمان دعوت کردیم و در مورد حقوق‌شان به گفتگو نشستیم. می‌خواستیم که در مورد مسائل بیشتری صحبت کنیم و احساس کنیم که تنها نیستیم. درباره‌ی اینکه چگونه می‌توانیم مشکلاتمان را حل کنیم بحث کردیم. ما سعی می‌کردیم دور هم جمع شویم در حالیکه هم‌جنس‌گرایی در ایران ممنوع بود.

چگونه موفق شدید در کشوری که هم‌جنس‌گرایی در آن ممنوع است این نشست‌ها را ترتیب دهید؟

من یکی از کسانی بودم که اعلامیه‌های مربوط به نشست‌ها را توزیع می‌کردند. اعلامیه‌ها را در طول روز به صورت رو در رو پخش می‌کردم، در حالی که بقیه آن‌ها را شب‌ها این طرف و آن طرف می‌انداختند. گاهی اوقات با

مردم صحبت می‌کردم. یک روز، وقتی که از مراسم ۱۷ می خارج شدیم، خواستم اعلامیه‌های آن را پخش کنم. در آنجا لباس شخصی‌های زیادی بودند. من بدون آنکه متوجه شوم گویا اعلامیه را به یک لباس شخصی دادم. پلیس به من گیر داد و از من پرسید که برای چه کسی کار می‌کنم. به آن‌ها گفتم که بخشی از وزارت خانواده و سیاست‌گذاری اجتماعی در حال کار بر روی افراد ترنس هستند. گفتم که «آن‌ها این اعلامیه‌ها را به من دادند تا در عوض مقداری پول پخش‌شان کنم». از من پرسیدند که چه کسی و چه زمانی آن‌ها را به من داده. به آن‌ها گفتم که خودم یک ترنس هستم و این کار را به خاطر جور کردن پول عمل جراحی‌ام انجام می‌دهم. پلیس اطلاعات

تماس، شماره تلفن منزل و آدرس را گرفت. از من خواستند تا منتظر بمانم و گفتند روز بعد با من تماس می‌گیرند و سپس رهایم کردند.

بعد از آن چه شد؟

خیلی استرس گرفتم. سوار اتوبوس شدم. همان پلیس لباس شخصی زمانی که از اتوبوس پیاده می‌شدم

تعقیب می‌کرد. سعی کردم از دستش فرار کنم. در آنجا یک بازار بود. در بازار همه مرا می‌شناختند. زیر یک بساط پنهان شدم. همان شب از خانواده‌ام مقداری پول گرفتم و تهران را ترک کردم. آن‌ها در تهران یک هفته به دنبالم گشتند. به منزل ما رفتند و در مورد من از همه سوال کردند. از یک دوست اکتیویستم در کانادا تقاضای کمک کردم. سعی کردم به ترکیه بیایم. وقتی فراری بودم در خانه‌های دوستانم می‌ماندم. بزرگ‌ترین اشتباهم این بود که شبی در یک هتل ماندم. پلیس مرا در آنجا یافت. وحشتناک بود... بازداشت و دستگیر شدم... مرا داخل یک سلول کوچک انداختند. گاهی اوقات از سلول بیرونم آورده و در میان جانیان می‌انداختند. مجبورم می‌کردند به قرآن گوش دهم و درست در گوشم اذان پخش می‌کردند. هم به صورت فیزیکی و هم روانی خشونت‌ورزی کردند. هرگز نتوانستم آن روزها را فراموش کنم. تا حدی موفق شدم به کمک روان‌شناسی از آن روزها فاصله بگیرم اما همچنان وقتی که کسی در خیابان از پشت سرم حرکت می‌کرد دچار وحشت می‌شدم.

چگونه توانستی فرار کنی؟

«در آن هنگام خودم را به عنوان جسدی

زنده احساس می‌کردم. من به تازگی از

زندان درآمد بودم و از فشاری بی‌امان

گریخته بودم. در وضعیت خوبی نبودم. او

مرا دوباره به زندگی برگرداند!»

که هیچ‌کس را نمی‌شناسید حوصله‌تان سر می‌رود. در مترو با خافی آشنا شدم، به یکدیگر خیره شده بودیم. از من پرسید که آیا سیگار دارم یا نه. جا خوردم. سپس گفتم «بله». خانم نزدیکم آمد و کنارم نشست و پرسید که اهل کجا هستیم. شروع به صحبت کردیم. در مورد خودش به من گفت و من هم در مورد خودم به او گفتم. آن روز مرا به یک بار برد و با معشوقه‌اش آشنایم کرد. برای من یک آغاز خیلی خوب بود. در آن موقع خودم را به عنوان جسد زنده احساس می‌کردم. به تازگی از زندان آزاد شده بودم و از شر فشارهای بی‌امان خلاصی یافته بودم. حال و روز خوبی نداشتم. آن زن دوباره مرا زنده کرد! حس فوق‌العاده‌ای بود. او در مورد هفته‌ی افتخار (Pride Week) با من صحبت کرد و مرا دعوت به فعالیت کرد. زلیش تمام حمایت خود را از من اعلام کرد... مرا همه‌جا می‌برد و با هر کس آشنایم می‌کرد.

اطلاعاتی در مورد سازمان «Lambda Istanbul» یافتیم و شروع کردم به حضور در نشست‌های آن‌ها. سپس در ۲۰۱۵ با «Hevi LGBT» و «SPOD» آشنا شدم. با همه‌ی آن‌ها دوست شدم. من با «Hevi» همکاری کردم و ایده‌ی انتشار یک کتاب به

من به اعدام محکوم شدم. مادرم زمین‌هایش را فروخت و رشوه‌ها پرداخت. آن‌ها پرونده‌ی مرا تغییر دادند و از زندان خارج شدم. پس از آن دیگر نتوانستم از خانه خارج شوم. سپس مادرم درگذشت. نتوانستم به قدر کافی به خاطر تمام کارهایی که برایم کرده بود از او تشکر کنم. این اتفاق عظیمی برای من بود. پس از مرگ مادرم دوباره به فعالیت پرداختم. پلیس مجدداً شروع به تعقیبم کرد و مجبور شدم ایران را به مقصد ترکیه ترک کنم. بلیط هواپیما خریدم و به محض آنکه عکس‌هایم پخش شد از ایران خارج شدم. همان روز خواهرم ازدواج کرد. من باید از ایران خارج می‌شدم و بنابراین عروسی او را از دست دادم. این برای هر دو ما بسیار ناراحت‌کننده بود.

زمانی که بار اول به ترکیه آمدم چه شد؟

«زمانی که به ترکیه آمدم با زلیش فعال حوزه‌ی دگرباشان آشنا شدم، کسی که در ۲۰۱۵ در یک تصادف رانندگی جان خود را از دست داد. من تنها بودم و کسی را نمی‌شناختم. به تنهایی وارد ترکیه شدم. دوستی ایرانی داشتم. در استانبول بودم و حال و روز خیلی بدی داشتم. وقتی در جایی هستی



ذهن‌مان رسید. کتابی در مورد مشکلات پناهندگان منتشر کردیم. این اولین کار داوطلبانه‌ام برای یک سازمان بود. من داوطلبانه ترجمه‌ی کتاب را بر عهده گرفتیم. در دوره‌های آموزشی مثل مدرسه‌ی اکتیویسم «SPOD» شرکت کردم. همچنین با «KAOS GL» و «Hayriye Kara» آشنا شدم. «KAOS GL» اولین سازمانی است که در مورد پناهندگان دگرباش ایرانی کار می‌کند. اعلام کردم که می‌خواهم به فعالیت‌های «KAOS GL» ملحق شوم.

- شما اکنون در یالووا زندگی می‌کنید. زندگی در یالووا برای پناهندگان دگرباش چگونه است؟

بله در یالووا هستیم. متأسفانه، امسال بارها مورد حمله قرار گرفتیم. پناهندگان دگرباش از پلیس می‌ترسند. می‌دانیم که حق و حقوقی نداریم. پلیس چیزهایی از این قبیل می‌گوید که «شما به کشور ما آمده‌اید و آن را خراب کرده‌اید». یک مورد دادگاهی بود که چند سال پیش به خاطر حمله‌ی چهار نفر به ما تشکیل شد. آن‌ها ماشین‌شان را به سمت ماشین ما حرکت دادند و سرمان فریاد کشیدند. سپس بی دلیل ما را زدند. من به دادگاه شکایت کردم. قاضی حرف مهاجمان را اصل قرار داد. به ما گفت که «حتما کاری

انجام داده‌اید». انگار من خلاف‌کار شده بودم. مهاجمان جوری ماجرا را تعریف کردند که انگار ما به آن‌ها حمله کرده‌ایم و قاضی حرف آن‌ها را پذیرفت. از دادگاه خواستم که دوربین‌های مداربسته را کنترل کنند اما این کار را نکردند. باید نهایتاً شکایت‌م را پس می‌گرفتم و می‌گفتم «دماغ‌های ما شکسته اما حدس می‌زنم که این فقط یک شوخی بوده». ما گزارش‌های سلامتی را گرفتیم اما به دردمان نخورد.

اگر اتفاقی برایم بیفتد هرگز دیگر شکایت نخواهم کرد. من دیدم که آنجا چه نوع عدالتی برای ما وجود دارد. همه‌ی ما به هر ترتیب به خاطر اتفاقات کوچک سکوت پیشه می‌کنیم. اما وقتی اتفاقات مهمی می‌افتد، مثل وقتی که بهمان حمله شد، معمولا از طرف مهاجمان تهدید می‌شویم. تهدید به مرگ‌مان می‌کنند اگر پیش پلیس برویم. ما باید ساکت بمانیم. ساکت بمانیم تا در امان باشیم. تقریبا تمام دوستان ما یا لت‌وپار شده‌اند، یا به آن‌ها حمله شده، یا تحقیر شده‌اند یا اینکه مشکلاتی در رابطه با محل سکونت‌شان دارند. اما امسال پیشاپیش شش مرتبه قربانی حملات شده‌ایم. یکی از دوستان تقریبا در خیابان لت‌وپار شد و به دادگاه شکایت کرد.









لطفا توجه داشته باشید: این متن ممکن است برای اشخاصی که قربانی رفتارهای خشونت آمیز شده اند، سبب بروز ناراحتی های روحی شود.

کئوین

که دبیرستان تمام شد.

پس از دبیرستان با یک آرایشگر آشنا شدم که پیش یک آرایشگر دیگر نزدیکی های خانه ما کار می کرد. با هم دوست شدیم به او پیشنهاد دادم که باهم یک کاری شروع کنیم و او قبول کرد. در سپتامبر، آماده می شدیم تا یک مغازه باز کنیم. در همان زمانها بود که من و مادرم خانه را ترک کرده و خانه دیگری برای خودمان دو تا اجاره کردیم. به خاطر مشکلاتی که با پدرم داشتم تصمیم به ترک خانه پدری گرفتیم. او به خاطر چیزهای بی اهمیت مرا کتک می زد. در اکتبر، مغازه را باز کردیم. پس از یک ماه بنا به مشکلاتی که آن موقع داشتم مغازه را تعطیل کردم، در اصل به خاطر تعرض و بی احترامی مردم نسبت به من. روزی رفتم تا مغازه را باز کنم و متوجه شدم که شیشه مغازه شکسته است. یک هفته بعد رفتم و دیدم روی دیوار دیوار مغازه چیزهای تحقیرآمیزی نوشته شده است. آنها مرا جنده و کونی خطاب می کردند، می گفتند: "می خواهیم تو اینجا باشی چون تو مایه سرافکنندگی هستی."

آخرین شب، قبل از تعطیلی مغازه، پس از اینکه کارم تمام شد، داشتم به خانه برمی گشتم. یک ماشین با دو سرنشین نزدیکم شد، مردی از ماشین پیاده شد و صدایم زد، جواب دادم. بازویم را گرفت و گفت: "این چیه رو بازوت نوشته؟ ما از این کارها اینجا نمی کنیم و هر کسی که از این کارها بکند دستش را قطع می کنیم. تو باعث بی آبرویی هستی و نمی خواهم یک بار دیگر تو را در اینجا ببینم. اگر دوباره در اینجا ببینمت (و سلاحش را بیرون کشید) اینو تو مغزت خالی می کنم." من به خانه گریختم.

مدتی پس از آن که ما خانه را ترک کردیم، خواهر بزرگترم هم ازدواج کرد. پدرم سه بار سعی کرد مادرم را متقاعد کند تا به خانه برگردد اما مادرم نپذیرفت. چرا که پدرم بدون دلیل و برای چیزهای بی اهمیت مرا کتک می زد. آخرین باری که مرا زد زمانی بود که پدرم سعی داشت مرا از اون آرایشگر دور نگه دارد. هروقت که دیر به خانه می آمدم مجبورم می کرد که حساب پس بدهم. آن موقع مرا زد. من روی میز افتادم، سرم به میز خورد و شکست. پیش پرستاری در همان نزدیکی رفتیم و سرم را پانسمان کردیم، بعد رفتیم خانه عمویم. عمویم به پدرم زنگ زد و گفت: "اونها دیگه به خانه تو برمی گردند." بعد پدرم به مادر زنگ زد و مادر گفت که می خواهد به خانه برگردد. ما یک هفته در خانه عمویم ماندیم تا اینکه خانه ای اجاره ای پیدا کردیم. من تا قبل از ترک عراق در ماه نوامبر در آن خانه زندگی می کردم. پس از اینکه دوست آرایشگرم کشور را ترک کرد، افرادی ناشناس شروع به تهدید من کرده بودند.

حالا من در ترکیه تنها زندگی می کنم. در کشوری که هیچ چیزی در موردش نمی دانم. در ترکیه شرایط سختی دارم. از تنهایی، دلتنگی و انتظار رنج می برم. زبان ترکی را بلد نیستم و نمی دانم چگونه با مردم ارتباط برقرار کنم. به خاطر وضعیت روحی من نمی توانم از خانه خارج شوم. بیشتر زمانم را در خانه سپری می کنم، با هیچ کس دیداری ندارم. من مثل یک بیگانه اینجا زندگی می کنم.

با تشکر و احترام فراوان

کئوین

سلام، من کئوین هستم. بیست سال دارم و یک پناهنده ام. من از تاریخ فلان از عراق به ترکیه آمده ام.

من به خاطر فرار از شرایطی که با آن مواجه بودم و آزار و اذیتی که به دلیل گرایش جنسی ام به پسرها تجربه کردم، به ترکیه آمدم. چیزی که معروف به هم جنس گرایی است. من عاشق رابطه با پسرها هستم و هیچ میلی به دختران ندارم. به همین دلیل زندگی بسیار سختی در عراق داشتم، کشوری که در آن فقدان آزادی های فردی و تفکر متعصبانه رایج است.

در ابتدای دبیرستان، با واژه های هم جنس گرایی آشنا شدم و پی بردم که گرایش جنسی من همین است.

روزی من و پسرعمویم در خانه ای ما مشغول تماشای تلویزیون بودیم. من احساس کردم که او کنار من خوابش برده است و حس کردم که می خواهم او را در آغوش بگیرم. به او نزدیک شده و لمسش کردم و او نیز همان حس را به من داشت. رابطه جنسی مان وقتی شروع شد که در کنار یکدیگر خوابیدیم. من به خاطر این رابطه خیلی خوشحال بودم و می خواستم که دوباره تکرار شود، اما وقتی با او در میان گذاشتم، او نپذیرفت و گفت که این کار اشتباه است. ولی من خیلی خوشم آمده بود.

من این گرایش ها را در اوایل دوران دبیرستان احساس کردم. به طور مشخص در کلاس دوم دبیرستان با یکی از هم کلاسی هایم در مدرسه رابطه داشتم. روزهای معرکه ای با اون هم کلاسیم داشتم که در عین حال پسر مدیر مدرسه هم بود. ما به عنوان دوست رابطه خود را شروع کردیم و او برای درس خواندن به خانه ما می آمد. روزی کنارم نشست، دستم را دراز کرده و دستش را گرفتم. نگاهم کرد و من او را بوسیدم. من علاقه ام نسبت به او را اعتراف کردم و او هم به من گفت که مرا دوست دارد. بنابراین رابطه ای ما آغاز شد و رفت رفته وابسته اش شدم. رابطه ما پنج ماه طول کشید. پدر او متوجه این رابطه شد. پدرش مدیر مدرسه ای بود که من در آنجا درس می خواندم. مرا به دفترش احضار کرد و گفت: "امسال آخرین سالی است که اینجا می مانی. سال آینده باید به مدرسه ای دیگری بروی و اینکه دیگر نمی خواهم با پسر من دیداری داشته باشی." در ماه آخر از مدرسه بیرونم کردند و این ارتباط به پایان رسید. به خاطر پدرش توانستم دیگر او را ببینم.

به مدرسه ای دیگری رفتم و سال ۲۰۱۶ بدترین سال زندگی من بود. همه دانش آموزان پیرپاتال بودند. آنجا معلم زیست شناسی ام سه بار به من تعرض کرد. نخستین تعرض او در اولین جلسه زیست شناسی بود. وقتی وارد کلاس شدم پیش بقیه دانش آموزان از من پرسید: "مرد هستی یا زن؟" و باعث شد که همه ی کلاس به من بخندند. بار دوم، داشت با موهایم بازی می کرد که یکی از دانش آموزان در این حین او را دید و رفت به بقیه دانش آموزان گفت که فلانی گی است و معلم زیست شناسی با او می خوابد. او باعث شد تمام دانش آموزان دستم ببندازند و به من بی احترامی کنند. در مورد سوم، یک روزی تمام دانش آموزان کلاس را ترک کردند و من هم داشتم از کلاس خارج می شدم که به من گفت بیا اینجا و وقتی رفتم سعی کرد کون من را لمس کند. رویم را از او برگرداندم و فرار کردم. مدرسه را ترک کردم، در خانه درس هایم را خواندم و برای امتحان به مدرسه می رفتم تا زمانی



"رویای من برای تمام دگرباشان این است که روزی جامعه ما را به همان شکلی که هستیم بپذیرد."

مصاحبه با: ملکه‌ی پشت بارها

اما این نیازمند تلاشی دو طرفه است. من نیز شروع به معاشرت با یک فرد دگرباش ترک کرده‌ام. من پیشنهاد کردم که دور هم جمع شویم زیرا هر فرد دگرباش می‌تواند سهم ارزنده‌ای برای کمک به دیگری داشته باشد. اگر به جامعه نشان دهیم که پیوند نزدیکی با علم و هنر داریم این می‌تواند به ایجاد تصویری مثبت از دگرباشان کمک کند.

چه نوع جهانی را برای دگرباشان تصور می‌کنید؟

بزرگ‌ترین رویای من ادامه تحصیل است. و البته، توانایی داشتن یک زندگی که بتواند احساسات و هویت واقعی من را تحقق پذیر کند؛ نه اینکه کسی شوم که جامعه می‌خواهد. توانایی زندگی بدون نیاز به تغییر کلماتم، نحوه‌ی نگرستن و احساسم. همچنین زندگی در محیط و کشوری آرام نه در جایی که مجبور باشم با ترس و تهدید زندگی کنم. خلاصه بگویم، رویای من برای تمام دگرباشان این است که روزی جامعه ما را به همان شکلی که هستیم بپذیرد.

مایلید در مورد جنبش دگرباشان در عراق با ما صحبت کنید؟

دگرباش بودن در عراق به معنای رنج کشیدن از طرف جامعه و خانواده است. همچنین به معنای رنج کشیدن از دست خوداست. بدین دلیل که شما اجازه ندارید در جامعه آن کسی که هستید، باشید. این است زندگی یک دگرباش در عراق. اخیراً، دگرباشانی از رشته‌های مختلف مثل مهندسان، داروسازان یا دندان‌پزشکان در حال برنامه‌ریزی برای ترک کشور هستند زیرا زندگی از هر جهت برای آن‌ها بسیار دشوار است. چرا که جامعه آن‌ها را نخواهد پذیرفت. هیچ فرصتی برای معاشرت اجتماعی در عراق وجود ندارد.

پیشنهاد شما در جهت تقویت همبستگی بین دگرباشان ترکیه و پناهندگان دگرباش چیست؟

زبان مهم‌ترین عنصری است که می‌تواند همبستگی را تقویت کند. اگر بتوانید کمی ترکی و کمی انگلیسی صحبت کنید می‌توانید با دگرباشان ترکیه گفت و گویی داشته باشید

رویاها، آینده، یالووا: یک سری پرسش و پاسخ کوتاه

این بخش شامل پرسش و پاسخ از ۵ پناهنده ال جی بی تی پلاس در یالووا است. برای هر شخص یک رنگ اختصاص داده شده است.

چه دنیایی برای ال جی بی تی ها تصور میکنید؟

§ محیطی امن که تا حدی آرامش داشته باشد و امنیت جسمی و شغلی.

§ دنیایی که ال جی بی تی ها آزاد باشند و سمت های بالایی داشته باشند مثلاً یک ترنس رئیس جمهور باشد.

§ دنیایی مثل همه مردم با داشتن قانونی مساوی.

§ دنیای خوبی در حال حاضر وجود ندارد.

§ دنیایی سرشار از صلح و بدون پیش‌داوری. جهانی رنگارنگ مثل پرچمان.

در آینده در چه جایی می خواهید باشید و به چه کاری می‌خواهید مشغول باشید؟

§ در کانادا- درس بخوانم

§ در آینده می‌خواهم در آمریکا باشم چون کشور آمریکا سرزمین فرصت‌هاست و دوست دارم در کار خودم که طراحی کفش هست پیشرفت کنم.

§ من در شغل خودم خواهم بود و باید در جاهای بالا درس بخوانم و پیشرفت کنم شغل من میکاپ آرتیست است.

§ یک انسان موفق در رشته تحصیلی خودم.

§ می‌خواهم وکیل و یا فعال سیاسی-اجتماعی شوم.

آیا میخواهید در مورد رویاهای خود صحبتی کنید؟

- § طراح لباس بشوم و رویای من داشتن شوی لباس خودم است.
- § بله رویاهایی که من دارم اینکه در جایی زندگی کنم که آزاد باشم هر جوری میخواهم بگردم و دوست های زیادی هم داشته باشم.
- § نوشتن کتاب در مورد میکاپ و ساخت برند آرایشی خودم و پیشرفت در کارم.
- § رویای من ساخت یک دنیای آزاد برای همه انسانها با تفاوت های رنگارنگشان است.
- § می خواهم یک وکیل یا فعال مشهور شوم.

مشکلات و مزایای یک پناهنده ال جی بی تی در یالوا چیست؟

- § شرایط کار خیلی بد است و دیدگاه بد مردم در مورد ال جی بی تی و دید منفی نسبت به ترنسکشوال
- § مشکلات: ناامنی، بیکاری، بی پولی، افسردگی و تنهایی
- § مشکلات نبود کار و از این دست، و مزایا نزدیک بودن به استانبول.
- § نبودن و نداشتن شرایط تحصیل و نبود امکانات.
- § اصلی ترین مشکل بیکاری است. تنها مزیت آن نزدیک بودنش به استانبول است.

رابطه شما با دگرباش های (ال جی بی تی) ترکیه چگونه است؟
به نظر شما بین دگرباشان ترکیه و پناهندگان دگرباش چگونه می تواند همبستگی ایجاد شود؟

- § نمی توانم ارتباط برقرار کنم چون نمی توانم اعتماد کنم.
- § حرفه من طراحی کفش بوده و ورزش پینگ پنگ بازی می کردم؛ خوب لذت بخش است آدم کارهایی را انجام بدهد که دوست دارد. دوست من هر کاری یا هر ورزشی را دوست داری و عاشقش انجام بده.
- § من درس گریم خواندم و بی نهایت دوستش دارم؛ به نظر من چیزی هستش که باید درونت باشه و علاقه مند باشی و تا میتوانی در راه این هنر تلاش کنی و تا می توانی دوره ببینی و خودت و کارت را به روز کنی.

§ بله من در ایران کار خبرنگاری می کردم و بسیار به این کار علاقه داشتم.

§ من در سالن مد و کار گاه پارچه‌بافی کار می‌کردم. آن زمان خوشحال‌تر بودم چرا که مد تنها رویای من بود.

رابطه شما با دگرباش های جنسی (ال جی بی تی) ترکیه چطور است؟ به نظر شما بین دگرباشان ترکیه و پناهندگان دگرباش چگونه می تواند همبستگی ایجاد شود؟

§ اصلا رابطه با دگرباشان ترکیه ندارم فقط با سازمانهایی مثل کائوس و SPOD دیدار دارم و آنها را می شناسم؛ فکر کنم همین سازمانها مثل کائوس و SPOD بتوانند بین ال جی بی تی ها همبستگی ایجاد کنند.

§ من بعنوان آرایشگر با همشون خوب هستم و برای کارشان به خانه هایشان میروم. چون وقتی کسی کار و یا هنری ندارد نمی تواند موفقیت کسی را هم ببیند و چون کار و هنر ندارد نمی تواند با کسی هم خوب باشد.

§ بله امکان همبستگی وجود دارد اما متأسفانه ارتباط خوبی در حال حاضر میان ترکیه ای ها و ایرانی های رنگین کمانی نیست.

§ بین ما مشکل تلباتی وجود دارد. آن ها نمی دانند ما چه سختی هایی کشیده ایم.

در مورد جنبش ال جی بی تی در ایران چه چیزی می‌توانید بگویید؟

§ جنبش ال جی بی تی در ایران برای کسانی که در آنجا زندگی میکنند یک کمک محسوب شده و اشخاص ال جی بی تی در ایران می تواند مانند ترکیه از حمایت اجتماعی بهره مند شوند اما متأسفانه در ایران برای اینکار محدودیت های بسیاری وجود دارد.

§ نظر خاصی ندارم

§ جنبش نوپا و بدون هیچ حزب و گروه و جمع منسجمی

§ زن بودن، دختر بچه بودن، متخصص و موفق بودن در ایران جرم است! حال شما فکر کنید دگرباش بودن چه معنایی دارد! خیلی ممنونم که ما را تنها نگذاشتید.



سوالات متداول در مورد سلامت جنسی

برای تهیهی این متن از ارائه‌ی فیدان شنووا استفاده شده است.

- سلامت جنسی و باروری یک وضعیت سلامتی کامل از لحاظ اجتماعی، عاطفی و فیزیکی است و همچنین یکی از حقوق بنیادین تمام افراد، صرف‌نظر از زن یا مرد، جوان یا سالمند بودن‌شان است
- **مشکلات مربوط به سلامت جنسی و باروری چیستند؟**
- بیماری‌های آمیزشی: برای مثال، HIV، HPV، هپاتیت بی، هپاتیت سی، سوزاک، عفونت کلامیدیا
- مشکلات فیزیولوژیکی و روان‌شناختی که مانع از برقراری رابطه‌ی جنسی یا کسب لذت جنسی می‌شوند
- **سلامت جنسی و باروری چیست؟**
- عملکرد طبیعی اندام‌های باروری
- زندگی جنسی سالم و شاد توانایی داشتن رابطه‌ی جنسی و تولید مثل بدون هیچ محدودیتی
- توانایی تصمیم‌گیری در مورد بچه‌دار شدن یا نشدن، زمان بچه‌دار شدن و تعداد بچه‌ها
- تصمیم‌گیری در مورد زمان بارداری و بدنیا آوردن فرزندان سالم که در نتیجه این برنامه‌ریزی متولد شده‌اند
- قادر به محافظت در برابر بیماری‌های مقاربتی و توانایی دسترسی به درمان در زمان لازم

به عنوان مثال: آنورگاسمی، اختلال نعوظ، رابطه‌ی جنسی دردناک، انقباض واژن.

سایر مشکلات مربوط به سلامتی که اندام‌های جنسی و باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند

به عنوان مثال: سرطان پستان، سرطان بیضه، سرطان پروستات.

بیناجنسی چیست؟

افراد بیناجنسی افرادی هستند که ویژگی‌های جنسی متفاوتی دارند (کروموزوم‌ها، اندام‌های جنسی و/یا باروری) که در چارچوب تعاریف پزشکی مبتنی بر دو جنسیت تعریف شده زن و مرد نمی‌گنجد. بیناجنسی یک تعریف ثابت نیست بلکه اصطلاحی کلی برای تعریف یک طیف است. پزشکان اغلب به والدین توصیه می‌کنند که جراحی و سایر مداخلات پزشکی باید در مورد کودکان بیناجنسی انجام شوند و بدین طریق بدن کودکان باید ویژگی‌های آشکارا «زنانه» یا «مردانه» داشته باشد. در بسیاری از موارد، این مداخلات پزشکی غیرضروری‌اند و تنها برای این است که افراد بیناجنسی را در تعاریف مشخص شده بگنجانند. در حالی که بعد از رشد کودکان بیناجنسی ممکن است شاهد تأثیرات منفی این مداخلات باشیم. مفهوم «بیناجنسی» به طیفی از ویژگی‌های جنسی اشاره دارد که به طور طبیعی در انسان‌ها وجود دارد. علاوه بر این، بیناجنسی بر این واقعیت مسلم فیزیکی اشاره دارد که جنسیت یک طیف است و انسان‌ها با خصوصیات جنسی مختلفی غیر از زن یا مرد می‌توانند وجود داشته باشند. بیناجنسی بودن یک فرد ممکن است در مراحل بعدی زندگی او آشکار شود (این خصوصیات در برخی موارد دقیقاً در بدو تولد، گاهی اوقات در کودکی و گاهی در دوران بلوغ یا بزرگسالی می‌توانند نمایان شوند). افراد بیناجنسی بسته به شرایط زندگی، ممکن است بیناجنسی بودن خود را در مقاطع مختلفی از زندگی متوجه شوند. در مواردی که بیناجنسی بودن تابوست، افراد در سنین بالاتر به این مهم پی می‌برند. حتی برخی از افراد بیناجنسی ممکن است هرگز متوجه این ویژگی خود نشوند. به دلیل جراحی‌هایی که بلافاصله بعد از تولد انجام می‌شوند بسیاری از این افراد از بیناجنسی بودن خود بی‌اطلاع هستند.

بیماری‌های مقاربتی:

• اچ.آی.وی. چیست؟ چگونه منتقل می‌شود؟

این بیماری از طریق خون و رابطه‌ی جنسی منتقل می‌شود.

این بیماری در رحم از مادر به نوزاد سرایت نمی‌کند، با این حال اگر یک زن دارای اچ.آی.وی مثبت زایمان طبیعی داشته باشد نوزاد او هم ممکن است دارای اچ.آی.وی مثبت باشد. بنابراین، زایمان این زنان باید به صورت سزارین باشد. امکان سرایت این بیماری در زمان شیردهی وجود دارد، نوزاد نباید از شیر مادر تغذیه کند. اچ.آی.وی ممکن است از طریق رابطه‌ی جنسی واژنی و مقعدی محافظت نشده سرایت یابد. این بیماری از طریق رابطه‌ی جنسی دهانی منتقل نمی‌شود اما بیماری‌های دیگری وجود دارند که از این طریق منتقل می‌شوند. با استفاده از کاندوم می‌توانید ۹۹٪ خود را در برابر این بیماری محافظت کنید. زمانی که فرد به اچ.آی.وی مثبت مبتلا می‌شود امکان این وجود دارد که تا چندین سال علائم فیزیکی این بیماری مشاهده نکند. بنابراین، بعد از یک رابطه‌ی جنسی پرخطر باید آزمایش اچ.آی.وی انجام شود. اگر آزمایش را دست‌کم سه هفته بعد از رابطه‌ی جنسی انجام می‌دهید، نتایج آن دقیق خواهد بود. اچ.آی.وی از طریق مسواک یا شانه منتقل نمی‌شود.

اچ.آی.وی و ایدز چیزهای متفاوتی هستند. ایدز زمانی رخ می‌دهد که فرد مبتلا به اچ.آی.وی مثبت تحت درمان قرار نگیرد و در نتیجه سیستم ایمنی بدن به طور چشم‌گیری تضعیف شود. فرد مذکور ممکن است بدون آنکه دیدن هرگونه علائمی، سال‌ها به زندگی خود ادامه دهد. امروزه، اجرای درمان به مراتب آسان‌تر شده است. شما حتی اگر اچ.آی.وی مثبت دارید می‌توانید با مصرف یک یا دو دارو در روز بدون هیچ مشکلی، به زندگی خود ادامه دهید.

• هپاتیت چیست و چگونه منتقل می‌شود؟

پنج نوع هپاتیت وجود دارد، هرچند که سه مورد از آن‌ها از طریق رابطه‌ی جنسی منتقل می‌شوند.

ویروس هپاتیت بی از طریق رابطه جنسی، خون و فرآورده‌های خونی منتقل می‌شود. علاوه بر این، این

ویروس ممکن است در مایعات بدنی بیمار هپاتیت بی (بزا، ادرار و غیره) یافت شود. برای منتقل شدن این ویروس، مایعات (خون یا سایر مایعات بدنی) حاوی ویروس فرد ناقل باید با یک زخم روباز در بدن فرد مقابل تماس یابد. این بیماری به صورت دهانی منتقل نمی‌شود، یعنی به واسطه نوشیدن یا خوردن از طریق دهان انتقال نمی‌یابد. در صورت استفاده از سرنگ مشترک، عفونت می‌تواند از شخصی به شخص دیگر منتقل شود. اگر شخص به هر دلیلی خون یا فرآورده‌های خونی آلوده به ویروس دریافت کند، انتقال ویروس قطعی خواهد بود. به همین دلیل، امروزه خون‌های آماده شده برای تزریق، به دقت مورد آزمایش قرار می‌گیرند. علاوه بر این، هپاتیت بی می‌تواند با رابطه‌ی جنسی منتقل شود. همان‌طور که در مورد تمام بیماری‌های آمیزشی صادق است، جهت محافظت در برابر هپاتیت باید طی رابطه‌ی جنسی از کاندوم استفاده کرد. اگر ابزار به کار رفته در خالکوبی، مانیکور، پدیکور، عمل جراحی دندان و طب سوزنی، هر مرتبه از نو تأمین نشوند ریسک انتقال ویروس از طریق این موارد وجود دارد. استفاده‌ی مشترک از مسواک و تیغ‌هایی که احتمالاً آغشته به خون است نیز ممکن است خطرناک باشد. طی زایمان، امکان انتقال از مادر مبتلا به نوزاد وجود دارد. هپاتیت بی از طریق فعالیت‌های روزانه در طول یک روز کاری یا درسی منتقل نمی‌شود.

واکسن هپاتیت بی در ترکیه موجود بوده و واکسناسیون نیز اجباری است. واکسن هپاتیت بی در ۳ مرحله انجام می‌شود. اگر فردی بالغ هستید که قبلاً واکسینه نشده‌اید، می‌توانید فقط با در دست داشتن کارت شناسایی و به صورت رایگان، در مراکز بهداشتی و بیمارستان‌های دولتی این واکسن را بزنید. پناهندگان هم از این حق برخوردارند.

هپاتیت سی از طریق خون و ارتباط جنسی منتقل می‌شود. هیچ واکسنی برای هپاتیت سی وجود ندارد ولی با دارو درمان امکان‌پذیر است. هر دو نوع هپاتیت به کبد صدمه می‌زنند. اگر فردی در مرحله‌ی مشخصی تحت درمان قرار نگیرد، بیماری پیشرفت کرده و به کبد ضرر می‌رساند.

• ویروس پاپیلوما‌ی انسانی (HPV) چیست؟

انواع متنوعی از این ویروس وجود دارند. برخی

از آن‌ها به سرطان و برخی دیگر به زگیل منجر می‌شوند. انتقال آن نسبت به سایر بیماری‌های آمیزشی آسان‌تر است. ارتباط پوستی می‌تواند برای انتقال این ویروس کافی باشد. همچنین این ویروس ممکن است از طریق تماس دست و استفاده از محصولات جنسی مشترک منتقل شود. بهترین راه برای محافظت در برابر آن واکسن زدن است. واکسن اچ‌پی‌وی تحت شمول بیمه‌ی تأمین اجتماعی در ترکیه نیست. واکسن اچ‌پی‌وی مخصوصاً برای افرادی که رحم دارند توصیه می‌شود. البته احتمال داشتن سرطان مقعد نیز برای افراد بدون رحم ممکن است. افراد دارای آلت جنسی مردانه ممکن است ناقلان فاقد نشانه باشند و ویروس را به دیگران سرایت دهند.

اچ‌پی‌وی مهم‌ترین عامل ریسک شناخته‌شده در سرطان دهانه‌ی رحم است. این ویروس رایج‌ترین ویروسی است که از طریق رابطه‌ی جنسی منتقل می‌شود. اگرچه زگیل‌های واژنی خارجی ناشی از اچ‌پی‌وی اغلب به شکل ورم مشخص می‌شوند، برخی از آن‌ها ممکن است به قدری کوچک باشند که کسی متوجه‌شان نشود. علائم این ویروس عبارتند از خارش خفیف، درد گاه و بی‌گانه، سوزش و درد ناگهانی، خونریزی در طول رابطه‌ی جنسی یا پس از آن، خونریزی‌های نامنظم بین دوره‌های عادت ماهانه و ترشح واژنی مداوم. برای تشخیص این ویروس معاینات مربوط به بیماری‌های زنان و آزمایش اسمیر بسیار حائز اهمیت‌اند.

• هرپس یا تبخال تناسلی (HSV)

این بیماری ویروسی ممکن است روی دهن و قسمت تناسلی ظاهر شود. زمانی که به بدن منتقل شود در طول کل زندگی داخل بدن می‌ماند. هنگامی رخ می‌دهد که سیستم ایمنی ضعیف است یا اینکه فرد دچار استرس می‌شود. سرایت فقط در صورت وجود زخم‌های فعال اتفاق می‌افتد. این ویروس می‌تواند از اندام‌های تناسلی به دهان و یا برعکس انتقال یابد. علائم آن خارش و ورم هستند. زمانی که علائم شروع می‌شوند، با استفاده از کرم می‌توانید مانع بروز تبخال‌ها شوید.

نکاتی که به منظور محافظت در برابر بیماری‌های آمیزشی باید به آن‌ها توجه کرد:

بر روی لبه‌های واژن می‌توانید رابطه جنسی دهانی داشته باشید.

خودآزمایی پستان: برای تشخیص زودهنگام سرطان پستان باید این آزمایش را ماهانه انجام داد. زنان ترنس نیز باید آن را انجام دهند زیرا زمانی که فرد استروژن می‌گیرد، پستان‌ها شروع به رشد می‌کنند. برای آزمایش باید لباس‌ها را کاملاً در بیاورید.

برای انجام خودآزمایی پستان به این نکات توجه کنید:

کاملاً لخت باشید. در مقابل یک آینه بایستید و به خودتان نگاه کنید. یکی از سینه‌های شما ممکن است از دیگری بزرگتر باشد اما اختلاف اندازه زیاد بین آن‌ها خطرناک است. دستان خود را بر روی کمر قرار داده و خم شوید و پس از آن دستان خود را بالا ببرید. بدین طریق می‌توانید ببینید که آیا بر روی سینه‌تان عدم تقارن وجود دارد یا خیر. سپس دراز بکشید، دستان را زیر سرتان بگذارید و برای اینکه پستان روی قفسه‌ی سینه قرار بگیرد یک بالشت یا حوله را زیر شانه‌ها قرار دهید و سپس از زیر بغل شروع کرده و با حرکت دایره‌وار یا عمودی شکل سه انگشت کل بافت پستان را کنترل کنید. در صورت احساس غده یا بافت ضخیم‌تر زیر انگشتان خود و احساس درد هنگام لمس آن؛ مشاهده ترشحاتی در نوک سینه؛ وجود گودی یا زخم روی پستان؛ افزایش چشم‌گیر حجم پستان؛ پوست پرتقالی شدن سطح پستان و باید به پزشک مراجعه کنید. توجه کنید که آزمایش در روز معینی از ماه، انجام شود.

خودآزمایی بیضه:

آزمایش بیضه باید دست‌کم ماهی یکبار به منظور تشخیص زودرس سرطان بیضه و پروستات انجام شود. انجام این آزمایش بعد از دوش آب گرم بهتر خواهد بود. آزمایش را باید در صورت ایستاده و با دو دست انجام داد. وقتی که بیضه را در دست می‌گیرید باید آن را با هر دو دست بچرخانید. باید کنترل کنید که آیا غده‌ای وجود دارد یا خیر، در صورت وجود آیا غده دردناک است یا خیر و همچنین باید بررسی کنید که آیا یکی از بیضه‌ها بزرگتر است یا خیر. اگر حالت غیرعادی وجود دارد، شخص باید با دکتر مشورت کند.

- پوشیدن لباس زیر نخی
- در زمان تمیز کردن اندام‌های تناسلی، نباید از داروها و مواد شوینده شیمیایی استفاده کرد، فقط باید با آب شسته شوند.
- مراقب باشید زخمی نشدن ناحیه تناسلی باشید.
- اگر در اندام‌های تناسلی ترشح بودار یا بی‌بو وجود دارد و رنگ ترشح متفاوت از حالت معمول است احتمالاً شما دچار عفونت شده‌اید و باید به پزشک مراجعه کنید.

راه‌های محافظت در برابر بیماری‌های آمیزشی:

کاندوم: کاندوم‌ها دو نوع دارند، پنیسی و واژنی. کاندوم‌های واژنی برای محافظت در برابر اچ‌پی‌وی و بی‌نسبت کاندوم‌های پنیسی تأثیرگذارترند. اگر کاندوم پاره شود، خطر انتقال ویروس و بارداری به وجود می‌آید. روغن روی کاندوم بی‌ضرر است. در طول رابطه‌ی جنسی دهانی نیز استفاده از کاندوم‌ها توصیه می‌شود. زیرا عفونت ممکن است از دهان به دستگاه تناسلی و یا برعکس منتقل شود. اگر یک پارتنر دارید پس از انجام آزمایش‌ها، می‌توانید بدون کاندوم آمیزش کنید. البته این فقط در مورد جلوگیری از انتقال عفونت کارساز است، برای جلوگیری از بارداری باید از روش‌های متفاوت استفاده کنید. حتی اگر تنها یک پارتنر دارید، انجام آزمایش پیش از رابطه جنسی بدون کاندوم حائز اهمیت است. اگر رابطه جنسی گروهی خواهید داشت، برای هر یک از پارتنرها باید کاندومی متفاوت استفاده شود.

دستکش: پیش از لمس ناحیه تناسلی استفاده از دستکش توصیه می‌شود. این تفکر اشتباه است که بیماری‌ها به لژیون‌ها و زنان دوجنسگرا منتقل نمی‌شود. اچ‌پی‌وی و تبخال ممکن است از طریق تماس با دست نیز منتقل شوند.

سد دهانی: اگر پارتنرها رابطه جنسی دهانی دارند می‌توان از سد دهانی استفاده کرد. کاندوم‌های پنیسی را می‌توان به سد دهانی تبدیل کرد. ابتدا سر کاندوم را جدا کرده و سپس آن را از قسمت بلندش پاره می‌کنیم تا تبدیل به سد دهانی شود. با قرار دادن آن



سوالات متداول در مورد فرآیند تغییر جنسیت برای افراد ترنس

برای آماده‌سازی این متن از ارائه‌های دنیز زنان شاپکا و فیدان شنووا استفاده شده است.

- مشکلاتی که افراد ترنس در رابطه با سلامت جنسی و باروری با آن مواجهند کدام است؟
 - عدم ارائه‌ی اطلاعات کافی در مورد جراحی‌های مربوط به ساختار بدن
 - اثرات سو مصرف هورمون و نداشتن اطلاعات کافی در مورد این اثرات سو. برای مثال، استروژن می‌تواند هورمونی خطرناک باشد. اگر استفاده از هورمون‌ها تحت نظر پزشک نباشد، دوز مورد نیاز فرد تنظیم نخواهد شد و در نتیجه عوارض جانبی افزایش خواهد یافت.
- اختلال‌های جنسی: عدم توانایی در برقراری رابطه‌ی جنسی با اندام‌های جدید به شکل دلخواه فرد، یکی از مشکلاتی است که ترنس‌ها با آن مواجه‌اند. برای مثال، موفقیت‌آمیز نبودن جراحی آلت تناسلی برای مردان ترنس، عفونت‌های واژنی، دوست نداشتن اندام‌های تناسلی جدید از نظر ظاهر، خشکی واژن، فقدان اطلاعات در مورد مراقبت و استفاده از واژن جدید و فقدان دانش کافی درباره‌ی مراقبت و فرآیند نقاهت پس از جراحی ترمیمی پستان (ماموپلاستی) می‌شوند.

فرآیند گذار برای افراد ترنس در ترکیه چگونه انجام می‌شود؟

رسمی از طریق ارائه‌ی حکم دادگاه و کارت شناسایی اصلاح کند.

این فرآیند در دو روند متفاوت جلو می‌رود: حقوقی و پزشکی. در قانون حقوقی ترکیه، تغییر جنسیت تحت ماده‌ی چهارم قانون مدنی تنظیم شده است.

فرآیند حقوقی

بنا به تقاضای فرد، درخواست برای اقامه دعوی با هدف «تغییر جنسیت» و «تغییر نام» یا تغییر هر دو باید به شکل کتبی نوشته و تنظیم گردد. البته ممکن است فرد به دلیل شرایط زندگی خود، تقاضای تغییر نام خانوادگی نیز داشته باشد.

چگونه می‌توان برای تغییر جنسیت اقامه دعوی کرد؟

پس از آماده‌سازی درخواست دعوی حقوقی، فرد باید همراه با دو نسخه از این درخواست دعوی، یک عدد فتوکپی کارت هویتی جمهوری ترکیه و در صورت وجود، گزارش‌های پزشکی به "دفتر توزیع" (Tevzi bürosu) ساختمان دادگستری محل اقامت قانونی خود رفته و درخواست خود برای اقامه دعوی را ثبت کند.

کسانی که شهروند دائم جمهوری ترکیه نیستند باید علیه اداره مهاجرت اقامه دعوی کنند. پناهندگانی که در ترکیه زندگی می‌کنند برای عملی کردن فرآیند گذار می‌توانند به دادگاه‌ها مراجعه کنند ولی چون این روند برای اتباع خارجی به تازگی شروع شده است، رد درخواست در برخی از دادگاه‌ها مشاهده شده است. اما فرآیند گذار و به رسمیت شناخته شدن ترنس‌ها، حقی بنیادین است که در چارچوب احترام به زندگی خصوصی، توسط قانون اساسی تضمین شده است. با توجه به قانون اساسی و قوانین پناهندگان می‌توانند از این قانون مستثنی باشند.

طی اقدام به این عمل و در روند حقوقی و پزشکی ممکن است با مشکلاتی مواجه شویم. به همین دلیل توصیه‌ی ما برای افرادی که مایل هستند فرآیند گذار را شروع کنند این است که با انجمن‌ها و سازمان‌هایی که در ترکیه هستند، ارتباط برقرار کرده و در رابطه با اقدام‌های لازمه اطلاعات مربوط را کسب کنید.

روند دادگاه چقدر طول می‌کشد؟

با توجه به حجم کاری دادگاه‌ها و مدت زمان نامه‌نگاری بین سازمان‌های دولتی (جمع‌آوری اسناد و گزارش‌ها) در صورتی که در گزارش‌های مورد نیاز هیچ مشکلی وجود نداشته باشد تقریباً طی یک سال نتیجه اقامه دعوی مشخص می‌شود. پس از تغییر هویت، فرد باید نام و جنسیت خود را در اسناد

طی پروسه بیمارستان باید به کدام بخش‌ها رجوع کرد؟

- روان‌پزشکی
- بیماری‌های زنان
- آندکرینولوژی
- بخش ژنتیک
- اورولوژی
- جراحی پلاستیک

پس از اتمام آزمایش‌ها و طی کردن روندهای عمومی، فرد برای مدت زمانی مشخص، جلسات روان‌پزشکی را ادامه می‌دهد. فرد می‌تواند با تصمیم کمیسیون پزشکی بیمارستان به طور متوسط از شش ماه تا یک سال به استفاده از هورمون‌ها شروع کند. در صورت عدم وجود کمیسیون پزشکی در بیمارستان، این تصمیم بر عهده پزشک خواهد بود.

در روند استفاده از هورمون‌ها باید به چه نکاتی توجه داشت؟

کنترل استفاده از هورمون‌ها بر عهده بخش آندوکرینولوژی بیمارستان است. هدف از مصرف هورمون‌ها سرکوب کردن هورمون‌های جنسیت بیولوژیک و اخذ هورمون‌های جنس مخالف است. حتی بعد از به پایان رسیدن این روند، پزشکان ابتدا تقریباً هر ۳ ماه یکبار، سپس هر ۶ ماه یکبار و پس از آن سالی یکبار خواستار کنترل ارزش‌های خونی و هورمون‌های فرد هستند.

علاوه بر این که هورمون‌ها ویژگی‌های دلخواه، را برای فرد به ارمغان می‌آورد همچنین احتمال بروز برخی عوارض جانبی، وجود دارد که می‌توانند موجب به خطر افتادن سلامت فرد شوند. تأثیرات هورمون‌ها پس از شروع به مصرف، می‌تواند از فردی به فرد دیگر تغییر باشد. برای تأثیرگذاری هورمون‌ها بین ۳ ماه تا ۱ سال زمان لازم است.

تستوسترون و استروژن چه تاثیراتی می‌تواند بر بدن بگذارد؟

- رشد فزاینده‌ی موهای بدن / تضعیف موهای بدن
- افزایش/کاهش حجم ماهیچه‌ها
- ضخیم شدن / نحیف شدن پوست
- ریزش مو

پزشکی صادر شده و حکم صادره از سوی دادگاه، مبنی بر «جراحی مجاز است» انجام می‌شود. این جراحی‌ها شامل: جراحی خارج کردن اندام‌های باروری، تخلیه سینه و ایجاد آلت تناسلی مردانه یا زنانه می‌شوند. سازمان تأمین اجتماعی از سال گذشته، خواستار ادامه مراحل روان‌پزشکی حداقل به مدت یک سال است.

نام جراحی‌هایی که مردان و زنان ترنس می‌کنند چیست؟

- هیستکتومی (برداشتن رحم و تخمدان برای خارج کردن اندام‌های باروری)
- ماستکتومی (برداشتن کلیه بافت‌های پستان)
- ایجاد آلت تناسلی منتسب به مردانه
- عمل کاشت پروتز سینه
- ایجاد آلت تناسلی منتسب به زنانه
- جراحی و برداشتن سیب آدم (بنا بر درخواست فرد)
- جراحی‌های زیبایی بنا بر درخواست فرد: اپیلاسیون، عمل بینی، جراحی استخوان سیب آدم و جراحی‌های چانه.

• جوش زدن

• کلفت شدن صدا

• افزایش وزن از نوع زنانه (در کفل و ران)

• تغییر در وضعیت روانی فرد

• افزایش/کاهش میل جنسی

در طول استفاده از هورمون باید به چه نکاتی توجه داشت؟

تغییرات قابل مشاهده در بدن فرد طی روند جذب هورمون اتفاق می‌افتند. دقیقاً باید بدین شکل در نظر گرفت که فرد دوباره وارد دوران بلوغ شده است. حین مصرف هورمون‌ها باید به عادات غذایی دقت کرد. نمک بیش از حد ممکن است منجر به فشار خون بالا و سایر بیماری‌ها شود، در نتیجه فرد باید از غذاهای نمکی و مصرف سیگار و الکل خودداری کند.

آنچه که در مورد جراحی‌های تغییر جنسیت افراد ترنس در ترکیه باید بدانیم، چیست؟

جراحی‌های تغییر جنسیت، برای افراد ترنس تحت پوشش بیمه‌ی تأمین اجتماعی، با گزارش «... از لحاظ روان‌پزشکی اجباری است...» که بر اساس تصمیم کمیته‌ی





سوالات متداول درباره‌ی حقوق قانونی

۱. سیاست پناهنجویی ترکیه چیست؟

ترکیه یکی از امضا کنندگان کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ نیویورک است. با توجه به صلاحیتی که این پروتکل به اعضای خود می‌دهد ترکیه «محدودیت جغرافیایی» را انتخاب کرده است. ترکیه عنوان حفاظت بین‌الملل را طبق این محدودیت جغرافیایی تعریف می‌کند.

بر اساس این قانون، ترکیه سه عنوان حفاظت بین‌المللی را جداگانه بدین شرح به رسمیت می‌شناسد: پناهنده، پناهنده‌ی مشروط و حفاظت ثانویه.

متقاضیان پناهنجویی از کشورهای عضو شورای اروپا عنوان «پناهنده‌ی ملی متقاضیان دولت‌های غیرعضو شورای اروپا عنوان «پناهنده‌ی مشروط» دریافت می‌کنند.

تعریف پناهنده، پناهنده‌ی مشروط و حفاظت ثانویه به ترتیب در مواد ۶۲ و ۶۳ قانون بیگانگان و حفاظت بین‌الملل تعریف شده است.

برخلاف «پناهندگان»، پناهندگان مشروط تنها تا زمانی اجازه‌ی اقامت

در ترکیه دارند که در یک کشور سوم بازاسکان شوند. عنوان این اشخاص فقط حفاظت موقت است زیرا سیستم پناهنجویی در ترکیه اجازه کسب اقامت دائم را به متقاضیان نمی‌دهد.

ریاست کل اداره‌ی مهاجرت:

- مراجعه‌های مربوط به اداره کل مهاجرت از طریق اداره‌ی مهاجرت استان انجام می‌شوند.
- هم‌طی مراجعه اولیه و هم بعد از ارائه درخواست، اداره‌ی استانی مهاجرت به منظور تعیین عنوان پناهنده‌ی/پناهنده‌ی مشروط/حفاظت ثانویه با متقاضیان مصاحبه می‌کند.
- مسئولیت کل مراحل مربوط به اقامت شخص در ترکیه، خروج از کشور و نیز صلاحیت آنان برای بهره‌بردن از حفاظت بین‌الملل بر عهده اداره‌ی مهاجرت استان است.
- کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل؛

- UNHCR مسئول روند بازاسکان در کشور سوم است.
- روند بازاسکان به خاطر حجم عظیم تقاضاها و ظرفیت محدود کشورهای سوم بسیار طولانی است.

۲. روند درخواست حفاظت بین‌الملل چگونه است؟

دولت ترکیه، اصلی‌ترین مقام تأمین‌کننده‌ی حفاظت در ترکیه است. ثبت‌نام یکی از مهم‌ترین وظایف خارجی‌ها در ترکیه است. زیرا بر مبنای آن اقامت شخص در ترکیه قانونی خواهد بود. همچنین این کار به فرادامکان دسترسی به خدمات عمومی و دیگر مزایای موجود را می‌دهد. به همین دلیل ثبت‌نام مهم‌ترین راه تضمین حقوق فرد در ترکیه است. ثبت‌نام علاوه بر اینکه به شما حق اقامت قانونی در ترکیه، امکان دسترسی به خدمات عمومی و دیگر مزایا را می‌دهد؛ همچنین شما را در برابر بازگشت اجباری به کشورتان محافظت می‌کند.

بر مبنای قانون مربوط به اتباع خارجی و حفاظت بین‌المللی شما موظفید شخصا به اداره کل مهاجرت استان (PDMM) مراجعه کنید تا مراحل ثبت‌نام شما طبق مقررات حفاظت بین‌الملل انجام شود.

ارزیابی اداره‌ی کل مهاجرت استان تعیین خواهد کرد که آیا شما صلاحیت بهره‌مندی از حفاظت بین‌الملل تحت قانون مربوط به اتباع خارجی و حفاظت بین‌الملل و کنوانسیون پناهندگی ۱۹۵۱ را دارید یا خیر.

پس از ثبت‌نام در اداره کل مهاجرت استان کارت شناسایی حفاظت بین‌الملل (IPAI) برای شما و اعضای خانواده شما صادر می‌شود. شما با مدارک شناسایی خود به صورت قانونی در ترکیه اقامت خواهید داشت. زمانی که مدارک شناسایی خود را دریافت می‌کنید شماره‌ی شناسایی مربوط به اتباع خارجی به شما و اعضای خانواده‌تان داده می‌شود (شماره‌ای که با عدد ۹۹ شروع می‌شود). این شماره‌ی شناسایی به شما و هر یک از اعضای خانواده‌تان اجازه‌ی دسترسی به مجموعه‌ای از حقوق و خدمات در ترکیه را می‌دهد.^۱

اداره‌ی کل مهاجرت که از طرف قانون مربوط به اتباع خارجی و حفاظت بین‌الملل به عنوان مرجع ملی تعیین شده، مسئول رسیدگی به ثبت‌نام و انجام امور متقاضیان حفاظت بین‌الملل است. UNHCR در فرآیند تأسیس اداره‌ی کل مهاجرت از این سازمان پشتیبانی کرده است، از جمله در مورد ثبت‌نام متقاضیان محافظت بین‌الملل و روندهای ارجاعی. اشاره به این موضوع حائز اهمیت است زیرا از تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۸، UNHCR فرآیند ثبت‌نام خارجیانی که خواستار حفاظت بین‌الملل در ترکیه هستند را متوقف کرده است.

مطابق با قانون مربوط به اتباع خارجی و حفاظت بین‌الملل، خارجیانی که خواستار حفاظت بین‌الملل در ترکیه هستند، بعد از ورود به کشور باید کارهای مربوط به ثبت نام و امور مربوط به آن را نزد اداره‌های مهاجرت استان انجام دهند. فرآیند ثبت‌نام و انجام امور مرتبط با تقاضاهای حفاظت بین‌الملل برعهده اداره‌های مهاجرت استان بوده و از این طریق آغاز می‌گردد.

UNHCR فعالیت‌های حفاظتی خود، از جمله ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای به پناهندگان و پناهجویان در ترکیه را ادامه خواهد داد. اگر نیازهای حفاظتی دارید یا نیازمند مشاوره در مورد روندها یا حقوق و وظایف خود در ترکیه هستید می‌توانید به UNHCR و موسسات همکار مراجعه کنید. UNHCR به افراد متقاضی حفاظت بین‌الملل و منوط به رضایت فرد به اطلاعات مربوط به برنامه حفاظت بین‌المللی ارائه شده از جانب فرد همچنان دسترسی خواهد داشت.

در این چارچوب:

۱. متقاضیان حفاظت بین‌الملل که از قبل ثبت‌نام کرده و توسط UNHCR به شهرهای مربوطه ارجاع داده شده‌اند:

همان‌طور که در معرفی‌نامه UNHCR ذکر شده، باید نزد اداره‌ی مهاجرت استان، تقاضای حفاظت بین‌الملل کنید.

UNHCR و موسسات همکار، به ارائه‌ی خدمات حفاظتی، از جمله مشاوره به متقاضیان حفاظت بین‌الملل یا دارندگان این عنوان در ترکیه ادامه خواهد داد. اگر نیازهای حفاظتی دارید یا نیازمند مشاوره هستید، می‌توانید به UNHCR و موسسات همکار آن مراجعه کنید.

UNHCR به افراد متقاضی حفاظت بین‌الملل و منوط به رضایت فرد به اطلاعات مربوط به برنامه حفاظت بین‌المللی ارائه شده از جانب فرد همچنان دسترسی خواهد داشت.

۲. خطاب به اشخاصی که به تازگی وارد ترکیه شده‌اند و تا کنون در اداره‌ی مهاجرت استان ثبت‌نام نکرده‌اند:

لطفاً به محض ورود به ترکیه به اداره‌ی مهاجرت استان مراجعه کرده و در اسرع وقت برای ثبت‌نام اقدام کنید.

نیازی به گرفتن معرفی‌نامه از UNHCR آنکارا به منظور ارائه‌ی درخواست‌تان برای حفاظت بین‌الملل در اداره‌ی مهاجرت استان نیست. شما می‌توانید در شهری که هستید به اداره‌ی مهاجرت استان مراجعه کنید.

پس از اتمام مراحل ثبت‌نام در اداره‌ی مهاجرت استان، اقامت‌تان در ترکیه قانونی خواهد شد. برای شما کارت هویتی با شماره‌ی شناسایی مخصوص اتباع خارجی صادر خواهد شد که به شما اجازه‌ی دسترسی به حقوق و خدمات کامل تحت قانون ترکیه را می‌دهد.

تقاضاهای حفاظت بین‌الملل از جانب ۸۱ استان دریافت می‌شوند در حالی که اقامت دائم در برخی شهرها تحت قانون ترکیه مجاز نیست. اگر برای یکی از استان‌هایی درخواست کنید که اقامت در آن مجاز نیست، شما را به استانی ارجاع می‌دهند که اقامت بلندمدت در آن ممکن است. این استان‌ها در نقشه با رنگ سبز مشخص می‌شوند.

اداره‌ی مهاجرت استان و بخش‌های حفاظتی، نیازهای حفاظتی و

۱ منبع: <http://help.unhcr.org/turkey/tr/information-for-non-syrians/reception-and-registration-with-the-turkish-authorities/>

آسیب‌پذیری‌های شما را تشخیص خواهند داد. اگر هر نوع نیاز مشخصی دارید لطفاً آن را به مصاحبه‌کننده در اداره‌ی مهاجرت استان اطلاع دهید. بسته به ارزیابی آن‌ها، تقاضای شما ممکن است در اولویت قرار گیرد.

UNHCR و موسسات همکار آن به ارائه‌ی خدمات حفاظتی از جمله مشاوره به متقاضیان حفاظت بین‌المللی یا صاحبان این عنوان در ترکیه ادامه خواهند داد. اگر نیازهای حفاظتی دارید یا نیازمند مشاوره هستید می‌توانید به UNHCR و موسسات همکار مراجعه کنید.

UNHCR به افراد متقاضی حفاظت بین‌المللی و منوط به رضایت فرد به اطلاعات مربوط به برنامه حفاظت بین‌المللی ارائه شده از جانب فرد همچنان دسترسی خواهد داشت.

در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر از طریق شماره تلفن‌های زیر با اداره‌ی کل مهاجرت و UNHCR ارتباط برقرار کنید:

۱۵۷ - بیمر (مرکز تماس اتباع خارجی اداره‌ی کل مهاجرت)

۴۴۴۴۸۸ (خط تلفنی مشاوره UNHCR)^۲

آنچه باید در مورد درخواست‌های پناهجویی بدانید:

پس از ورود به ترکیه ارائه درخواست پناهجویی محدودیت زمانی وجود ندارد، با این حال، از شما انتظار می‌رود درخواست خود را در اسرع وقت ارائه دهید.

اگر از طریق راه‌های نامنظم وارد ترکیه شده‌اید یا اگر اعتبار ویزای شما تمام شده است، اقامت شما در ترکیه به محض اقدام برای حفاظت بین‌المللی، قانونی خواهد شد. اگر کشور خود را به خاطر جنگ یا تهدید به شکنجه ترک کرده‌اید، تا زمان تکمیل روند درخواست، به کشور خود بازگردانده نخواهید شد.

با مراجعه به استانداری‌ها برای حفاظت بین‌المللی شما به دلیل ورود نامنظم (غیرقانونی) به ترکیه یا اقامت نامنظم (غیرقانونی) در این کشور تحت تعقیب کیفری قرار نخواهید گرفت؛ مشروط بر اینکه دلیلی موجه برای ورود یا اقامت نامنظم خود ارائه دهید.

نخستین ملاقات شما در اداره‌ی کل مهاجرت استان، مصاحبه محسوب نمی‌شود بلکه هدف از آن ثبت‌نام است. در این ملاقات درباره دلایل ترک کشور سوال خواهد شد.

لطفاً در زمان ثبت‌نام مدارک شناسایی و/یا مسافرتی خود را به منظور تأیید اطلاعات هویتی ارائه دهید.

اظهارات شما در زمان تأیید هویت راست یا صحیح قلمداد می‌شوند و اگر مدارک و اطلاعات درخواست شده را ارائه ندهید، ممکن است چنین برداشت شود که از درخواست خود صرف نظر کرده‌اید و با خطر ترک خاک مواجه شوید.

در زمان ثبت‌نام اولیه، از شما درباره دلایل ترک کشور، تجربه‌های

پس از ترک کشور و اینکه آیا قبلاً از حفاظت بین‌المللی در کشوری دیگر بهره‌مند شده‌اید یا نه سوال می‌شود.

طی مراحل ثبت‌نام، اداره‌ی مهاجرت استان موظف است مدرکی با اعتبار ۳۰ روزه ارائه دهد که نشان‌دهنده شروع مراحل ثبت‌نام است. این مدرک پولی نیست. در زمان ثبت‌نام، اداره‌ی مهاجرت استان باید اطلاعات مربوط به زمان و مکان مصاحبه را بدهد. این مرحله‌ای است که وضعیت شما به عنوان یک پناهنده یا پناهنده‌ی مشروط مشخص خواهد شد. با این وجود، به سبب حجم زیاد تقاضاها، این اطلاعات ممکن است در ملاقات اولیه به شما داده نشود.

بعد از مراجعه به اداره‌ی مهاجرت استان، اقامت شما در ترکیه قانونی می‌شود.

۳. شهر اقماری چیست؟ آیا می‌توانم در زمان ثبت‌نام شهری که دوست دارم را انتخاب کنم؟

طبق قانون، برنامه «شهرهای اقماری» به عنوان بخشی از نظام پناهجویی ترکیه است. به بیان دیگر، پناهجویان حق انتخاب شهرهای محل اقامت خود را ندارند. تصمیم نهایی در مورد شهر اقامت شما با هماهنگی اداره‌ی مهاجرت استان و نظر به جمعیت پناهنده/پناهنده مشروط موجود و ثبت‌شده در شهرهای اقماری گرفته می‌شود. بیان این مهم را فراموش نکنید که آیا وضعیت سلامتی شما نیازمند درمان مداوم است یا اینکه آیا یکی از اعضای خانواده قبلاً در یکی از شهرهای اقماری در ترکیه ثبت‌نام کرده‌اند یا خیر، زیرا این امر نقش مهمی در تعیین شهر برای شما ایفا می‌کند.

طبق برنامه «شهرهای اقماری»، شما باید در شهری اقامت داشته باشید که در آن ثبت‌نام شده‌اید و نباید بدون اخذ مجوز از آن شهر خارج شوید. تغییر شهر اقماری شما بسیار دشوار است. آنکارا، استانبول و ازمیر جزء شهرهای اقماری نیستند.

۴. تعهدات شما پس از ثبت‌نام چیست؟

اقامت شما در ترکیه پس از ثبت‌نام در اداره‌ی مهاجرت استان، قانونی می‌شود. با این حال، بعد از ثبت‌نام باید برخی تعهدات خود را بجای آورید.

طبق تعهد اقامتی، هر دفعه‌ای که قصد ترک شهر اقماری را دارید باید از اداره‌ی مهاجرت استان اجازه‌ی خروج کتبی دریافت کنید.

طبق تعهد امضا از شما خواسته می‌شود به صورت منظم در اداره‌ی مهاجرت استان امضا بزنید تا ثابت کنید از شهر خارج نشده‌اید.

شما باید مدارک شناسایی صحیح (از جمله اطلاعات پاسپورت) را به مقامات ارائه دهید.

اگر شما تعهد امضای خود را ۳ مرتبه بدون ارائه‌ی دلیل موجه به جا نیاورید، اگر به شهری که پس از ثبت‌نام برای شما در نظر گرفته شده نروید یا اگر بدون اجازه‌ی کتبی شهر اقماری خود را ترک کنید، تقاضای شما ابطال شده و فرآیند آن متوقف می‌شود و احتمال دیپورت وجود دارد.

^۲ منبع: <http://help.unhcr.org/turkey/tr/information-for-non-syrians/reception-registration-and-rsd-with-unhcr/>

۵. مصاحبه با ادارهی مهاجرت استان چگونه است؟

طبق قانون، تاریخ مصاحبه باید در زمان ثبت نام مشخص شده و ظرف ۳۰ روز باید عملی شود. با این حال، در عمل ممکن است بیشتر از آن طول بکشد.

شما حتما باید در مصاحبه‌ی اصلی شرکت کنید چرا که این مصاحبه مهم‌ترین بخش تقاضای شماست. تصمیم در مورد اقامت شما در ترکیه و تقاضای حفاظت بین‌الملل شما بستگی به روند این مصاحبه دارد. عدم حضور شما در مصاحبه به معنای صرف نظر از تقاضای تلقی می‌شود.

ترجمه‌ی هم‌زمان در طول مصاحبه وجود خواهد داشت، این حق شماست. همچنین می‌توانید در زمان ثبت نام هم درخواست مترجم هم‌زمان کنید.

در صورت تمایل وکیل/نماینده‌ی قانونی شما می‌تواند در مصاحبه، شما را همراهی کند. طی مصاحبه، سوالاتی در مورد دلایل آمدن شما به ترکیه و خطراتی که در صورت بازگشت به کشورتان وجود دارد پرسیده می‌شوند. شما فرصت ارائه‌ی اسناد و مدارک خود را دارید. هدف از این مصاحبه تعیین صلاحیت شما برای داشتن حفاظت بین‌الملل است.

خطر آزار و اذیت در صورت بازگشت شما به کشورتان طبق پنج معیاری که در کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ مشخص شده، ارزیابی می‌شود. بنابراین، انسجام درونی و بیرونی داستان شما و وقایع مرتبط با آن بسیار مهم هستند.

درخواست شما باید نهایتاً ظرف شش ماه بررسی و پاسخ آن داده شود. نتیجه‌ی درخواست شما به صورت کتبی و با ذکر دلیل به آدرس محل اقامت شما ارسال خواهد شد. در صورتی که آدرس ثبت شده‌ای برای متقاضی موجود نباشد، نامه‌ی مذکور به مختار محله (کسی که معتمد محل است و معمولا در دفتری به همین نام حضور دارد) تحویل داده می‌شود.

اگر مصاحبه‌ی شما موفقیت آمیز باشد، شما عنوان پناهنده‌ی مشروط یا پناهنده‌ی ثانویه می‌گیرید که هر دو از عناوین مربوط به حفاظت بین‌الملل می‌باشد.

به عنوان پناهنده‌ی مشروط، تا زمان اسکان مجدد در کشور سوم شما می‌توانید به صورت قانونی در ترکیه اقامت داشته باشید.

زمانی که تقاضای شما برای حفاظت بین‌الملل رد شود، شما می‌توانید تا ۳۰ روز بعد از ابلاغ حکم، اعتراض خود را به دادگاه تجدیدنظر اعلام کنید. ارسال درخواست تجدید نظر در مهلت مقرر بسیار مهم است. درخواست‌های فرستاده شده پس از مهلت مقرر رد می‌شوند. بنابراین برای گرفتن کمک حقوقی و جلوگیری از اتلاف وقت به یک نهاد مدنی (غیردولتی) مراجعه کنید.

چه کسانی ممکن است دیپورت شوند؟

- کسانی که تهدیدی برای نظم/امنیت/سلامت عمومی باشند.
- کسانی که مدت اقامت آنها بیش تر از اعتبار ویزایشان است یا

از اعتبار ویزای آنها بیش از ۱۰ روز گذشته باشد یا کسانی که ویزایشان باطل شده است.

- کسانی که اجازه‌ی اقامت آنها باطل شده است.
- کسانی که بدون اجازه‌ی کار مشغول به کار هستند.
- کسانی که از قوانین ورود و خروج قانونی به ترکیه تخلفی می‌کنند.
- کسانی که علیرغم ممنوعیت ورود، وارد ترکیه می‌شوند.
- رئیس، عضو یا حامی سازمان‌های تروریستی یا کسانی که با هدف کسب منافع، رئیس، عضو یا حامی گروه‌های جایی باشد.
- افرادی که طی ورود به ترکیه و در طول انجام کارهای ویزای گذرنامه و ویزای اقامتی از اطلاعات نادرست و مدارک جعلی استفاده می‌کنند.
- افرادی که از طریق مشارکت در کارهای غیرقانونی امرار معاش می‌کنند.
- پس از حکم نهایی صادر شده برای افرادی که درخواست حمایت بین‌الملل آنها رد شده است، افرادی که از درخواست حمایت بین‌الملل مستثنی شده‌اند، افرادی که درخواست حمایت بین‌الملل آنها غیرقابل قبول ارزیابی شده است، کسانی که از تقاضای خود انصراف داده‌اند، افرادی که تقاضای آنها بازگردانده شده، افرادی که عنوان حفاظت بین‌الملل آنها به پایان رسیده یا لغو شده، کسانی هستند که طبق بندهای این قانون حق اقامت در ترکیه را ندارند.
- کسانی توسط نهادها و سازمان‌های بین‌المللی شناسایی شده‌اند و چنین ارزیابی شده است که با سازمان‌های تروریستی در ارتباط هستند.

طبق قانون مربوط به اتباع خارجی و حفاظت بین‌الملل، هیچ کس را نمی‌توان به کشوری دیپورت کرد که در معرض شکنجه، مجازات و رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار دارد، یا جایی که آزادی و زندگی وی به خاطر نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی تهدید خواهد شد.

شما می‌توانید بعد از ابلاغ حکم دیپورت صادره علیه شما، ظرف ۷ روز اعتراض خود را به دادگاه تجدید نظر اعلام کنید. ارسال درخواست تجدید نظر در مهلت مقرر بسیار مهم است. درخواست‌های فرستاده شده پس از مهلت مقرر رد می‌شوند. بنابراین برای گرفتن کمک حقوقی و جلوگیری از اتلاف وقت به یک نهاد مدنی (غیردولتی) مراجعه کنید.

چه زمانی یک درخواست ابطال می‌شود؟

- درخواست شما برای حفاظت بین‌الملل تحت شرایط زیر ممکن است متوقف شود و شما دیپورت شوید:
- اگر به صورت کتبی اعلام کنید که از درخواستتان صرف نظر کرده‌اید.

- اگر بدون مجوز از شهر اقماری که در آن ثبت شده‌اید، خارج شوید.
- اگر بدون دلیل موجه ۳ مرتبه از امضا زدن خودداری کنید.
- اگر بدون دلیل موجه ۳ مرتبه در مصاحبه حاضر نشوید.
- اگر در زمان ثبت‌نام از ارائه‌ی اطلاعات هویتی خود خودداری کنید.

شما می‌توانید تا ۳۰ روز بعد از ابلاغ حکم، اعتراض خود را به دادگاه تجدیدنظر اعلام کنید. ارسال درخواست تجدید نظر در مهلت مقرر بسیار مهم است. درخواست‌های فرستاده شده پس از مهلت مقرر رد می‌شوند. بنابراین برای گرفتن کمک حقوقی و جلوگیری از اتلاف وقت به یک نهاد مدنی (غیردولتی) مراجعه کنید.

تا زمان مشخص شدن نتیجه دادگاه تجدیدنظر شما اجازه اقامت در ترکیه را دارید. برای حفظ حقوق خود، اعتراض به موقع به دادگاه تجدیدنظر بسیار مهم است.

هنگام ابلاغ حکم صادره از طرف موسسات عمومی، طبق قانون، توضیح حکم صادره و راه‌های اعتراض به حکم به شکلی کامل و واضح اجباری است. علاوه بر آن مجبور به توضیح دادن جامع در مورد کلیه مدارکی هستند که در سازمان‌های دولتی (اداره پلیس، اداره مهاجرت، مرکز بازپس‌فرستان و...) برای امضا به شما ارائه می‌دهند. این توضیحات باید به زبانی باشد که متوجه می‌شوید. ضمناً شما مختار هستید تا مدارکی را که نمی‌خواهید امضا نکنید. با این حال، اگر مجبور به امضا شدید، می‌توانید در کنار امضا به زبان خودتان بنویسید: "علیرغم میل باطنی خود مجبور به امضا شدم" یا اگر به شما در مورد نوشته‌های اوراق به زبانی که شما درک می‌کنید، توضیحی داده نشد، می‌توانید بنویسید: "می‌دانم چه چیزی را امضا می‌کنم، به من توضیح داده نشد". این یادداشت‌ها برای اثبات در دادگاه دارای اهمیتی حیاتی هستند.

اگر خطاری در مورد نوشتن یادداشت‌های بالا دریافت کردید، از امضا زدن خودداری کنید. همچنان لازم به ذکر است که کل روند همچنان از تاریخ ابلاغ شروع می‌شوند، حتی اگر از امضا سرباز بزنید.

در کل شرایطی که در بالا توضیح داده شد، حق درخواست وکیل برای شما محفوظ است. در عین حال هنگام امضا می‌توانید یادداشتی مبنی بر: "درخواست وکیل دارم" بنویسید.

حق سلامت و بهداشت

طرح بیمه‌ی سلامت شما (موسسه‌ی تأمین اجتماعی SGK) زمانی که مدارک هویتی‌تان ثبت شود، به اجرا در می‌آید. شما می‌توانید از خدمات بهداشتی در مراکز درمانی، مراکز تنظیم خانواده، بیمارستان‌های دولتی و خصوصی استفاده کنید. با این حال، شما نمی‌توانید مستقیماً در «مراکز کاربردی و تحقیقاتی» واقع در بیمارستان‌های دانشگاه‌ها یا «بیمارستان‌های خصوصی» اقدام کنید. شما باید یک معرفی‌نامه برای ثبت درخواست در این نهادها داشته باشید. شما از حق دسترسی سریع به خدمات برخوردار می‌شوید اگر در سیستم به عنوان فردی دارای نیازهای خاص ناشی از تجربه‌ی

شکجه، تعرض جنسی یا خشونت شدید روانی، فیزیکی یا جنسی شناخته شده باشید.

با توجه به تغییراتی که در قانون مربوط به اتباع خارجی و حفاظت بین‌المللی انجام شده، بیمه شما از تاریخ شروع تا یک سال اعتبار خواهد داشت. بعد از اتمام اعتبار، تمدید بیمه شما از طرف اداره کل مهاجرت ارزیابی شده و تصمیم‌گیری خواهد شد.

اصل بر این است که از خدمات بهداشتی در شهر محل اقامت‌تان برخوردار شوید. اگر به درمانی نیاز دارید که در شهر اقامت شما موجود نیست، شما را به یک مرکز درمانی در نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین شهر معرفی می‌کنند.

شما می‌توانید داروهایتان را در داروخانه‌های طرف قرارداد، بدون پرداخت پول دریافت کنید. در صورتی که دکتر داروخانه به شما معادل یک دارو را بدهد از شما مابه‌التفاوت پولی آن گرفته می‌شود.

لطفاً از به همراه داشتن کارت شناسایی خود در زمان مراجعه به بیمارستان مطمئن شوید.

اگر فکر می‌کنید حق بهداشت و سلامتی شما زیر پا گذاشته شده است، می‌توانید شکایت خود را به بخش حقوق بیماران واقع در اداره بهداشت و درمان استان اعلام کنید.

حق کار

می‌توانید شش ماه پس از درخواست برای حفاظت بین‌المللی تقاضای اجازه‌ی کار کنید. کارفرمایان تقاضاهای مجوز کار را از طریق خدمات دولت-الکترونیک به وزارت کار و خدمات اجتماعی ارائه می‌کنند.

مجوزهای کار برای یک محل کار مشخص داده می‌شوند و اگر از کارتان خارج شوید، اجازه‌ی کار هم اعتبارش را از دست می‌دهد. بنابراین، مجوزهای کار برای هر تغییری در محل کار باید از نو صادر شوند. یک فرد نمی‌تواند تنها با یک اجازه‌ی کار در چندین شغل فعالیت داشته باشد.

اگر مایلید برای اجازه‌ی کار در شهری به غیر از شهر محل اقامت‌تان درخواست کنید، تصمیم در این مورد بر عهده‌ی وزارت کشور است.

حقوق کارمندان

- حقوق کارمندان نباید کمتر از حقوق پایه کارگری تصویب‌شده باشد.
- کارفرمایان باید پوشش بیمه را تأمین کنند و برای کارمندان خود به صورت مرتب حق بیمه را پرداخت نمایند.
- اگر ثابت شود که بدون داشتن مجوز کار مشغول به کار شده‌اید، مجبور به پرداخت جزای نقدی خواهید شد. دقیقاً به همین شکل به کارفرمای مربوطه که بدون داشتن مجوز کار به شما اجازه کار داده نیز مجبور به پرداخت جزای نقدی می‌باشد.

سوالات متداول و اطلاعات نادرست در میان پناهندگان دگرباش در ترکیه پیرامون «کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل» (UNHCR) و اسکان مجدد

۱. اگر درخواست پناهندگی من از طرف UNHCR رد شود چه کاری می‌توانم انجام دهم؟

طبق قانون شماره ۶۴۵۸ درباره‌ی خارجی‌ها و محافظت بین‌المللی، مقام مسئول برای درخواست پناهجویی شما در ترکیه اداره کل مهاجرت (DGMM) است. بنابراین ضروری است که شما به طور دائم وضعیت پناهجویی خود را از طریق مقامات مسئول ترکیه پیگیری کرده و وظایف و مسئولیت‌های خود را انجام دهید.
 ۲. آیا فردی که قبل از تغییر سیستم، در کمیساریای عالی پناهندگان به عنوان پناهنده ثبت نام کرده باشد می‌تواند توسط مقامات ترکیه اخراج (دیپورت) شود؟

اخراج از کشور را که فرآیندی اداری است برای خارجیان مقیم ترکیه، می‌توان توجیه کرد. از این منظر، اشخاصی که نیاز به محافظت بین‌المللی دارند باید خود را به مقامات ملی معرفی کنند تا بتوانند علیه بازگشت به مکان‌هایی که زندگی و آزادی‌شان ممکن است در خطر قرار بگیرند، ادعای نیاز به محافظت داشته باشند. پناهنده‌ای که UNHCR قبولش کرده، اگر عناصر درخواست وی برای برخورداری از شرایط پناهندگی کافی ارزیابی نشوند ممکن است جواب منفی از نهاد پناهجویی ملی بگیرد. برای جلوگیری از چنین موقعیت‌هایی، UNHCR با مقامات ترکیه همکاری نزدیک دارد و همچنین از طریق فراهم‌آوری کمک‌های حقوقی از افراد در طول روند استیناف حمایت می‌کند تا تضمین کند که فرد در تطابق با چارچوب حقوقی ملی و بین‌المللی محافظت می‌شود.
 ۳. آیا امکان این وجود دارد که پناهنده‌ای که قبلاً توسط کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل پذیرش شده یا توسط اداره مهاجرت پذیرش خواهد شد، به او اسکان مجدد ندهند؟

بله، این ممکن است و حتی در واقع درصد چنین احتمالی بالاست. پذیرش فرد به عنوان پناهنده لزوماً به معنای اعزام یا اسکان مجدد وی نیست. اسکان مجدد یک حق نیست و راه‌حلی است که تنها برای بخشی از جمعیت پناهندگان در جهان وجود دارد و مبتنی بر برخورداری از معیارهای اسکان مجدد و تعهداتی است که کشورهای اسکان‌دهنده می‌کنند.
 ۴. طبق چه معیاری پناهنده را «غیرقابل قبول برای اسکان مجدد» حساب می‌کنند؟

پارامترهایی در رابطه با ساختار خانوادگی پناهنده، تاریخچه و پیش‌زمینه او وجود دارند. شاید برای پناهنده اقامت در ترکیه
۵. اگر پناهنده شانس اسکان مجدد نداشته باشد آیا می‌تواند در ترکیه بماند؟

مسئله‌ی اصلی وضعیت حقوقی پناهنده در برابر ترکیه است. با این حال، باید اشاره کرد که اکثریت زیادی از پناهندگان در ترکیه صرفاً بدین خاطر نمی‌توانند اسکان مجدد داده شوند که تعداد آن‌ها از فضاهای اسکان مجدد در دسترس به شکل هنگفتی زیادتر است.
 ۶. فرآیند اسکان مجدد در کشور سوم چگونه اجرا می‌شود؟

“زمانی که من با UNHCR مصاحبه‌ی کشوری داشته باشم آیا این سازمان به من یک کشور سوم می‌دهد یا اینکه می‌توانم خودم کشوری را انتخاب کنم؟”

UNHCR طبق معیارهای اسکان مجدد جهانی به بررسی پرونده‌های اسکان مجدد می‌پردازد. این سازمان ارزیابی اولیه را انجام می‌دهد، پرونده را آماده می‌کند و آن را در اختیار کشور اسکان‌دهنده می‌گذارد. کشورهای سوم از جانب UNHCR تعیین می‌شوند، پناهندگان نمی‌توانند کشور اسکان‌دهنده را انتخاب کنند. زمانی که تصمیم در مورد کشور سوم گرفته می‌شود، UNHCR پرونده را با معیارهای مشخص کشورهای اسکان‌دهنده در سایر موضوعات مربوطه مثل پیوندهای خویشاوندی در خارج از کشور تطبیق می‌دهد.
 ۷. کشورها طبق چه معیارهایی پناهندگان را می‌پذیرند؟ کدام کشورها پناهندگان دگرباش را می‌پذیرند؟

انتخاب و فرآیند بررسی پرونده‌ها بر مبنای معیارهای جهانی اسکان مجدد انجام می‌شوند. تمام کشورهای اسکان‌دهنده پناهندگان دگرباش را می‌پذیرند.
 ۸. آیا می‌توانیم پرونده‌هایمان را با پارت‌هایمان یکی کنیم و در یک کشور سوم واحد اسکان مجدد بیابیم؟

ترکیب پرونده بستگی به شرایط فردی دارد اما هدف UNHCR این است که پارت‌ها را در یک کشور واحد اسکان مجدد بدهد. حتی اگر پرونده‌ها به صورت فیزیکی یکی نباشند، در سیستم با یکدیگر مرتبط می‌باشند.

۹. آیا می‌توانیم درخواست پناهجویی را از طریق سفارت‌ها در ترکیه انجام دهیم تا در کشور سوم اسکان مجدد بیابیم؟

خیر. سفارت‌ها درخواست‌های پناهجویی را قبول نمی‌کنند. با این وجود، راه‌های دیگری وجود دارند از قبیل گردهم آمدن دوباره‌ی خانواده، درخواست‌های حامی مالی خصوصی و غیره که هر یک از آن‌ها رویه‌های مشخصی دارند که شامل سفارت‌ها در ترکیه نیز می‌شوند. برخی از رویه‌ها را می‌توان خارج از ترکیه آغاز کرد، سایر رویه‌ها را می‌توان در کشوری آغاز کرد که هدف دسترسی به آن است.

۱۰. گفته می‌شود که اگر تحت درمان روان‌شناختی یا روان‌پزشکی باشم، پرونده‌ی من در UNHCR در طول فرآیند اسکان مجدد به صورت منفی ارزیابی می‌شود.

این حرف نادرست است، تحت درمان روان‌شناختی یا روان‌پزشکی بودن تأثیر منفی بر شانس اسکان مجدد ندارد.

۱۱. اگر تحت درمان روان‌پزشکی باشم آیا امکان این وجود دارد که در کشور سوم اسکان مجدد داده نشوم؟

این موارد ضرورتاً مرتبط به یکدیگر نیستند. شرایطی وجود دارند که در آن ارزیابی روان‌پزشکی به عنوان بخشی از ارزیابی پرونده خواسته می‌شود.

۱۲. آیا مکانیسم شکایتی وجود دارد که بتوانیم زمانی که یک کارمند UNHCR یا کارمند یکی از سازمان‌های همکار UNHCR با ما بدرفتاری یا از ما سوءاستفاده می‌کند، به آن رجوع کنیم؟

شما می‌توانید این موارد را از طریق راه‌های زیر گزارش دهید:

- می‌توانید به آدرس UNHCR ترکیه ایمیل بزنید
www.unhcr.org

- می‌توانید شکایت خود را در صندوق شکایات قرار دهید. صندوق‌های شکایات در ورودی دفتر UNHCR در آنکارا و در دفاتر همکار این سازمان در دسترس هستند؛

- می‌توانید شکایت خود را در پاکتی مهرشده به یکی از دفاتر همکار UNHCR تحویل دهید تا به صورت دستی به UN-HCR تحویل داده شود.

نگرانی‌های شما جدی گرفته می‌شوند و به صورت محرمانه باقی می‌مانند. پرونده‌ی اسکان مجدد شما تحت تأثیر شکایات‌ها قرار نخواهد گرفت. اگر نمی‌خواهید نام یا شماره‌ی پرونده‌ی خود را استفاده کنید، می‌توانید شکایت خود را به صورت بی‌نام انجام دهید.

اگر هر نوع اطلاعاتی در مورد مشارکت هر یک از اعضای UNHCR در هر نوعی از شیادی و کلاهبرداری دارید لطفاً از طریق صندوق‌های شکایات به ما اطلاع دهید یا شکایتی خطاب به دفتر کل بازرسی در مقر UNHCR در ژنو تنظیم کنید:

-آدرس ایمیل:

inspector@unhcr.org

-شماره‌ی فکس مطمئن:

+41 22 739 7380

-آدرس پستی:

UNHCR, 94 Rue de Montbrillant, 1202 Geneva, Switzerland

۱۳. آیا ممکن است یک شخص یا سازمان سوم درباره‌ی پرونده‌ی من به UNHCR دسترسی یابد و فرآیند را متوقف یا تسریع کند؟ چه مکانیسم شکایتی وجود دارد اگر کسی به UNHCR دسترسی پیدا کند تا پرونده‌ی من را بدون رضایت من تحت تأثیر قرار دهد؟

UNHCR هر پرونده را طبق صلاحیت‌های خاص آن بررسی می‌کند. اطلاعات در مورد پرونده‌های پناهندگان بدون اجازه‌ی پناهنده با شخص سوم یا اضافه به اشتراک گذاشته نمی‌شوند. تصمیم نهایی در باب پرونده‌های اسکان مجدد با کشورهای اسکان‌دهنده است.

۱۴. من و پارتنرم از هم جدا شده‌ایم. او تمام اطلاعات شخصی من را می‌داند. آیا ممکن است که او بدون اجازه‌ی من کاری در مورد پرونده‌ام انجام دهد؟

هیچ شخص ثالثی دسترسی به پرونده‌ی پناهنده در UNHCR ندارد. اطلاعات در مورد پرونده‌های پناهندگان بدون اجازه‌ی شخص پناهنده با هیچ شخص ثالثی به اشتراک گذاشته نمی‌شوند.

۱۵. آیا امکان این وجود دارد که UNHCR و همکاران آن از ما برای تغییر شهر اقماری‌مان حمایت کنند؟

پس از ثبت‌نام در اداره‌ی مهاجرت استان (PDMM) تغییر بیشتر در محل اقامت، حق ویژه‌ی مقام مسئول ملی یعنی اداره‌ی کل مهاجرت (DGMM) و دستگاه‌های استانی‌اش باقی می‌ماند. با این حال، UNHCR با کمک شرکایش می‌تواند نامه‌ی ارجاع مربوطه‌ای را تنظیم کند که باید از طرف اداره‌ی مهاجرت استان تقاضا شود. باید تأکید مجدد شود که اداره‌ی کل مهاجرت تنها مقام مسئول برای اعطای جایگاه قانونی به متقاضیان محافظت بین‌المللی در کشور است که استان محل اقامت را تعیین می‌کند و اجازه‌ی هر گونه سفر خارج از شهر اقماری تعیین‌شده را خود آن صادر می‌کند. با این وجود، در صورت لزوم، می‌توان درخواستی را به اداره‌ی مهاجرت استان (PDMM) مربوطه جهت تغییر شهر اقماری ارائه داد، سازمان‌های همکار UNHCR در شهر مربوطه می‌توانند در پیشبرد این روند کمک کنند.

۱۶. اگر در مورد یک حمله، سوءاستفاده یا هرگونه تخطی از حقوق به پلیس شکایت کنم، آیا این شکایت فرآیند پرونده‌ی من در UNHCR را به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

خیر. تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

انجمن همبستگی و پژوهش‌های فرهنگی و لزبین کائوس (KAOS GL)

بخش جدانشدنی از حقوق بشر است». کارگروه اسنادی را آماده کرده و در فعالیتهای قانون‌گذارانه، به‌ویژه مطالعات قانون اساسی، جرم‌های مرتبط با نفرت و قوانین ضد تبعیض با نگاهی به از میان بردن تبعیض علیه اجتماع دگرباشان، پیشگیری از نقض حقوق بشر و بهبود برابری مشارکت می‌جوید. این کارگروه تبعیض و نقض حقوق بنیادی بشر از جمله حق دسترسی به بهداشت و سلامت، آموزش، کار، مسکن و نیز حق دسترسی به کالاها و خدمات را رصد کرده و در موردشان گزارش می‌دهد؛ و هدف از آن بهبود حقوق بشر اجتماع دگرباشان در عرصه‌های مذکور است. به موازات این اهداف، کارگروه وضعیت حقوق بشر را رصد کرده و گزارش‌هایی در آن مورد آماده می‌کند. این کارگروه سمپوزیوم مبارزه با تبعیض را سازماندهی می‌کند و دوره‌های آموزشی حقوق بشر، مشاوره و راهنمایی روان‌شناختی و نیز دوره‌های آموزشی حقوق بشر که مختص مددکاران اجتماعی، معلمان، روان‌شناسان، روان‌پزشک‌ها و وکلایست، ارائه می‌دهد.

انجمن کائوس از سال ۲۰۰۷، به عنوان بخشی از برنامه‌ی حقوق بشری خود وارد عرصه‌ی حقوق پناهندگان شده است. از سال ۲۰۱۷ نیز برنامه حقوق پناهندگان به عنوان زیر شاخه برنامه حقوق بشر تعیین شده و در بخشی جداگانه به فعالیت خود ادامه می‌دهد. در این راستا، انجمن کائوس گ.ل. مشاوره‌ی حقوقی و اجتماعی برای پناهندگان دگرباش ارائه داده، آن‌ها را در شهرهای اقماری محل زندگی‌شان ملاقات کرده و مصاحبه‌های رو در رو با آنان به انجام می‌رساند. انجمن کائوس گ.ل. به کمک نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی برگزارشده با مشارکت پناهندگان دگرباش، سعی می‌کند سیاست‌های خود را مطابق با نیازها و انتظارات

هدف انجمن کائوس گ.ل. کمک به افراد لزبین، گی، دو جنس‌گرا و ترنس (LGBT) برای دسترسی به ارزش‌های آزادی‌خواهانه بوده و حمایت از آن‌ها به منظور تحقق وجود آنان به عنوان هم‌جنس‌گرایان و ترنس‌ها و نیز کمک به آنان در جهت پیشرفت و ادای سهمی در صلح و رفاه جامعه از طریق فعالیت‌ها و سبک زندگی خود در محیط‌های انفرادی، اجتماعی و فرهنگی است.

سازمان کائوس گ.ل. در سپتامبر ۱۹۹۴ در آنکارا تأسیس شد. فعالیت این سازمان در راستای گردهم آوردن هم‌جنس‌گرایان در ترکیه به منظور مبارزه با تبعیض علیه هم‌جنس‌گرایان و دستیابی به آزادی در جامعه است. سازمان کائوس همواره انجمنی فعال بوده که تحت لوای شعار "رهایی هم‌جنس‌گرایان، منجر به رهایی دگرجنس‌گرایان نیز خواهد شد" به طور رسمی در اداره انجمن‌های استانی استان‌داری آنکارا در سال ۲۰۰۵ ثبت شده است.

انجمن کائوس در واقع یا به صورت مالی یا به سایر طرق حامی فعالیت‌ها در عرصه‌های فرهنگ، آموزش، هنرها و ورزش‌هایی است که به افراد دگرباش در جهت تطابق با ارزش‌های بنیادین آزادی، عدالت و صلح، در راستای احترام به حقوق بشر برای همه صرف‌نظر از زبان، نژاد، رنگ، جنسیت، گرایش جنسی، عقاید فلسفی، دین، فرقه یا مذهب؛ و به منظور مبارزه با تبعیض علیه گرایش جنسی و هویت جنسیتی در تمام عرصه‌های زندگی یاری می‌رساند.

برنامه و کارگروه حقوق بشر کائوس گ.ل. در پی اجرا و گسترش سیاست‌ها با این شعار است که «حقوق دگرباشان



- پناهندگان شکل دهد. لینک مربوط به بخش «پناهندگان» در آدرس اینترنتی www.kaosgl.org در چارچوب نشر مبتنی بر حقوق در دسترس است.
- انجمن کائوس گ.ل. چه حمایت‌هایی از پناهندگان دگرباش می‌کند:
 - پناهندگان دگرباش با تبعیض‌های چندگانه در ترکیه مواجه‌اند. پناهندگان دگرباشی که کشور خود را به خاطر تبعیض و خشونت مبتنی بر گرایش جنسی، هویت جنسیتی و وضعیت بیناجنسی ترک کرده‌اند، علاوه بر نژادپرستی و بیگانه‌هراسی از خشونت هموفوبیک-ترنس‌هراسی هم رنج می‌برند. بنابراین، کائوس گ.ل. به منظور تسهیل دسترسی پناهندگان دگرباش به حقوق بنیادین، دستگاه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی، صرف نظر از محل اقامتشان فعالیت می‌کند. در این راستا انجمن کائوس از پناهندگان دگرباش حمایت حقوقی و اجتماعی می‌کند. هرچند هیچ ضمانتی برای حل کل مشکلات وجود ندارد. کائوس گ.ل. تنها می‌کوشد تا در یافتن راه‌حلی برای مشکلات موجود، به واسطه‌ی خدمات ذیل، نقش کمکی داشته باشد:
- حمایت حقوقی:
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره برای مشکلات ناشی از گرایش جنسی، هویت جنسیتی و وضعیت بیناجنسی
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره و مراجعه به خدمات درمانی مرتبط برای دوره‌ی گذار و استفاده از داروهای هورمونی.
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ی مرتبط با نظام پناهجویی در ترکیه و ارائه‌ی اطلاعاتی پیرامون نهادهای پناهندگی.
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره برای درخواست‌های پناهندگی ثبت‌شده در UNHCR و اداره‌ی مهاجرت.
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره در مورد چالش‌های اسکان مجدد در کشور سوم.
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره حول حمایت حقوقی از جانب کانون‌های وکلا و ایجاد ارتباط با این کانون‌ها در صورت لزوم.
 - پیگیری وضعیت قربانیان سوءاستفاده، خشونت و تهدید جنسی و برقراری ارتباط با نمایندگی‌های مربوطه در صورت لزوم.
- ارائه‌ی اطلاعات در مورد محافظت فیزیکی از افراد در معرض خطر و مطلع کردن نمایندگی‌های مربوطه از وضعیت آن افراد.
- مطلع کردن بلادرنگ UNHCR از مواردی که محافظت فوری در آنجا مورد نیاز است.
- ارائه‌ی اطلاعات و کمک در زمانی که نیاز به تغییر شهر اقامتی محل اقامت پناهندگان وجود دارد.
- حمایت اجتماعی:
 - برقراری ارتباط با مقامات مربوطه در مورد مشکلات مسکن.
 - معرفی به متخصصان حرفه‌ای در موارد نیاز به دسترسی به مراقبت درمانی، سلامت جنسی و فرآیند گذار و در صورت طلب، ارائه‌ی خدمات از طریق شبکه‌های سلامت کائوس گ.ل.
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره برای حق دسترسی به آموزش.
 - تحریک مقامات مربوطه برای ارائه‌ی حمایت مالی.
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره و خدمات ارجاعی برای حمایت روان‌شناختی و اجتماعی.
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره و خدمات ارجاعی در موارد خشونت و تبعیض.
 - ارائه‌ی خدمات مشاوره به منظور به حداقل رساندن موانع در برابر مشارکت در حیات اجتماعی و در صورت طلب، ارجاع به حوزه‌های اجتماعی‌شدن.

سازمان‌های حامی پناهندگان در ترکیه

• کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR)

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در سال ۱۹۵۰ برای پناهندگان از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد به منظور هدایت و ایجاد هماهنگی برای مداخله‌ی بین‌المللی در جهت محافظت از پناهندگان و حل مشکلات آن‌ها پایه‌گذاری شد. هدف اصلی UNHCR حفاظت از حقوق و رفاه پناهندگان و پناهجویان است. علاوه بر این، ارائه‌ی کمک به افراد فاقد دولت یا بی‌وطن در چارچوب وظایف UNHCR است. برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به www.unhcr.org مراجعه کنید.

• انجمن پیوند مردم

انجمن هالکلارن کورپوسی / انجمن پیوند مردم یک خیریه‌ی غیرانتفاعی و انجمن همبستگی است که با هدف توسعه/تقویت دوستی و همبستگی عمومی بین افراد و تسهیل همبستگی در برابر فجایع اجتماعی-سیاسی و بلایای طبیعی دارای پیامدهای اجتماعی شدید تأسیس شد. دلیل وجودی این انجمن مبارزه علیه تمام اشکال دیگری‌سازی، نفرت‌پراکنی، تبعیض، نژادپرستی، ملی‌گرایی، تبعیض جنسی و فرقه‌گرایی؛ اعلام همبستگی با افرادی که در معرض این موارد هستند صرف‌نظر از زبان، دین، نژاد، فرقه و جنسیت آن‌ها و سازماندهی برنامه‌های همبستگی منجر به ایجاد صلح و برابری میان افراد؛ و ایستادن در کنار همه و تمام «دیگری‌ها» در برابر طرد اجتماعی است. برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.halklarinkoprusu.org> مراجعه کنید.

• انجمن حمایت از زندگی

این انجمن سازمانی بشردوستانه است که هدف اصلی تأسیس آن کمک به اجتماعات متأثر از بلایا به منظور تأمین نیازها و حقوق اساسی آن‌هاست. این انجمن فعالیت‌های خود را از سال ۲۰۰۵ به بعد بر پایه‌ی اصول انسانیت، انصاف، بی‌طرفی، استقلال و پاسخ‌گویی در حوزه‌هایی مثل مساعدت اضطراری، حمایت از پناهندگان، محافظت از کودکان و تقویت جامع‌های مدنی و همکاری است. برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.hayatadestek.org> مراجعه کنید.

• انجمن همه‌جا هنر

ایده‌ی تأسیس انجمن «همه‌جا هنر» برگزاری فستیوالی در ۲۰۱۲ در ماردین واقع در خط مرزی مشترک با سوریه بود. انجمن برای کودکان و جوانان این منطقه در مدارس، اردوگاه‌های پناهندگی و سایر نقاط سیرک‌ها و کارگاه‌هایی برگزار می‌کند. هدف از این فعالیت‌ها تغییر کودکی خسران‌دیده‌ی کودکان سوریه، عراقی و ترک متأثر از جنگ و تقویت تخیل آن‌ها از طریق استفاده از تعلیم و تربیت مبتنی بر سیرک اجتماعی است. برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.heryerdesanat.org> مراجعه کنید.

• انجمن دگرباشان هوی (Hevi)

انجمن هوی را گروهی از افراد لزبین، گی، دوجنسی، ترنس و بیناجنسی پایه گذاشتند که در بلوک دگرباشان در پارک گزی در خلال مقاومت گزی با یکدیگر آشنا شده بودند. این انجمن به این ایده باور دارد که سیاست دگرباشان را باید در چارچوب یک رویکرد سیاسی گسترده ارزیابی کرد. انجمن هوی مسائل طبقه، قومیت، تبعیض جنسی، استعمار و حقوق و آزادی‌های طبیعت و انسان‌ها را به عنوان بخش‌های جدانشدنی سیاست دگرباشان تلقی می‌کند. انجمن ضد مداخلات نظامی است. هوی باور دارد که سهم دگرباشان در سیاست صلح مسئولیت‌پذیری در قبال دستیابی به یک صلح جامع و پایدار است. هدف انجمن رسیدن به جهانی است که در آن هر فرد دارای حقوق شهروندی برابر باشد، برخلاف نظم جهانی مبتنی بر دگرجنس‌گرایی و مردسالاری.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://hevilgbti.org> مراجعه کنید.

• مرکز پژوهش‌های پناهجویی و مهاجرت

این مرکز پژوهشی از طرف جمعی از دانشگاهیان، پژوهش‌گران، روزنامه‌نگاران و فعالین نوع‌دوست به منظور پُر کردن خلأ یک مرکز پژوهشی مستقل در حوزه مسائل پناهجویی و مهاجرت در ترکیه تأسیس شد. فعالیت‌های این مرکز عبارتند از تشویق پژوهش‌گران در حوزه مهاجرت و پناهجویی، حمایت از پژوهش‌های آکادمیک میدانی و ثبت داده‌های مبتنی بر یافته‌های پژوهشی و انجام پژوهش‌ها. عمده‌ی این فعالیت‌ها حمایت حقوقی، افزایش آگاهی عمومی، لابی‌گری و ایجاد شبکه است.

• سازمان توسعه‌ی منابع انسانی (HRDF)

سازمان توسعه‌ی منابع انسانی یک سازمان غیرانتفاعی و برجسته‌ی جامعه‌ی مدنی است. این سازمان در سال ۱۹۸۸ از جانب اعضای بنیان‌گذار متشکل از تاجران و دانشگاهیان تأسیس شد و اکنون ۴۳ عضو در هیئت امنای آن حضور دارند. وظیفه‌ی این سازمان ادای سهمی در حل مشکلات بهداشتی، آموزشی و اشتغال است که تأثیری منفی بر رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منابع انسانی دارند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.ikgv.org/index.html> مراجعه کنید.

• انجمن کائوس گ.ل.

هدف انجمن همبستگی و پژوهش فرهنگی گی و لزبین کائوس حمایت از لزبین‌ها، گی‌ها، دوجنسی‌ها، ترنس‌ها و بیناجنسی‌ها برای دستیابی به ارزش‌های آزادی‌خواهانه، فعالیت‌یابی وجود آن‌ها و پرورش آن‌ها به منظور ادای سهمی در توسعه‌ی صلح و رفاه اجتماعی همراه با گسترش زندگی و رفتار فردی، اجتماعی و فرهنگی آن افراد است.

این انجمن فعالانه با انجام فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی، هنری، ورزشی و غیره به منظور نائل شدن به دستاوردهایی که در این چارچوب وجود دارند به افراد کمک می‌کند تا دگرباشان بتوانند به آزادی، عدالت و صلح به عنوان ارزش‌های اساسی خود نائل شوند؛ انجمن کائوس حقوق بشر را به عنوان حقوق تمام انسان‌ها بدون ایجاد تبعیض مبتنی بر زبان، نژاد، رنگ، جنسیت، گرایش جنسی، دیدگاه فلسفی، دین، فرقه‌ی مذهبی، محلی بودن و غیره در نظر می‌گیرد و علیه تبعیض مبتنی بر گرایش جنسی و هویت جنسیتی در تمام وجوه زندگی مبارزه می‌کند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.kaosglidernegi.org> مراجعه کنید.

• انجمن سلامت جنسی و حقوق بشر چتر قرمز

دیدگاه این انجمن با یک نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متناظر است که نابودی تمام انواع نقض حقوق، طرد اجتماعی، داغ ننگ و بی‌اطلاعی را که کارگران جنسی در معرض آن قرار دارند تضمین می‌کند و نیز اینکه کار جنسی به عنوان شکلی از کار شناخته شود و کرامت انسانی کارگر جنسی حفظ گردد.

انجمن چتر قرمز حقوق کارگران جنسی را در چارچوب حقوق بشر و حقوق کار در نظر می‌گیرد و معتقد است که مشکلات کارگران جنسی در وهله‌ی نخست باید از جانب خود کارگران جنسی مطرح شود و از این ایده در تمام پلتفرم‌ها دفاع می‌کند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.kirmizisemsiye.org> مراجعه کنید.

• انجمن همبستگی و همیاری اجتماعی قلم آبی

انجمن قلم آبی بر مبنای ایده‌ی «کار داوطلبی یک سبک زندگی است» تأسیس شده است.

این انجمن با هیچ نوع رفتار و گفتار قضاوت‌گرانه و تبعیض آمیز در امور داخلی و مطالعات خود مدارا نمی‌کند. در این انجمن جایی برای دیدگاه‌های تبعیض آمیز قومی، دینی، جنسی و غیره و نیز جایی برای نفرت و خشونت پراکنی نیست.

انجمن قلم آبی خود را با هویت‌های سیاسی، دینی و قومی تعریف نمی‌کند. این انجمن در کنار موضوعات آزادی، حقوق بشر، حقوق دموکراتیک، حقوق بهداشتی، برابری جنسیتی، حقوق زنان، حقوق دگرباشان، کودکان و جلوگیری از تبعیض قرار می‌گیرد.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <https://www.mavikalem.org> مراجعه کنید.

• انجمن همبستگی با پناهندگان (Mülteci-Der)

این انجمن در پی فرآیندی تأسیس شد که با نشست نمایندگان سازمان‌های جامعه‌ی مدنی، کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان و نمایندگان برخی از نهادهای عمومی در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۷ در ازمیر آغازید. مقر این انجمن در ازمیر است.

انجمن همبستگی با پناهندگان یک سازمان حقوق بشری و همبستگی نوع‌دوستانه است که بر روی مشکلات پناهندگانی که کشورهای خود را ترک کرده‌اند، پناهجویان، مهاجران، افراد خواهان پناجویی موقت و افرادی که ممکن است تحت رویه‌ی محافظت ثانویه باشند صرف‌نظر از دین، نژاد، جنسیت، گرایش جنسی، نظرگاه سیاسی و هر چیز دیگر فعالیت می‌کند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.multeci.org.tr> مراجعه کنید.

• انجمن-مرکز حمایت از پناهندگان (MUDEM)

این انجمن در سال ۲۰۱۴ در آنکارا به منظور انجام فعالیت‌هایی در سطح ملی و بین‌المللی برای پرداختن به مشکلات پناهجویان، پناهندگان، مهاجران، قربانیان قاچاق انسان، متقاضیان محافظت بین‌المللی و افراد بی‌وطن تأسیس شد. این مرکز یک انجمن بی‌طرف و غیرانتفاعی است و هدف اصلی آن حمایت از برآورده کردن نیازهای حافظ زندگی پناهندگان، تأمین مشاوره‌ی حقوقی برای دسترسی به حقوق اجتماعی، پرداخت هزینه‌های کمکی برای نیازهای مبرم و تقویت روابط بین سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و سازمان‌های دولتی فعال در این عرصه است.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://mudem.org> مراجعه کنید.

• حقوق پناهندگان ترکیه

این انجمن فعالیت‌های تخصصی در حوزه‌ی دسترسی به سازوکارهای محافظت قانونی برای خارجیانی که از جنگ و آزار و اذیت گریخته‌اند و در ترکیه پناه گرفته‌اند؛ در زمینه‌ی ظرفیت فزونی‌یافته‌ی حمایت قانونی از پناهجویان؛ در عرصه‌ی ترویج همبستگی و نگرش‌های مثبت به پناهجویان در اجتماعات محلی و آرای عمومی به منظور بهبود بخشیدن به قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های ترکیه در رابطه با پناهجویان در تطابق با معیارهای بین‌المللی انجام می‌دهد. انجمن حقوق پناهندگان ترکیه یک سازمان جامعه‌ی مدنی مستقر در استانبول است.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <https://www.mhd.org.tr/tr> مراجعه کنید.

• انجمن همبستگی و حمایت از پناهندگان و پناهجویان (ASRA)

این انجمن یک سازمان جامعه‌ی مدنی و نوع‌دوست است که در جهت بهبود بخشیدن به حقوق و شرایط زندگی پناهندگان و برآورده‌سازی نیازهای ابتدایی افراد و اجتماعاتی که تحت تأثیر بلایای طبیعی، بحران بشردوستانه، جنگ‌ها و نقض حقوق بشر قرار گرفته‌اند، فعالیت می‌کند.

این انجمن فعالیت‌های خود را در سطوح ملی و بین‌المللی در چارچوب اصول عدم تبعیض، شفافیت، بی‌طرفی و مسئولیت‌پذیری طبق معیارهای بین‌المللی محرمانگی بشردوستانه ادامه می‌دهد. این انجمن در بهبود بخشیدن به شرایط زندگی افراد و اجتماعات متأثر از بحران از خلال فعالیت‌ها و عکس‌العمل‌های عاجل که در سطوح ملی و بین‌المللی انجام می‌شوند ایفای نقش می‌کند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://msyd.org> مراجعه کنید.

• انجمن همبستگی و پناهندگان و پناهجویان (RASAS)

این انجمن در سال ۲۰۱۴ به منظور حل مشکلات افرادی که کشور خود را ترک کرده‌اند و نیازمند محافظت بین‌المللی‌اند تأسیس شد. انجمن از افراد نیازمند به واسطه‌ی کارکنانی با ملیت‌های مختلف حمایت می‌کند.

نام کوتاه مجموعه، انجمن پناهندگان است و فعالیت‌های خود را بدون تبعیض بر مبنای زبان، دین، نژاد، جنسیت، سن، معلولیت، اختلاف سیاسی و سایر دلایل انجام می‌دهد.

انجمن در همکاری با بخش خصوصی، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و نهادهای عمومی در وهله‌ی اول به منظور کمک به حل مشکلات اساسی پناهندگان و برآورده‌سازی تمام نیازهای حیاتی آن‌ها و فراهم کردن بستر یک ادغام اجتماعی سریع‌تر برای آن‌هاست.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <https://multeciler.org.tr> مراجعه کنید.

• انجمن زندگی مثبت

هدف انجمن زندگی مثبت که گروهی از افراد مبتلا به اچ.آی.وی، خویشاوندان آنها، داوطلبان و متخصصان مربوطه آن را پایه گذاشتند، دسترسی به تمام افراد دارای اچ.آی.وی است. این انجمن تلاش دارد که مطمئن شود تا این افراد و خویشاوندان شان از خدمات باکیفیت و رایگان بدون قرار گرفتن در معرض هر نوع تبعیض برخوردار می‌شوند و همچنین در جهت توانمندسازی فیزیکی و ذهنی آنها تلاش می‌کند. به منظور تضمین اجرای کامل حقوق آنها بدون هرگونه مشکل، انجمن مسئولیت دارد تا خدمات مشاوره‌ای و حمایتی ارائه دهد، آگاهی‌سازی کند و در کنترل و گسترش خدمات و قانون‌گذاری‌ها از طریق همکاری با سازمان‌های دولتی و جامعه‌ی مدنی فعال در این عرصه ادای سهم داشته باشد.

رویکرد انجمن زندگی مثبت در جهت ساخت جامعه‌ای است که اطلاعات دقیق و به‌روزی در مورد اچ.آی.وی دارد، جامعه‌ای که رها از هر نوع پیش‌داوری و تبعیض علیه افراد مبتلا به اچ.آی.وی است، جایی که تمام افراد دسترسی آسانی به خدمات باکیفیت و رایگان در رابطه با جلوگیری از بیماری، تشخیص زودهنگام، حمایت، درمان و مراقبت دارند و جایی که تمام حقوق این افراد از جانب قوانین اجرایی تأثیرگذار محافظت می‌شوند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.pozitifyasam.org> مراجعه کنید.

• انجمن همبستگی با پناهجویان و مهاجران (SGDD-ASAM)

این انجمن از ۱۹۹۵ تا به امروز خود را وقف ارائه‌ی راه‌حلهایی برای مشکلات پناهندگان و پناهجویان در ترکیه کرده تا به آنها کمک کند تا نیازهای اولیه‌شان را برآورده سازند و از آنها در جهت برخورداری‌شان از حقوق و خدمات اساسی حمایت نمایند، پناهندگان و پناهجویان بتوانند در هماهنگی با اجتماع میزبان زندگی کنند. آسام از بدو تأسیس خود برای پناهجویان و پناهندگانی که از مناطق جنگی می‌آیند خدمات روان‌شناختی-اجتماعی ارائه داده است. آسام برای ایجاد یک مکان امن و حصول اطمینان از رفاه حال پناهجویان و پناهندگان تلاش می‌کند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://sgdd.org.tr> مراجعه کنید.

• انجمن مطالعات سیاست‌گذاری اجتماعی، هویت جنسیتی و گرایش جنسی (SPoD)

این انجمن که گروهی از دانشگاهیان، وکیلان و فعالان در ۲۰۱۱ آن را پایه گذاشتند در جهت یافتن راه‌حلهایی پایدار و جامع برای مشکلات دگرباشان و کاهش سطح خشونت، سرکوب و تبعیضی که با آن مواجه‌اند فعالیت کرده است. این انجمن مشاوره‌های حقوقی، اجتماعی، آکادمیک و روان‌شناختی و دوره‌های آموزشی برای پرسنل مراقبت‌های روان‌پزشکی، مددکاران اجتماعی، وکلا، نهادها و شهرداری‌ها ارائه می‌دهد و سمینار، پنل، نشست‌های وکلا، مدرسه‌های سیاست‌گذاری و اکتیویسم و کارزارهای انتخاباتی را سازماندهی کرده و گروه‌های حمایتی برای ترنس‌ها، معلولین و پناهندگان ایجاد می‌کند. تمام افرادی که این قبیل فعالیت‌ها را انجام می‌دهند داوطلبان این انجمن هستند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.spod.org.tr> مراجعه کنید.

• بنیادهای همیاری و همبستگی اجتماعی (SYDV)

این بنیادها در تطابق با بندهای قانون مدنی ترکیه با اتکا بر قانون شماره‌ی ۳۲۹۴ در باب تشویق همیاری و همبستگی اجتماعی به منظور انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های مرتبط به قانون در هر استان و منطقه تأسیس شده‌اند. در حال حاضر، ۱۰۰۲ بنیاد همیاری و همبستگی اجتماعی در سراسر کشور به شهروندان و پناهندگان خدمات ارائه می‌دهند.

• بنیاد داوطلبان اجتماع (TOG)

بنیاد داوطلبان جامعه با چشم انداز دستیابی به صلح، همبستگی و تغییر اجتماعی همراه با جوانان با توانمندسازی آنها پایه گذاری شده است.

افراد جوان که داوطلبان جامعه هستند در باشگاه‌ها، گروه‌ها یا اجتماعات موجود در دانشگاه‌های خود جمع می‌شوند و پروژه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایدار را به منظور پاسخ به نیازهایی که خود مشخص کرده‌اند به انجام می‌رسانند. این پروژه‌ها نه تنها ادای سهمی به جامعه است بلکه به جوانان کمک می‌کنند تا تبدیل به افرادی مسئولیت‌پذیر و فعال شوند و کمک‌رسان رشد شخصی آن‌ها می‌شوند.

• هلال احمر ترکیه

هلال احمر ترکیه در نتیجه‌ی تمایل به کمک غیرتبعیض‌آمیز به سربازانی که از مجروحیت یا بیماری‌های ناشی از میدان جنگ رنج می‌برند ظاهر شد. مسئولیت هلال احمر ارائه‌ی کمک به افراد نیازمند و بی‌دفاع در زمان بلایا به مثابه‌ی یک سازمان پویتر است که همکاری در جامعه را گسترش داده، خون ایمن تأمین کرده و آسیب‌پذیری را کاهش می‌دهد. رویکرد این نهاد تبدیل شدن به سازمانی است که به عنوان الگویی در خدمات کمکی بشردوستانه در ترکیه و جهان قلمداد شده و سازمانی که در کنار افراد در سخت‌ترین دوران زندگی‌شان است.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <https://www.kizilay.org.tr> مراجعه کنید.

• سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) - آژانس مهاجرت سازمان ملل

این سازمان نخستین دفاتر خود در ترکیه را در ۱۹۹۱ پس از دوران اولین جنگ خلیج افتتاح کرد. فعالیت‌های سازمانی با اسکان مجدد پناهندگان عراقی آغاز شد و بعدها به برنامه‌های مدیریت مهاجرت گسترش پیدا کرد. مشارکت این سازمان با جمهوری ترکیه در نوامبر ۲۰۰۴ رسمیت یافت، یعنی زمانی که ترکیه تبدیل به عضوی از سازمان بین‌المللی مهاجرت شد. مشارکت بین سازمان بین‌المللی مهاجرت و ترکیه از آن زمان به بعد ادامه یافته است، از جمله حمایت از پیش‌نویس قانون خارجیان و محافظت بین‌المللی و نیز تأسیس ریاست کل مدیریت مهاجرت وابسته به وزارت امور داخلی در سال ۲۰۱۳.

سازمان IOM در زمینه‌های کمک به مهاجرین، مهاجرت و مدیریت مرزی، مهاجرت نیروی کار، اورژانس، آمادگی، واکنش و بهبودی، اسکان مجدد و مدیریت حرکت و مدیریت مهاجرت فعالیت می‌کند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <http://www.turkey.iom.int> مراجعه کنید.

• مجمع شهروندان

مجمع شهروندان (یا پیشتر مجمع شهروندان هلسینکی) یک سازمان جامعه‌ی مدنی است که در حوزه‌ی حقوق و آزادی‌های اساسی، صلح، دموکراسی و کثرت‌گرایی، شهروندی و دموکراتیک‌سازی فعالیت می‌کند. هدف این مجمع ادغام ارزش‌های پیشرو در زندگی روزمره است؛ ارزش‌هایی همانند زندگی با کرامت، حکومت قانون و عدالت، مدیریت عمومی مشارکتی، شفاف و پاسخگو، برابری جنسیتی آن‌گونه که در معاهدات بین‌المللی تصریح شده؛ اقتصادی که نابودگر بافت اجتماعی و صلح، شهرها و کره‌ی زمین نباشد؛ پایان یافتن جنگ‌ها و مشکلات از طریق مذاکرات صلح‌آمیز، مشاوره و دیالوگ و تضمین اینکه این ارزش‌ها بر پایه‌ی مدنی به صورت انضمامی انعکاس و گسترش یابند.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <https://www.hyd.org.tr/tr> مراجعه کنید.

• انجمن یووا (Yuva)

این انجمن در سال ۲۰۱۰ با هدف و میل به تغییر جهان و تبدیل کردن آن به مکانی بهتر، عادلانه‌تر و پایدارتر و تضمین اینکه انجمن خانه/سرپناهی برای تمام موجودات زنده باقی بماند، تأسیس شد.

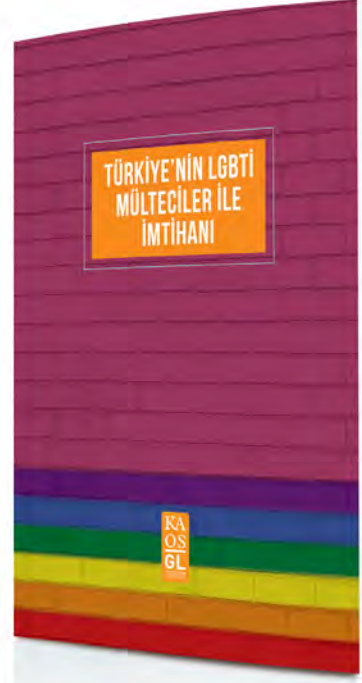
هدف اصلی این انجمن که با برنامه‌ی محافظتی‌اش قصد نائل شدن بدان را دارد ارائه‌ی اطلاعات و فضایی امن برای افراد است که بتواند آن‌ها را در جهت ارزیابی خود و محیط‌شان توانمند سازد؛ حمایت از افراد به منظور ایجاد سازوکارهای چیرگی خاص آن‌ها از خلال توانمندسازی مداخلات و انجام فعالیت‌های تسهیل‌گیری در راستای حذف موانع موجود بر سر راه دسترسی به حقوق و خدمات اساسی. برای نائل شدن به این هدف، انجمن یووا رویکردی درهم‌تنیده را اتخاذ می‌کند که هم شامل رویکردهای حقوق‌محور و هم رویکردهای مبتنی بر توانمندسازی در برنامه‌ی محافظتی‌شان است.

برای اطلاعات بیشتر و ارتباط با سازمان می‌توانید به <https://www.yuva.org.tr> مراجعه کنید.



Turkey's Challenge with LGBTI Refugees

This report aims to document the obstacles faced by LGBTI Refugees in Turkey in enjoying and accessing the fundamental rights and services in various areas and in social life as well as the discrimination and violence they encountered on account of their sexual orientation, gender identity and intersex conditions (SOGIIC).



Türkiye'nin LGBTİ Mülteciler ile İmtihani

Bu rapor ile Türkiye'deki mülteci LGBTİ'lerin temel hak ve hizmetlere erişimlerinde karşılaştıkları engellerin ve sosyal hayatta mülteci olmanın yanı sıra cinsel yönelim, cinsiyet kimliği ve interseks durum temelli maruz kaldıkları ayrımcılığın ve şiddetin kayıt altına alınması amaçlanmıştır.